



نشریه علمی. آموزشی. تبلیغی
حوزه علمیه سفیران هدایت آیت ا... دامغانی (ره)
(علویون) همدان
سال یازدهم، شماره بیست و یکم
شهریور ۱۴۰۱ - ۴۵۰۰۰ تومان

اربعین

حرکت اربعین برای رساندن پیام آقا ابا عبد... (علیه السلام)
و اسرای کربلا به جهانیان است. حجت الاسلام والمسلمین محمد علی ارزنده (زید عزه)

دیدار با ابرار

حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمد علی ارزنده (زید عزه)



طلبه مطلوب

حضرت حجت الاسلام والمسلمین علی رسولی



آثار سیاسی پیاده روی اربعین

حجت الاسلام رضا بهرامی



حجاب اجباری

مهدی درفش



فرصت شکوفایی اقتصاد ملی

فرشاد محمد پور



نزدیک اربعین
دله جمانده هاگرفت



فهرست مطالب

۶	سر مقاله
	مصاحبه
۹	دیدار با ابرار
	تبلیغی
۱۴	طلبه مطلوب
۱۶	سوز و آشک ، سیری آلی به سوی عالی
۱۸	میثاق تاریخی اربعین
۲۱	شهید اربعین
۲۳	زیارت اربعین: قوی‌ترین سلاح در مقابل دشمن
۲۵	اربعین حسینی (منبر آماده)
۳۰	روضه مکتوب اربعینی
	سیاسی
۳۲	آثار سیاسی پیاده روی اربعین حسینی
۳۷	فرصت شکوفایی اقتصادی ملی
۴۰	طلبه ی سیاسی ، خیلی دور ، خیلی نزدیک
۴۲	حجاب اجباری ، ترکیب دشمن پیروز کن
۴۴	جایگاه مردم در حکومت دینی در اندیشه
۴۴	حجت الاسلام و المسلمین میرباقری
	گزارشی اجمالی از دستاوردهای سی امین سفر
۴۷	استانی رئیس جمهور و هیئت دولت به همدان
	روی کانال پژوهش
۵۱	مقالات برتر سیزدهمین جشنواره علامه حلی (ه)
۵۴	معرفی ۵ کتاب با موضوع (اربعین حسینی)
	معرفی تازه های نشر کتب اساتید و طلاب حوزه علمیه
۵۹	همدان (سال تحمیلی ۱۴۰۱)

امام صادق (علیه السلام):

كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ
وَ اَلْاِجْتِهَادَ وَ اَلْمَسْلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ فَاِنَّ ذَلِكُمْ دَاعِيَةٌ.

کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۷۸، ح ۱۴

نشریه علمی، آموزشی، تبلیغی داعیه

صاحب امتیاز: معاونت پژوهش مدرسه سفیران هدایت آیت الله

دامغانی (علویون) همدان

مدیر مسئول: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا یوسفی راستگو

سردبیر: حجت الاسلام والمسلمین رضا بهرامی فرزانه

همکاران این شماره:

حضرات حجج اسلام محمد علی ارزنده ،علیرضا یوسفی، علی

رسولی،میثم فرحی، رضا بهرامی و آقایان مهدی درفش، محمد مرتضی

قلبی محمد غلامی، فرشاد محمد پور، هادی صفایی، رضا دوست

ودی، مهدی اصفهانی، وحید ترکاشوند، علیرضا زواره ی

طراحی، صفحه آرایی و چاپ: تبلیغات نگارستان

۰۹۱۸۲۰۰۷۱۱۱-۳۴۲۴۵۰۵۴۸

نشانی: همدان، میدان امامزاده عبدالله، بلوار زینبیه، کوچه

مدرسه، مدرسه علمیه سفیران هدایت آیت الله دامغانی (علویون)

تلفکس: ۰۸۱-۳۴۲۲۲۰۲۲

۳۱۳ rezabrahmi@gmail.com پست الکترونیک:

پیامک: ۰۹۱۸۷۱۲۰۱۲۷

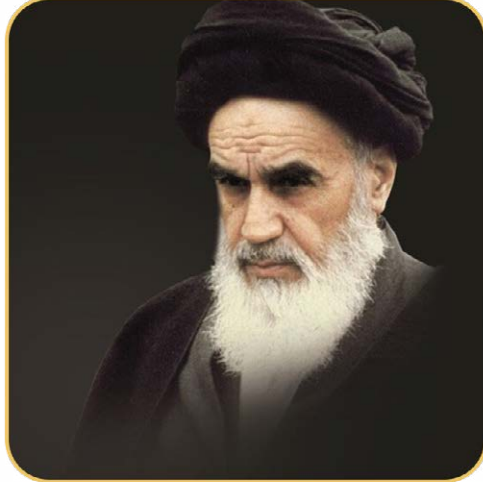
داعیه در ویرایش مقالات و مطالب ارسال آزاد است.

لطفاً پیشنهادات و انتقادات سازنده خود را به داعیه ارسال کنید.



حضرت امام خمینی (رحمه الله عليه) :

انقلاب اسلامی که با اربعین های متوالی آغاز شد. در حقیقت نتیجه اربعین حسینی بود. اربعین های ما باید بازتاب اربعین حسینی باشد و همان روح را در جامعه بدمد.



حضرت امام خامنه ای (مد ظله العالی) :

اولین درسی که اربعین به ما می دهد زنده نگه داشتن یاد حقیقت و خاطره شهادت در مقابل طوفان تبلیغات دشمن است. اربعین درس جهاد فرهنگی است. درس افشاگری و حقیقت گویی است.



حضرت آیت الله موسوی اصفهانی (زید عزّه):

ایستادگی در برابر استکبار مهم ترین پیام اربعین برای جامعه امروز است و خود سازی و تهذیب نفس دو توشه ی زیارت اربعین است.



حضرت آیت الله شعبانی (زید عزّه):

اربعین ، تقویت جایگاه سیاست ورزی مبتنی بر فرهنگ کربلا است که سیاست آن مذهبی و مذهب آن سیاسی است.





سرمقاله

مدیریت محترم مدرسه علمیه سفیران علویون
 حضرت حجت الاسلام والمسلمین علیرضا یوسفی راستگو

باوفای ایشان است. زیارتی که سال‌هاست مردم با شور و حرارت بسیار در اربعین انجام می‌دهند. به‌راستی که این شور و حال زیارت در این روز و جمعیت گسترده مردم به خواست و هدایت پروردگار متعال صورت گرفته و چنین گردهمایی در تاریخ بشر و بر روی کره زمین بی‌سابقه است. اجتماعی خاص و منحصر به فرد با هدفی معنوی و الهی که نظیری را برای آن در هیچ نقطه‌ای از دنیا نمی‌توان یافت. این جمعیت میلیونی هرساله از سراسر جهان در کربلا گردهم آمده و مردمان این سرزمین چه مهمان‌نوازانی هستند و چه زیبا از زائران امام حسین(ع) پذیرایی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که هیچ زائری بدون پذیرایی نخواهد ماند و در این خصوص نگرانی ندارد. بسیاری از ساکنان این سرزمین مقدس، خودشان تمکن مالی چندانی ندارند و در زندگی خویش با مشکلاتی مواجه هستند؛ اما اینان در طول سال، مقداری از پولشان را برای

توجه، سفارش و تأکید نسبت به سفر به کربلا و زیارت قبر ایشان است، نه اینکه امام را در منزل خود و با خواندن زیارت‌نامه آن حضرت زیارت کنیم. درحقیقت، مقصود ائمه زیارتی است که موجب زنده نگه داشته‌شدن این حادثه و اهداف رفیع الهی در ظرف جهان است. این سفارشی نیست که تنها به زمینیان شده باشد و انسان‌ها به آن فرمان یافته باشند، بلکه در کتاب «کامل‌الزیارات» آمده است که هر شب هفتاد هزار فرشته به امر خداوند متعال، در اول غروب به زیارت حرم حضرت می‌آیند و در اول فجر به عرش بازمی‌گردند. تعداد فرشتگان عرش الهی به قدری زیاد است که تا روز قیامت، فقط یکبار توفیق زیارت حرم ابی‌عبدالله نصیب آنان می‌گردد. اما آن زیارتی که پیغمبر اکرم و امامان معصوم(علیهم‌السلام) به آن مکرراً و مؤکداً سفارش کرده‌اند، زیارت امام حسین(ع) در چهلمین روز شهادت آن حضرت و یاران

کربلا، اربعین، معراج عاشقان
 یک اربعین دیگر در پیش است و دل‌های همه شیفتگان حسین بن علی علیهما السلام در تب و تاب برای حضور در میعادگاه اصحاب آخرالزمانی سیدالشهدا است. زیارت امام حسین علیه السلام دایمی اجر و ثوابی عظیمی است که گویای تاثیر عمیق آن بر دل و جان زائر حسینی است. ثواب هر قدمی که زائر امام حسین(ع) از منزل خود تا حرم ابی‌عبدالله برمی‌دارد، (هرمقدار فاصله که بین منزل و حرم باشد) با ثواب یک حج و عمره قبول شده برابری می‌کند؛ البته در برخی روایات نیز نود حج و عمره قبول شده و یا هزار حج و عمره قبول شده آمده و این اختلاف روایات به تفاوت معرفت و ظرفیت زائر بستگی دارد. گاهی زائر حرم آن حضرت از امامان معصوم(علیهم‌السلام) است و گاهی مؤمنی با درجه والای معرفتی و گاهی نیز مؤمنی با درجه پایین‌تر ایمانی؛ لیکن نکته مهم و درخور

بی‌گمان، این آغاز راه است و جهان در آینده تحت تأثیر منش و رسالت سیدالشهدا(ع) و زائران آن حضرت قرار خواهد گرفت و به زودی چراغ دروغین ادیان و مکتب‌های غیرخدایی به وسیله طوفان ایمان به ابی‌عبدالله به خاموشی خواهد گرایید و چه بسا در همین اربعین، جهان آماده ظهور امام عصر(عج)، برپایی عدل جهانی و پذیرش مکتب حسینی گردد. انشاءالله.

دلا کوی حسین عرش زمین است مطاف و کعبه دل‌ها همین است اگر خیل شهیدان حلقه باشند حسین بن علی، آن را نگین است

طبق این آیه و نیز سوره مبارکه نجم، همانا معراج عوالم بالا برای انسان کامل و خلیفة‌الله الاعظم رخ داده که در بین زمینیان می‌زیسته است؛ اما روایتی از امام صادق(ع) در «کامل‌الزیارات» نقل شده که این کتاب از معتبرترین کتب در ۲۰۰ سال گذشته است، ایشان در این روایت فرموده‌اند: همانا حسین ما قتلگاه خود را به معراجی برای ملکوتیان مبدل کرد. تنها یک‌نفر از اهل زمین به معراج رفت که رسول گرامی اسلام(ص) بود، ولی هزاران‌هزار فرشته و ملک مقرب الهی از عالم ملکوت برای معراج به زیارت حرم ابی‌عبدالله می‌آیند. پس شما ای زائران اربعین حضرت امام حسین(ع) بدانید که چه کار عظیمی توسط شما انجام می‌شود و این را نیز بدانید که با دست‌به‌دست هم دادن و ساختن جمعیتی چندمیلیونی از زائران اربعین، چه آثار پربرکتی را از خود به جا می‌گذارید.

زائران اربعین ذخیره کرده و در این روزها از مهمانان ویژه ابی‌عبدالله پذیرایی می‌کنند. زوَّار اربعین حسینی، مبلَّغان دین الهی حقیقتاً افرادی که به این‌شکل به پیاده‌روی اربعین می‌روند و آنان که به این گروه‌ها خدمت می‌کنند، دین الهی را در پرتو وجود ابی‌عبدالله تبلیغ می‌نمایند. شور و اشتیاق مردم در زیارت اربعین به‌جایی رسیده که چندسالی است ادیان گوناگونی مانند مسیحیان، زرتشتیان، و حتی گروهی از اهل‌تسنن نیز بدان جذب شده‌اند و هرساله خود را در روز اربعین حسینی به کربلا می‌رسانند. یقیناً اینان از ثواب زیارت امام حسین(ع) بی‌بهره نخواهند بود و چه بسا همین آمدن‌ها موجب آشنایی با دین حقیقی خدا باشد و امید است که روزی در پرتو حضورشان در اربعین حسینی در زمرة پیروان مکتب اهل‌بیت(علیهم‌السلام) قرار گیرند.

قتلگاه امام حسین(ع)،

محل معراج ملکوتیان

خداوند متعال در سوره مبارکه

اسراء می‌فرماید:

**سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ
 لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
 إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى
 الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ
 مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
 الْبَصِيرُ؛**

منزّه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده‌اش [محمّد(ص)] را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد تا [بخشی] از نشانه‌های [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست»





مصالحی

دیدار با ابرار

مصابحه با حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمد علی ارزنده (زید عزه)
امام جمعه محترم شهرستان بهار





دیدار با ابرار

مصاحبه با حضرت حجت الاسلام محمد علی ارزنده (زید عزه) امام جمعه محترم شهرستان بهار

مصاحبه گران: مهدی درفش ، محمد مرتضی قلی

فعالیت های اجرایی خودم را شروع کردم . دو سال و نیم در فامنین بودم بعد از آن به الشتر رفتم . در ادامه حدود چهار سال به تویسرکان رفتم و پس از آن حدود ۶ سال در الیگودرز بودم و از سال ۹۸ در شهرستان بهار حضور دارم . مدتی به عنوان مسئول ارتباطات و جذب در مرکز جهانی علوم اسلامی حضور داشتم که الان به عنوان جامعه المصطفی مشهور است . مدتی هم مسئول ارزیابی تیپ امام صادق (ع) بودم .

داعیه: اگر از جلساتی که با مقام معظم رهبری داشتید خاطره ای دارید بیان بفرمایید.

چند سال پیش دیدار خصوصی با حضرت آقا داشتیم بنده به حضرت آقا عرض کردم ، روحانیون در قم یا مدرس هستند یا مولف هستند یا محقق هستند و کمتر به عرصه تبلیغ ورود دارند و این در حالی است که فرقه های انحرافی به شکل خانه به خانه و نفر به نفر در

۵ و ... حضور داشتم . بعد از جنگ نیز در در زمان حمله ی آمریکا به عراق در آن جا حضور داشتم . قبل از ورود به حوزه یک بار به منطقه رفتم . اما برگشتم و به حوزه رفتم و یک سال در حوزه بودم اما دوباره به منطقه رفتم و تا پایان جنگ در منطقه بودم . بعد از پایان جنگ دوباره به حوزه برگشتم و از اول شروع به تحصیل کردم . شش سال هم در درس خارج شرکت کردم .

داعیه: در طول تحصیل، خدمت کدام اساتید افتخار تلمذ داشتید؟

آیت الله حسینی بوشهری ، آقایان حسین خراسانی و محمدی خراسانی و آیت الله محمدی . آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر و خارج ولایت فقیه و استاد احمد عابدی در درس فقه و اصول و تمهید القواعد و اشارات ابن سینا.

داعیه: درباره ی مسئولیت های خوتان در طول این چند سال مطالبی بفرمایید.

از سال ۸۳ به عنوان امام جمعه

داعیه: با عرض سلام و با تشکر از اینکه وقت خودتان را در اختیار نشریه داعیه قرار دادید لطفا بیوگرافی مختصری از خودتان بیان کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم.
 بنده هم خدمت شما سلام می کنم و از تشریف فرمایی شما عزیزان تشکر می کنم .

بنده محمد علی ارزنده متولد سال ۶۶ در محله قاشق تراش ها واقع در خیابان باباطاهر هستم . با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت های خودم را در پایگاه های بسیج شروع کردم . به دلیل این که مرحوم پدرم روحانی بودند از سال ۶۰ به قم رفتیم و بنده بزرگ شده ی قم هستم . افتخار ایت را داشتم که در سال ۶۴ به حوزه علمیه وارد شدم . در دوران دفاع مقدس در قرارگاه رمضان افتخار حضور داشتم در جنگ های نا منظم . در عملیات های برون مرزی مانند فتح ۴ ، فتح

حال تبلیغات سوء خودشان هستند به ایشان عرض کردم در برخی مناطق به علت این که روحانی وجود نداشته و مردم از معارف و احکام اسلامی بهره مندی کامل را نبرده اند ، میت را دفن می کردند و بر قبر نماز میت می خواندند . به حضرت آقا عرض کردن اوضاع به این شکل است و در عین حال طلبه ای که می خواهد جهاد بکند و به تبلیغ برود به محض خروج از قم شهریه اش را قطع می کنند . حضرت آقا صحبت های بنده را قطع کرد و به آقای ملکا که در آن زمان مسئول دفتر حضرت آقا در قم بود و آقای کیانی نژاد که مسئول وجوهات و پاسخ به سوالات شرعی بود فرمود آقایان می شنوید ایشان چه می گوید ،

وقتی من می گویم که شهریه ی آقایان را قطع نکنید به این دلیل است . آقای کیانی نژاد گفتند شهریه شما قطع نمی شود . حضرت آقا گفتند می دانم اما زمانی که می گویم به آقایان دیگر برسانید که شهریه ها را قطع نکنند به این دلایل است .

داعیه: لطفا اگر خاطره ای از بزرگان همدان دارید بیان فرمایید.

یکی از افرادی که به معنای واقعی اهل عمل بوده است و با عمل خود دستگیری می کرد مرحوم آیت الله محمد علی دامغانی (ره) بود. مرحوم پدر بزرگ بنده تعریف می کردند که یکی از طلاب به طرف کتاب های علوم غریبه رفته بود و آیت الله دامغانی (ره) به او سفارش کرده بود که به طرف این کتاب ها و این علوم نرود اما آن طلبه به سفارش ایشان توجه نمی کند و به

سمت تسخیر اجانین می رود اما به علت سختی های این کار نمی تواند به طور کامل آن را فرابگیرد و نمی تواند مراحل را طی کند و اجنه او را مورد اذیت و آزار قرار می دهند . آن طلبه به سراغ آیت الله دامغانی می رود و به ایشان می گوید اجنه من را اذیت می کنند و در کوچه و خیابان به طرف من سنگ پرتاب می کنند . مرحوم دامغانی به آن طلبه می فرماید مگر به تو نگفتم به طرف این علوم نرو و یک ریگ بر میدارد و چیزی بر آن می خواند و به طلبه می دهد و می فرماید اگر این بار در مسیر اجنه به طرف تو سنگ پرتاب کردند این ریگ را پرتاب کن و بگو شیخ محمد علی گفته اگر این بار با من کار داشته باشید با شیخ محمد علی طرف هستید، آن طلبه می گوید بعد از انجام آن کار دیگر اجنه با من کاری نداشتند و من را اذیت نمی کردند. خاطره ای هم از آیت الله تالهی (ره) دارم که (ایشان از دوستان شیخ محمد جواد انصاری همدانی (ره) بودند و به نقل از خودشان ما یک روح در دو کالبد بودیم) یک بار بنده همراه پدر و عموی همسرم که هر دو روحانی بودند خدمت ایشان رفتیم ، آیت الله تالهی (ره) عادت داشتند حتی در آن سنین پیری همیشه دو زانو می نشستند و بسیار شخص با ادبی بودند و اکثر اوقات ساکت می نشستند و صحبتی نمی کردند و این ادب ایشان برای ما یک درس بود که اخلاق فقط به حرف زدن نیست بلکه خیلی اوقات به عمل کردن است مثلا هنگامی که ما قصد ترک مجلس را داشتیم ایشان با آن سن بالا تا دم درب ما را بدرقه کردند.





مقید به نماز اول وقت نباشند اما در سفر اربعین به دلیل معنویتی که وجود دارد غالب مردم در نماز های جماعت شرکت میکنند و طلاب و فضلاء محترم می توانند از این موقعیت حسن استفاده را ببرند و به تبلیغ دین بپردازند. در همین حد هم حوزه های علمیه میتوانند این حرکت را سامان دهی کنند و در یک فراخوان از عموم مبلغین بخواهند که افرادی که در سفر اربعین شرکت می کنند و قصد تبلیغ دارند ، مشخصات خود را در یک سامانه ثبت کنند . ثمره این کار این است که با ثبت این اطلاعات می توانیم متوجه شویم به طور مثال امسال در حرکت اربعین را دارند و حوزه های علمیه می توانند با داشتن این اطلاعات ، مبلغین را به گونه ای ساماندهی کنند تا در تمام طول مسیر امکان خدمت رسانی به مردم فراهم شود.

در همان سامانه هم می توان مطالب مفید و مناسب تبلیغی را قرار داد تا مبلغین از آن استفاده کنند ، زیرا ممکن است مبلغی قصد خدمت رسانی داشته باشد اما مطالبی را ارائه دهد که مناسب با حرکت اربعین نباشد. در سال های گذشته این گونه بوده که هر سازمان و نهاد با توجه به احساس وظیفه ی شخصی به برپایی موبک هایی برای تبلیغ می پرداخته است اما طبق فرمایش مقام معظم رهبری کار باید به شکل تشکیلاتی انجام شود. نکته بعدی این است که مبلغین باید نسبت به شبهاتی که در اربعین وجود دارد مسلح باشند زیرا همان طور که اطلاع دارید در مسیر حرکت به سمت کربلا، گروه های مختلفی برای مسموم کردن

اما نقطه ی قوت حرکت اربعین این است که فراتر از عاشورا است ، معمولا در عاشورا شیعیان سعی می کنند در این روز در کربلا حاضر باشند اما اربعین یک حرکت جهانی است ، شیعه ، سنی ، مسلمان ، مسیحی ، یهودی و ... در آن شرکت می کنند و معنویت آن فضا را درک می کنند و از آن بهره می برند و خود این افراد که از سرتاسر جهان به این سفر می آیند سفیر این حرکت هستند و هر کدام می توانند پیام این سفر و این حماسه را به جهان انتقال دهند و وظیفه ما هم این است تا جایی که می توانیم برای شناساندن حماسه اربعین تلاش کنیم تا به هدف اصلی آن که معرفی امام حسین (علیه السلام) است دست پیدا بکنیم .

به نظر بنده سازمان تبلیغات و حوزه های علمیه و مراکز وابسته ی به آن باید برای تبلیغ در اربعین مراکزی را در مسیر پیاده روی اربعین تدارک ببینند . بنده در تهران در جلسه ائمه جمعه این نکته را مطرح کردم که از نجف تا ورودی کربلا حدودا ۱۴۰۰ عمود وجود دارد و تقریبا هر ۲۰ عمود یک کیلومتر می شود ، بنده گفتم که حوزه علمیه برای هر یک کیلومتر ، مکانی برای تبلیغ تدارک ببیند که در آن مبلغی حضور داشته باشد که به زبان فارسی و عربی مسلط باشد و در حال تبلیغ باشد. در سال های گذشته معمولا اتفاقی که می افتاد به این شکل بود که طلاب در اوقات شرعی برای اقامه نماز اقدام میکردند و در خلال نماز به تبلیغ می پرداختند که البته این کار بسیار کار مفید و به جایی است زیرا ممکن است در این سفر افرادی وجود داشته باشند که در ایام سال نعوذ بالله اهل نماز نباشند یا شاید

داعیه: با توجه به این که در آستانه اربعین حسینی هستیم، لطفا بفرمایید نظر خودتان را درباره ی این حرکت جهانی بیان کنید و توصیه ای به طلاب و مبلغینی که قصد حضور در سفر اربعین دارند بفرمایید.

ما بنا نیست که در اربعین به عراق برویم و صرفا یک ازدحام جمعیت و پیاده روی داشته باشیم یا صرفا چیزی نذر بدهیم یا چیزی بخوریم ، هدف از سفر اربعین صرفا این موارد نیست ، حرکت اربعین برای رساندن پیام آقا اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و اسیران خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) به جهانیان است . در روایات داریم که زمانی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کنند و تکیه مبارک خود را به خانه کعبه می دهند و می گویند من فرزند حسین (علیه السلام) هستم که سر مبارکش از تن جدا شد و تشنه شهید شد که در زیارت ناحیه مقدسه هم آمده است پس به این نتیجه می رسیم که تمام جهان باید امام حسین (علیه السلام) را تا قبل از ظهور بشناسد و یکی از بهترین موقعیت ها برای شناساندن ایشان به جهانیان حرکت اربعین است.

شما می دانید در روز عاشورا به دلیل مسائل قمه زنی که در آن روز در کربلا اتفاق افتاد رساله های جهان آن مراسم را به صورت گسترده برای زیر سوال بردن چهره شیعه در جهان به نمایش می گذارند البته هدف آنان خدشه دار کردن چهره اسلام و شیعیان در جهان است اما در عین حال آنان با نمایش این تصاویر در سطح جهانی ، حماسه حضور میلیونی مردن در روز عاشورا را هم به تصویر می کشند



ذهن زوار از جمله جریان احمد الحسن ، شیرازی ها و ... وجود دارند و مبلغین باید برای پاکسازی ذهن مردم وارد عمل بشوند و لازمه ی این حرکت هم این است که قبل شروع شدن حرکت اربعین ، مبلغین خود را مسلح به معارف اسلامی کنند ، تا زمانی که شبهه ای در ذهن مردم پیش آمد با مراجعه به مبلغین شبهه آنان برطرف شود. نکته بعدی را هم خدمت طلاب عزیز در قالب یک خاطره بیان می کنم ، در یکی از سفرهایی که در ایام اربعین داشتیم مشاهده کردیم که دو نفر روی یک ماشین خاور رفته اند و از بالای ماشین به سمت مردم نوشابه و کیک پرتاب می کنند ، بنده به دوستان گفتم در این کار نقشه ای وجود دارد و گرنه نیاز به این شکل پرتاب کردن خوراکی ها وجود ندارد ، به اتفاق دوستان جلوتر رفتیم و مشاهده کردیم دوربینی در حال فیلم برداری و پخش زنده این اتفاق است و عکس آقای شیرازی هم در آن جا وجود دارد و معلوم شد این کار از طرف اوست . بعد از دیدن این تصاویر عده ای به این حرکت اعتراض کردند . قصدم از بیان این خاطره این بود که طلاب و فضلا توجه داشته باشند که اگر صحنه هایی مشاهده کردند که حالت غیرعادی داشت از حضور در آن جا خودداری کنند

داعیه: توصیه اخلاقی حضرت تعالی به حوزه های علمیه و طلاب چیست ؟

ان شاء الله که اول بنده اهل عمل کردن به توصیه های اخلاقی باشم و دوستان هم که الحمدلله اهل عمل هستند بیشتر توجه بفرمایند. ان شاء الله باید تقوا سر منشا همه کار ها باشد ، البته نه تقوای ظاهری بلکه تقوا از روی علم . زیرا یک سری

اوقات برخی تقوا ها زاییده ی ذهن ماست و مطابق با دستورات اسلامی نیست . اگر آن تقوا وارد حوزه بشود که الحمدلله هست و تقویت بشود ، حوزه ها به همان حالات حوزه های سابق بر می گردد. اما اگر ما بخواهیم در رابطه با اخلاق و تقوا فقط سخنرانی کنیم و حرف بزنیم ، حوزه های علمیه نه تنها نمی تواند مشکل گشای مردم باشد ، مشکل خودشان هم نمی تواند حل کند. به نظر بنده آن حلقه ی مفقوده در زمان ما تقواست. حضرت امام خمینی (ره) می فرمودند از خدا بخواهید تا زمانی که خودتان را نساختید ، مسئولیت قبول نکنید از شما تشکر می کنیم که وقت گرانقدر خودتان را در اختیار ما قرار دادید . بنده هم از شما تشکر می کنم خداوند به شما خیر بدهد



تیلغی

- طلبه و مطلوب
- سوز و آشک ، سیری آلی به سوی عالی
- میثاق تاریخی اربعین (تاریخچه و زیارت های اربعین)
- شهید اربعین
- زیارت اربعین قوی ترین سلاح در مقابل دشمن
- اربعین حسینی (منبر آماده)
- روضه مکتوب اربعینی





حجت الاسلام و المسلمین رسولی

اخلاص، مهم ترین شاخصه طلبه عصر انقلاب اسلامی

ای ابوذر، هیچ سخنگویی نیست که سخنی بگوید مگر آنکه روز قیامت سخنش و مراد و مقصودش را از آن به او عرضه می کنند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «بهترین موعظه ها آن است که سخن از راستگویی تجاوز نکند و در عمل، اخلاص را پشت سر نگذارد. همانا مثال موعظه کننده و موعظه شونده همانند بیدار و خواب است؛ پس کسی که از خواب غفلت و معصیت خود بیدار شود صلاحیت دارد که دیگری را از خواب بیدار کند...»
 امام صادق علیه السلام:

«مَنْ أَرَادَ الْحَدِيثَ لِمَنْفَعَةِ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الآخِرَةِ نَصِيبٌ وَمَنْ أَرَادَ بِهِ خَيْرَ الآخِرَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ»؛

(کسی که حدیث ما را برای سود دنیا خواهد در آخرت بهره ای ندارد و هر که آن را برای خیر آخرت جوید خداوند خیر دنیا و آخرت باو عطا فرماید.)

بنابر مفاد برخی روایات، حضور در اجتماع ممکن است توجه انسان را به خود جلب و نیت خالص را از او سلب کند و در نتیجه، عبادت و دیگر اعمال معنوی فردی با آن چه در اجتماع انجام می شود متفاوت باشد. امام علی علیه السلام فرمود:

و جلی پاک باشد .

اخلاص در قرآن

قرآن کریم در مورد حقیقت دین و جایگاه اخلاص در آن می فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِمينَ لَهُ الدِّينَ حَنَفَاءً وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ»؛

(به آنها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند در حالی که دین خود را خالص کنند و از شرک به توحید باز گردند، نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار.)

تبلیغ دین وظیفه همه انبیای الهی بوده است. در قرآن کریم بارها از زبان انبیای الهی تکرار شده است که «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عِنْدَ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛

(و من هیچ مزدی در برابر این دعوت از شما نمی خواهم؛ اجر من فقط بر پروردگار عالمیان است.) بنابراین اخلاص در تبلیغ معارف الهی از ضروریات آن بشمار می رود.

اخلاص در روایات

در روایات متعددی به مساله اخلاص در امر تبلیغ دین اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر فرمودند:

«يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا مِنْ حَطِيبٍ يَخْطُبُ إِلَّا عُرِفَتْ عَلَيْهِ حُطْبَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَا أَرَادَ بِهَا»؛

طلبه مطلوب، طلبه در تراز

انقلاب، طلبه جهادی، طلبه در

شان حضرت مهدی (عج)؛

کلیدواژه هایی است که در چند سطر آتی به آن خواهیم پرداخت. طلبه مطلوب و کارآمد در تراز حکومت حضرت مهدی (عج) شرایط و صفاتی را می بایست در خود نمود بخشد، من جمله آن شرایط و در راس آن اخلاص است.

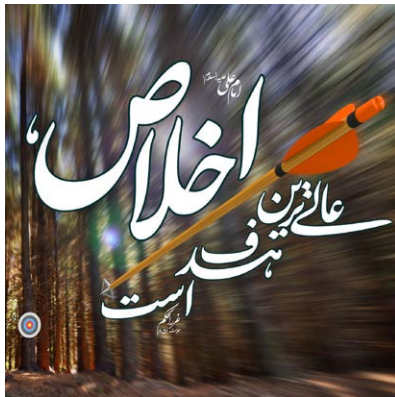
در اسلام و دستگاه الهی، ملاک پذیرش و پاداش عمل، چیزی جز اخلاص نیست و تبلیغ پیام الهی نیز در صورتی مورد پذیرش و استحقاق پاداش قرار می گیرد که خالصانه و برای خدا انجام پذیرد و در این صورت، کمیت چندان تاثیری در ارزشگذاری عمل نخواهد داشت.

تبلیغ خالصانه، گرچه مخاطبش یک نفر باشد، مقبول درگاه ایزدی است و پاداش آن را نیز خدا خواهد داد. اخلاص در لغت از ماده (خ ل ص) و معنای پاک کردن و ویژه کردن را گویند؛ یعنی پاک کردن چیزی از هر چیزی که غیر آن باشد و با آن درآمیخته باشد. در اصطلاح نیز عبارت است از پاک و خالص ساختن قصد و نیت از غیر خدا. به عبارت دیگر حقیقت اخلاص آن است که نیت انسان از هر گونه شرک خفی

دوم ایستاد و از این که مردم او را در صف دوم دیدند، گویا در خود خجالتی احساس کرد. از این جا متوجه شد که در این مدت طولانی که در پیشاپیش مردم و در ردیف اول نماز را اقامه می کرده از روی ریا بوده است و تمامی آن سی سال نماز را قضا کرد. مرحوم ملکی ادامه می دهد: برادرم! بنگر به این عالم مجاهد و دقت نمایی که چگونه در این زمان دراز، نماز جماعتش آن هم در صف اول فوت نگردید و بنگر به احتیاط او که چگونه به خاطر يك شبه این همه نماز را قضا کرد و از این جا عظمت امر اخلاص و اهمیتی را که علمای گذشته برای آن قایل بودند، دریاب.»

نکته قابل توجه در اینجا این است که اخلاص درجات متعددی دارد و دستیابی به بالاترین مراحل آن، نیاز به تلاش و خودسازی فراوان دارد. به همین دلیل است که نقل شده روزی مرحوم سیّد بحر العلوم خندان و متبسم یافتند، سبب را پرسیدند، در پاسخ فرمود: «پس از بیست و پنج سال مجاهده اکنون که در خود نگریستم دیدم دیگر اعمالم ریائی نیست و توانسته ام به رفع آن موقوف گردم». .

ادامه دارد



دل نیز نمی نشیند. « در این زمینه حکایات آموزنده بسیاری نیز از سیره علمای بزرگ ما نقل شده است. شهید مطهری در مورد اخلاص استادش مرحوم میرزا علی آقا شیرازی می نویسد: «هروقت به قم می آمد علمای طراز اول قم با اصرار از او می خواستند که منبر برود و موعظه کند منبرش بیش از آنکه «قال» باشد «حال» بود. از امامت جماعت پرهیز داشت. سالی در ماه مبارک رمضان با اصرار زیاد او را وادار کردند که آن ماه در مدرسه صدر اصفهان اقامه جماعت کند. با این که مرتب به نماز جماعت نمی آمد جمعیت بی سابقه ای برای اقتدا شرکت می کردند. جماعت های اطراف خلوت شد او هم دیگر ادامه نداد.»

یکی از شاگردان شیخ عباس قمی در مورد ایشان می گوید: «در یکی از ماه های رمضان با چند تن از دوستان از ایشان خواهش کردیم که در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت کند. با اصرار این خواهش پذیرفته شد. روزی پس از اتمام نماز ظهر به من گفتند: «من امروز نمی توانم نماز عصر بخوانم» رفتند و دیگر آن سال را برای نماز جماعت نیامدند. بعدها گفتند: وقتی شنیدم که پشت سر من می گویند:

(یا الله یا الله ان الله مع الصابرين)

خوشحال شدم که جمعیت این اندازه زیاد است! بنابراین من برای امامت جماعت اهلیت ندارم! عارف واصل مرحوم ملکی تبریزی می نویسد: «از یکی از علمای بزرگ نقل شده است که: او سی سال در صف اول نماز جماعت اقتدا می کرده پس از سی سال روزی به عللی نتوانست خود را به صف اول برساند؛ از این رو در صف

«هر کس باطن و ظاهرش، کردار و گفتارش یکسان باشد، در حقیقت امانت را ادا کرده و عبادت را خالص نموده است.»

در روایت است که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من صدقه می دهم و صلّه رحم به جامی آورم و این کارها را جز به خاطر خدا انجام نمی دهم و مردم از کارهای من یاد می کنند و به خاطر آنها از من تعریف و تمجید می شود و این کار آنها مرا شادمان می سازد و از آن خوشم می آید رسول خدا صلی الله علیه و آله سکوت کرد و چیزی نگفت پس این آیه نازل شد

«فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا

صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»

همچنین مطابق آنچه از روایات به دست می آید، بهتر است اعمال واجب آشکارا و اعمال مستحب به صورت مخفیانه انجام شوند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر چه نماز، روزه، صدقه و اعمال نیک که به صورت مستحبی انجام می شود، بهتر است پنهان باشد و آن چه واجب است، آشکارا به جا آورده شود.»

اخلاص در گفتار و کردار بزرگان

درباره اهمیت اخلاص برای مبلغان، مقام معظم رهبری می فرمایند: «اخلاص شرط اصلی تبلیغات است. اگر از بالاترین سطوح تا پایین ترین سطوح ذره ای اغراض شخصی به میان آمد و من و ما مطرح شد، تبلیغات خراب می شود. رکن اول تبلیغات سرآغاز آن به نام خدا و اتمام آن برای خداست؛ و الا اگر برخلاف این باشد، دیگر تبلیغ نیست. تنها کلامی که از قلب خارج می شود به قلب خواهد نشست. کلامی که برای خاطر خدا نباشد، به



میثم فرجی مصور

استاد حوزه علمیه مرحوم آخوند (ره)

سوز و اشک ، سیری آلی به سوی عالی

دیباچه

سالکِ اهل دل ، باید سوز دل و گریه با اخلاص و خلوص نیت را در مقام استغفار ، بسیار مغتنم و عزیز بشمرد ، و در تحصیل و به دست آوردن آن ، نهایت تلاش را بکند ، اگر در تحصیل اصل آن هم موفق نشد ؛ یعنی : سوز و اشک را به دست نیآورد و توفیق آن برای او حاصل نشد ، لااقل با اخلاص در تحصیل حال گریه (تباکی) جدیت و تلاشِ وافی و کافی را داشته باشد. به طور کلی ، حقیقتاً در سلوک عبادی ، در هر حال و در هر مقامی - چه حال و مقام استغفار باشد و چه غیر آن باشد - سوز و گریه را جایگاه و مرتبه و شانیتی است ، که شرح و تفسیر و تبیین آن در عبارت نمی گنجد و تفسیر آن در بیان و توصیف و تحلیل نیاید. سوز دل و گریه ، چه از شوق و اشتیاق باشد ، و چه از خوف و ترس ، چه در مقام استغفار و انابه باشد ، چه در مقام تلاوت و قرائت آیات و استماع آنها ، چه در حال سجده باشد و چه در حال دیگر غیر سجده ، هر کجا و هر مقامی و هر حالتی باشد ، از درک بالا و فهم و شعور نشات و سر چشمه می گیرد ، آن که می فهمد ، می سوزد و اشک می ریزد و متأثر و منفعل می شود ، و آن که نمی فهمد ، نه می سوزد و نه اشک می ریزد و نه متأثر

و منفعل واقع می شود .

حال در این گفتار به طور مجمل و خلاصه نقش مهم سوز و گریه که به عنوان یک ابزار و آلت در سیر و سلوک الی الله است از منظر آیات مورد بررسی قرار می دهیم ، به طوری که خواهیم دید این آیات به روشنی تبیین می کنند که: راه و روش آنان که می فهمند ، خضوع در برابر آیات حق ، خشوع دل و سوز و گریه است .

آیات داله بر موضوع بحث

خدای سبحان در سوره مبارکه اسراء / ۱۰۷-۱۰۹ می فرماید :

« قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا * وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا * وَيَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا »

به روشنی از این آیات استفاده می شود که : هرکس از علم ، فهم ، و معرفت بالا بهره مند باشد ، و خدای سبحان نصیب او بگرداند با شنیدن آیات قرآن و تلاوت آنها به حقائق بس عالی دست می یابد ، آنها را باور می کند ، وعده های ربوبی را قطعی می بیند و می فهمد و درک می کند ، آنچه را که می فهمد ، در نتیجه ، بر خضوع ، خشوع ، تواضع ، و یقین او افزوده می شود ، و شوق و خوف و خشیت سراسر

وجود او را فرا می گیرد . و در عین اینکه مجاهدش و تلاشش را بیشتر و کاملتر و فراگیرتر می کند ، راه فقر و مسکنت و بائسیت را در پیش می گیرد ، و در محضر ربوبی صورت بر خاک می نهد و با سوز دل ، اشک می ریزد ؛ به امید اینکه به سوز دل و اشک چشم او نظر و عنایتی ویژه و خصوصی بشود. حال ، کسی که حقیقت های موجود را نفهمیده و درک و تأمل و تدقق نداشته است ، جهنم خود را - که برای خود ساخته و در آن غوطه ور شده - خوب نشناخته و پرده حاجب که با افتادن آن مصیبت ها و گرفتاری ها شروع می گردد ، آن چنان که باید ، نفهمیده است . مخفی نماند علم و معرفتی که در آیات مذکور خدای متعال به آن اشاره کرده و صاحبان آن را اهل سوز و اشک معرفی می کند ، علم و معرفت نظری و رسمی نیست ؛ بلکه علم و معرفت دیگر است ، والا چه بسا عالمان و عارفانی که از علم عرفان نظری و رسمی در حد بالا برخوردار بوده اند و هستند ؛ لیکن این خصوصیات و ویژگی ها را نداشته اند و ندارند و نخواهند داشت. در هر صورت ، سوز دل و گریه ، همراه با صورت فقر و بائسیت بر خاک نهادن ، از خصوصیات عارفان و سالکان و عالمان بالله است و اما آیه دیگر ؛

هر حال و مقامی مغتنم و عزیز بداند ؛ خصوصاً در مقام استغفار « طلب غفران و رُوح و رضوان از خدای سبحان » هرچه با سوز دل باشد ، قدر و منزلت آن را بداند ، و هر وقت چنین توفیقی دست داد ، تضرع و دعا و اصرار در استغفار را با چیز دیگر عوض نکند و مواظب آن باشد که دشمن او را فریب ندهد و از راهی که به روی او باز و گشاده شده است ، به لطایف الحیل باز ندارد ، پس گریه و تضرع و دعا و سوز را قطع نکند و حال خود را بهم نزند و به بعد حواله ندهد که این عنایت ها به آسانی حاصل و محقق نگردد و این فرصت ها ، همیشه به دست نمی آید ، چرا که به تعبیر امیر بیان علی علیه السلام در بخش جگم و کلمات قصار نهج البلاغه می فرماید :

« **الفرصة تمر مر السحاب** » و « **اضاعة الفرصة غصة** » .

«اشک می بار وهمی سوز از طلب همچو شمعی سربریده جمله شب »



اینان که ذکرشان گذشت ، همان ها هستند که خدای متعال بر آنان انعام فرمود :

« **أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ** »

، سپس در آخر آیه با جمله « **اذا تتلى عليهم** » به خضوع ، سجده و گریه های آنان به عنوان نمونه بارز و روشنی از انعام خدای سبحان نسبت به ایشان اشاره می فرماید ، حال ، این اشارات لطیف ، این رمز دقیق را به همراه دارد که : خضوع و سجده و سوز دل و گریه ، به هر کسی دهند ، از انعام و تفضلات و توفیقات او است حافظ در بیتی از ابیات اشعارش می گوید ؛

« **سوز دل ، اشک روان ، آه سحر ، ناله شب** *** این همه

از نظر لطفِ شما می بینم »
 سالک الی الله و اهل دل ، باید گریه با اخلاص و خاضعانه و خاشعانه را در سلوک عبادی و معنوی ، در

خدای سبحان در سوره مبارکه مریم / ۵۹ ، همین خصوصیات و ویژگی ها را برای پیامبران که تعلیم دهندگان عارفان راستین و عالمان بالله می باشند - بر می شمرد ، و می فرماید :

« **أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكِّيًّا** »

جمله مذکوره

« **إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكِّيًّا** »

از خضوع و سر به سجده نهادن ، و گریه های آنان به هنگام تلاوت آیات رحمان بر آنها خبر می دهد ؛ چه از گریه های شوق و چه از گریه های خوف و خشیت . در این آیه اشارتی هم برای اهل توحید هست که اشارتی لطیف و دقیق است . در اول آیه از انعام الهی نسبت به جمع مذکور از پیامبران و برگزیدگان الهی سخن از میان آورد و می فرماید :



هادی صفایی

میثاق تاریخی اربعین

تاریخچه زیارت اربعین و روایات معصومین (ع) درباره‌ی آن

(صلی‌الله‌علیه‌وآله) به او وعده داد می‌شود که کار خود را از نو شروع کن که هم‌هی گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.

۵- دعا، درخواست و حاجت او از جانب خدا برآورده می‌شود.

۶- به ازاء هر گامی که بر می‌دارد و می‌گذارد ثواب آزادی یک برده از فرزندان اسماعیل نبی برایش نوشته می‌شود.

۷- به ازاء هر گام هزار درجه بر او افزوده می‌شود و بالا می‌رود.

۸- وقتی به کربلا رسید خدا دو فرشته را موکل زائر پیاده می‌کند تا اگر سخن خیری گفت برایش بنویسند و حرف‌های دیگری که می‌زند نوشته نمی‌شود.

۹- او در میان حزب خدا و حزب رسول خدا و حزب اهل‌بیت رسول خدا قرار می‌گیرد.

۱۰- نه آتش دوزخ را به چشم می‌بیند و نه آتش طمعی به سوزاندن او خواهد داشت.

زیارت اربعین از منظر تاریخ

در روز بیستم صفر وقایعی در کربلا به وقوع پیوسته که مجموع آنها فضیلت این روز از جهت اقامه‌ی عزا و زیارت قبر سیدالشهدا را فزونی می‌بخشد.

۱- زیارت جابر:
در کتاب «بشارة المصطفی» تألیف

مطهر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در زمان امام صادق (علیه‌السلام)، یعنی بعد از سرنگونی بنی‌امیه، افشا شد قاعدتاً طریق و جاده‌ای که رهنمای زائران باشد وجود نداشت. از طرف دیگر خوف و تهدید جانی برای زائران علوی و حسینی همواره امری محتمل بود، به‌ویژه زائران حسینی که در ادوار گوناگون هم مضجع شریف مورد حملات حکام مختلف از هارون عباسی تا متوکل قرار می‌گرفته و هم زائران با تهدیدهای شدید جانی و ناموسی مواجه بودند. با توجه به این دو نکته زیارت این دو امام همام آن هم به صورت پای پیاده همراه با مخاطرات فراوانی بود، لذا درباره‌ی زیارت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بطور پیاده فرمودند به هرگام یک حج و عمره و در برگشت هم به هرگام دو حج و عمره برای زائر ثبت می‌شود. فواید و اثراتی که در اخبار اهل‌بیت (علیهم‌السلام) برای زائر پیاده‌ی اباعبدالله ذکر شده بسیار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- به هرگام حسنه‌ای برای زائر نوشته می‌شود و گناهی از گناهانش محو و پاک می‌شود.

۲- پس از زیارت از جمله‌ی رستگاران قرار خواهد گرفت.

۳- رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر او سلام و پیام می‌فرستد.

۴- از قول رسول خدا

زیارت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) در روز اربعین یکی از علامت‌های مؤمنان برشمرده می‌شود و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در این زمینه توصیه‌های ویژه‌ای بیان کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار موبک‌داران عراقی در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۹۸ فرمودند: «اربعین جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد؛ این خون حسین بن علی است که بعد از ۱۴۰۰ سال دارد می‌جوشد و روزبه‌روز تازه‌تر می‌شود، روزبه‌روز زنده‌تر می‌شود؛ این همان پیام عاشورا است که از حلقوم اباعبدالله و حلقوم زینب کبری (سلام الله علیهما) در نهایت غربت و تنهایی صادر شد و امروز فضای عالم را فرا گرفته است و فرا می‌گیرد.»

زیارت با پای پیاده

ایام اربعین یکی از زیباترین شاه‌راه‌های عالم، مسیر نجف اشرف به کربلای معلی است که زائران بسیاری این طریق را عمودبه‌عمود پای پیاده ره می‌پویند و برخی پای برهنه مشق عشق می‌کنند. این سنت حسنه از دیرباز در میان شیعیان مرسوم و معمول بوده و امامان برای چنین زیارتی و چنین زواری اثرات و مواهب بسیاری ذکر کرده‌اند. با توجه به اینکه قبر



می‌نماید. ایشان نمونه‌هایی می‌آورد که مسافت‌هایی طولانی‌تر از این در زمان‌هایی کوتاه‌تر توسط «برید» طی شده است. البته این دور انگاری‌ها و استبعادها در این عصر جایگاهی ندارد، چون با ساده‌ترین نرم‌افزارهای نقشه و راه‌یابی می‌توان زمان طی مسافت‌های گوناگون را به دست آورد.

چنانچه فاصله کربلا تا دمشق بصورت پیاده حدود ۸ روز تخمین زده می‌شود و با این احتساب هیچ دور انگاری‌ای برای عدم وصول اهل بیت در اول ماه صفر به دمشق و رسیدن آنها به کربلا در اربعین پذیرفتنی نیست.

۳- الحاق سر شریف سیدالشهدا به پیکر پاک آن حضرت:

جناب ابن شهرآشوب در کتاب شریف «مناقب آل‌ابی‌طالب» می‌فرماید سید مرتضی در پاسخ برخی مسائلی که از او پرسیدند یادآور شده که سر حسین (علیه‌السلام) را که از شام می‌آوردند، در کربلا به بدنش بازگرداندند. شیخ طوسی گفته زیارت اربعین بخاطر همین است. برخی نقل کرده‌اند

اباعبدالله بطور ظاهر معرفی کرده‌اند.

۲- زیارت اهل بیت در بازگشت از شام:

در «مُثیرالاحزان» تألیف ابن نماء حلی، آمده خاندان اباعبدالله وقتی از کربلا می‌گذشتند جابر و جماعتی از بنی‌هاشم را دیدند که برای زیارت به کربلا آمده بودند و این دو رویداد در یک وقت واحد صورت گرفت. علامه‌ی مجلسی بازگشت حرم حسینی به کربلا در روز اربعین را قول مشهور می‌خواند. دور انگاری‌هایی که برخی بزرگان مثل علامه‌ی مجلسی و سیدبن طاووس و محدث نوری درباره‌ی عدم امکان حضور اهل بیت سیدالشهدا در کربلا روز اربعین ذکر کرده‌اند با تحقیقات مبسوط و موشکافانه‌ی علامه‌ی شهید سید محمد علی قاضی طباطبائی، مَهر ابطال بر جریده‌ی خود دارد. ایشان با آوردن شواهد مختلف، اشکال رفت‌وآمد خبرها در آن دوران را با استفاده‌ی عرب از کبوتران نامه‌بر حتی در جاهلیت و چاپارهایی تندرو به نام «برید» که مسافت‌های طولانی را بسیار سریع طی می‌کردند، حل و فصل

«محمد بن ابی‌القاسم طبری» عالم شیعه‌ی قرن ششم (متوفی ۵۲۵) آمده که جابر بن عبدالله انصاری و اصحاب و یارانش (یا جمعی از بنی‌هاشم) همراه عطیه‌ی عوفی برای زیارت سیدالشهدا وارد کربلا شدند. جابر پس از سوگواری در عزای سیدالشهدا و خواندن زیارت نامه‌ای با مضامین عالی، کربلا را ترک گفت. شیخ طوسی در «مصباح‌المتهجد» ورود جابر را در روز بیستم صفر بیان می‌دارد. جابر از جمله کسانی است که در مدینه یا مکه قبل از خروج اباعبدالله خدمت امام رسیده و عاشورا در کربلا حاضر نبوده است. بنابراین از مکه یا مدینه به همراه یاران یا شاگردانش به قصد زیارت حرکت کرده و در کوفه، عطاء یا همان عطیه با ملاقات او برای زیارت اربعین به کربلا رهسپار شده است. این در حالی است که والی کوفه هنوز عبیدالله بن زیاد است که با قرار حکومت نظامی و ارباب و تهدید کوفیان، همان‌هایی را که برای حسین بن علی (علیهماالسلام) نامه نوشته بودند، به کربلا فرستاد تا به دست خود پسر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به شهادت برسانند و جرأت نکنند پیکر چاک چاکش را به خاک بسپرنند. در این خفقان دهشتناک جابر و یارانش احتمالاً وارد کوفه شدند و از آنجا برای زیارت حسین (علیه‌السلام) به کربلا می‌آیند و این یعنی خطشکنی و مخالفت علنی با حکومت خونریز وقت. لذا برخی جابر را اول زائر





سر حسین بن علی (علیهما السلام) نخستین سری بود که بر بالای چوب رفت. و جسارت‌های دیگری بر این سر شد که قلم را از سوز و حزن آب می‌کند. بازپس‌گیری سر مقدّس و الحاق آن به پیکر اباعبدالله یکی از علائم فتح و ظفر آل‌الله در سفر اسارت است. از این رو برخی روز اربعین را «مردّ الرأس» یعنی روز برگشت سر شریف خوانده‌اند.

ابوریحان بیرونی، مؤرخ و ریاضی‌دان نازک‌بین و دقیق قرن پنجم می‌نویسد: در روز بیستم سر حسین (علیه السلام) را به بدنش ملحق کردند و در همانجا دفن نمودند و زیارت اربعین راجع به این روز است و بدین سبب این زیارت را اربعین گویند که چهل نفر از اهل بیت او پس از مراجعت از شام قبرش را زیارت کردند.

با توجه با آنچه گذشت می‌توان چند وجه برای زیارت اربعین ذکر کرد: ۱- ورود نخستین زائران اباعبدالله به کربلا در این روز به رهبری جابر بن عبدالله انصاری صحابی نیک رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله). ۲- بازگشت اهل بیت اباعبدالله از سفر اسارت به کربلا که تعدادشان ۴۰ تن بود. ۳- الحاق رأس شریف اباعبدالله به پیکر پاکش. ۴- پایان یافتن گریه‌ی آسمان و زمین بر حسین بن علی (علیهما السلام) پس از عاشورا از مقارنت این رویدادها و علل دیگری که شاید بتوان بدست آورد می‌توان به بزرگی این روز در حزن و اندوه آل‌الله پی برد. اربعین روزی است که اهل بیت

علائم مؤمن را زیارت اربعین ذکر کرده‌اند. امام فرمودند: «علامت مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز (روزانه، نمازهای واجب یومیه به همراه نوافل)، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، پیشانی و جبین بر خاک ساییدن، و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن.» برخی زیارت اربعین را به ملاقت کردن چهل مؤمن در روز معنا کردند که در غایت کج‌سلیقگی است، زیرا در ادامه خود شیخ طوسی در شرح زیارت اربعین همان زیارت اربعین معروف را می‌آورد. پس مسلماً مقصود از زیارت اربعین همان زیارت سیدالشهدا در روز اربعین است.

سید الشهداء به کربلا بازگشتند و تمام خاطرات عاشورا برایشان دوباره زنده شد. اربعین روزی است که زینب کبری و خاندان اباعبدالله با خاطری آسوده‌تر و بدون هیچ مانع و رادعی بر عزیز خدا، آزادانه گریستند و نوحه سر دادند. اربعین روزی است که زین‌العابدین (علیه السلام) با اندوهی جانکاه سر شریف پدر بزرگوارش را به بدن چاک چاکش ملحق کرد و به گریه‌ی چهل روزه‌ی آسمان خاتمه داد. آسمانی که چهل روز آینه‌دار بغض فروخته‌ی زینب کبری و اهل بیت مظلوم سیدالشهدا بود و با سربازکردن این بغض از سرخی افتاد.

زیارت اربعین از منظر روایات

مهم‌ترین روایتی که در باب اربعین آمده روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) است که یکی از



مهدی اصفهانی

شهید اربعین

حالا قرار است در همان نزدیکی یک مجتمع فرهنگی به نام خودش ساخته شود.

محمود حدود سه سال و به صورت داوطلبانه به پادگان ها و اماکن نظامی می رفت و در آنجا تبلیغ دین می کرد و در نهایت در سال ۹۴ از طریق تیپ امام صادق (ع) فاطمیون قم به سوریه اعزام شد. (به گفته دوستانش او همیشه دعا می کرد که در روز اربعین به شهادت برسد و ذکر یا زینب و یا زهرا همیشه بر لبانش جاری بود.)

تسلط شهید تقی پور به زبان انگلیسی، عربی و فرانسه فقط همسر و فرزندانش از اعزام او به سوریه با خبر بودند و وقتی با اصرار همسرش مبنی بر اتمام تحصیل و گرفتن رساله دکتری مواجه شد، گفت می خواهم شهید شوم و خدمت به اسلام و امام زمان (عج) بهتر است. او به خاطر تسلطش به زبان های انگلیسی، فرانسوی و عربی، در جنگ سوریه فارسی صحبت نمی کرد تا شناخته نشود.

محمود در نهایت در اربعین ۹۶ بر اثر انفجار تله انفجاری در دیرالزور زخمی و در راه بیمارستان شد و در

خواست تا وارد حوزه علمیه شود و می گفت می خواهم سرباز امام زمان (عج) شوم. اما ما به او گفتیم که بهتر است ابتدا دیپلم بگیری و بعد به سمت حوزه بروی. او هم که بسیار متواضع و با ادب بود پذیرفت. محمود به قدری قانع و نجیب بود که در مدرسه سختی های زیادی به خود می داد. مثلا بدترین حجره را انتخاب می کرد و می گفت حجره های خوب بهتر است برای شهرستانی ها باشد. همچنین شب ها لباس های بقیه طلبه ها را پنهانی می شست و وقتی بقیه دلیل این کار را از او جویا می شدند میگفت من برای دل خودم این کارها را انجام می دهم.

پسرم خیلی مقید به نماز شب بود همه را به آن سفارش می کرد. او همچنین بسیار اهل ورزش بود. کوهنوردی می کرد. بعد از اتمام درس مقدماتی تصمیم گرفت برای درس خارج به قم برود تا از فضای مذهبی آنجا استفاده کند و به هدفش که همان اجتهاد بود برسد. به مستضعفین خیلی کمک می کرد او به مستضعفین خیلی کمک می کرد، مثلا کرایه خانه آنها را می داد، یا برای آنها وسیله خانه می خرید. یکی از کارهای خیر او کاشت درخت زیتون در جاده تهران قم بود که

شهید میرزا محمود تقی پور را که به واسطه شهادت در روز اربعین به شهید اربعین می شناسند، یکی از شهدای مدافع حرم بود که با نام جهادی ابوقاسم در سوریه به شهادت رسید و حال نام و یادش در بین خانواده و همزمانش زنده است.

این شهید مدافع حرم، عضو شورای مرکزی مؤسسه بلاغ مبین و مسئول گروه جهادی طراوت ماندگار (فعال در زمینه محیط زیست) بود. وی همچنین به عنوان دانش پژوه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم فعالیت داشت. حجت الاسلام تقی پور دو فرزند پسر و دختر به نام های و مرتضی از خود به یادگار گذاشته است.

بخش هایی از گفتگو با پدر و مادر این شهید

حسنعلی تقی پور، پدر شهید:

شهید محمود تقی پور متولد ۲۵ آبان ۶۱ در گرگان بود. بعد از اینکه در سال ۶۸ به مشهد مهاجرت کردیم، تحصیلاتش را در مشهد ادامه داد. از همان دوران کودکی و نوجوانی همراه من به مسجد می آمد و در جلسات مذهبی شرکت می کرد و با پسر روحانی مسجد محل آشنا شد. ورود به حوزه علمیه پسرم بعد از کلاس نهم از ما

حالی که لبخند به لب داشت و شهادتین می گفت، به شهادت رسید.

وصیت نامه شهید تقی پور :

بعد از عرض ادب خدمت شما خواننده محترم، می توانستم نسبت به اوضاع اطرافم بی توجه باشم و برای بی تفاوتی ام ۱۰۰ دلیل بتراشم. دشمن اسلام یک عده شرور را بسیج کرد و اوضاع سوریه را ناامن کرد. حدود هفت میلیون آواره، تخریب فراوان ابنیه و آثار اسلامی و باستانی، از بین بردن زیرساخت ها و خانه های مردم و کشتن و زخمی کردن صدها هزار نفر؛ حالا نقش من به عنوان یک مسلمان چیست؟

یک عده برای دفاع از حرم اهل بیت(ع) و نجات جان مسلمانان قیام کردند و رفتند، من هم نشستم و دعا کردم ولی این کافی نبود. در محیطی ایمن نشستن و دعا کردن کافی نیست، وارد عرصه نبرد شدم تا اسباب راهنمایی، هدایت و تشویق مدافعان حرم باشم، تا مرهمی باشم بر زخم هایشان و قوت قلبی بر هجومشان بر صف دشمن. این راه، اسارت، جانبازی و شهادت دارد. بلاخره جنگ است. خودم را به خدا سپردم، هرچه خودش بخواهد همان

می شود. من البته عاشق شهادتم و دوست دارم به این مقام والا که ائمه از خدا درخواست می کردند، برسند.

اگر توفیق یافتم که خوش به حالم و اما شما در قبال خود شهدا وظایفی دارید. مراقب باشید اهداف و راه شهدا گم نشود. کاری زیبایی (س) کنید و پیام رسان شهدا باشی که هیچ وقت به حال شهید غصه نخورید چرا که شهید به بهترین سرنوشت رسیده است. حتی به حال خانواده و ایتم شهید غصه نخورید چرا که شهید زنده است و در ثانی خداوند خیر الکفیل و خیر الولی است و خودش خوب بلد است خانواده و ایتم شهید را چطور مدیریت، حمایت و کفایت کند حتی لباس سپاه پوشید و عزاداری نکنید چرا که خوشبختی و سعادت یک فرد ناراحتی ندارد.

مواظب ایمانتان باشید، شب عاشورا

۱۴۳۷

شهادتین می گفت



رضا دوستوندی

زیارت اربعین؛ قوی ترین سلاح در مقابل دشمن

دیباچه

برای توحید، نبوت، امامت و برای ارزشها و برای قیام ملت‌ها علیه ظلم و بیدادگری، بزرگترین پشتوانه ایجاد می‌شود. بنابراین، این حادثه که پیش آمد جایگاه خاصی برای ابی‌عبدالله در میان ائمه دیگر به وجود آمد و اگر هم امام دیگری به جای ابی‌عبدالله برایشان حادثه ی کربلا اتفاق افتاده بود آن جایگاه مال او بود. این جور نیست که بین امام و یازده امام دیگر تفاوت معنوی وجود داشته باشد، ولی امام حسین (علیه‌السلام) از نظر زمان در یک قطعه‌ای قرار گرفت که منشأ ایجاد یک حادثه شد، این حادثه نیز پشتوانه همه‌ی ارزش‌ها شد لذا سکه به نام ایشان خورد. به همین دلایل است که از پیغمبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) تا امام عسکری (علیه‌السلام) روایات زیادی را برای اهمیت اقامه‌ی عزاداری بر ایشان و زیارت ایشان صادر کردند تا دائماً مردم از طریق مجالس عزاداری و زیارت ابی‌عبدالله از حادثه‌ی کربلا برای حفظ دین، تقویت دین و تضعیف کفر و شرک بهره بگیرند.

ما اگر زیر این خیمه باشیم بقایمان تضمین است. ما اگر از ابی‌عبدالله دست برداریم بقای شخصی‌مان

بسیار قوی‌تر شد و زمان یزید به اوج رسید. مردم شنیدند یا خواندند که یزید پیغمبر عظیم الشان اسلام را یک بازیگر معرفی کرد و گفت این بازی باید جمع بشود. امام با احساس چنین خطری که قبل و بعد از خودشان سابقه نداشت- هجرت کردند و در این هجرت حادثه‌ی عظیم و بی‌نظیر کربلا پیش آمد. امام می‌دانستند بعد از حادثه‌ی کربلا به سرعت این حادثه جواب می‌دهد تا جایی که دیگر هیچ دشمنی و با هیچ قدرتی نمی‌تواند حمله‌ای را صورت دهد که چراغ توحید خاموش شود. بر همین اساس بود که امام تن به یک جنگ نابرابر داد. در حالی که میان نظامیان جهان، تن دادن به جنگ نابرابر مرسوم نیست و همیشه سعی بر این است که تمام نیروهای لازم را جمع کنند اما امام حداقل با ۷۲ نفر در مقابل سی هزار نفر- که یقین داشتند پیروزی ظاهری اتفاق نمی‌افتد- دست به این کار زدند.

اما از نظر معنوی شکست طرف مقابل امام قطعی بود؛ امام زیر بار این جنگ نابرابر رفت چون بستر تاریخ را می‌دید که این جنگ جواب می‌دهد و جوابش هم این است که

حادثه‌ای که در زمان سیدالشهدا اتفاق افتاد در زمان هیچ پیغمبر و امامی اتفاق نیفتاد و آن حادثه عبارت بود از جمع شدن تمام عوامل برای ریشه کن کردن دین خدا! هر پیغمبری -حتی انبیاء اولوالعزم- زمانی که از دنیا می‌رفتند در حدی، دین جریان خودش را داشت و این‌طور نبود که بر اثر عوامل گوناگون چراغ توحید خاموش شود و نبوت از بین برود. ولی حکومت بنی‌امیه و مقدمات قبل از آنها زمینه را برای نابودی دین و خاموش کردن چراغ توحید و برگرداندن بت پرستی به شکل مدرنش در سطح جهان را فعال کرده و چنین خطری نه در زمان انبیا پیش آمد و نه در زمان سایر ائمه؛ تنها در زمان حضرت امام حسین (علیه‌السلام) دین اسلام متوجه چنین خطر بزرگی شد.

حضرت ابی‌عبدالله در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند اگر اینها -یعنی حکومت زمان- سر کار بماند و در دیوار حکومت‌شان شکستی ایجاد نشود که فرو بریزد «وَعَلَى الْإِسْلَامِ وَالسَّلَامِ»، فاتحه‌ی دین را برای ابد باید خواند! البته قبل از یزید و معاویه زمینه‌های گسترده‌ای برای نابودی دین فراهم شده بود ولی زمان معاویه عوامل



به وجود آوردند. اگر یک میلیون بمب سر دشمن بریزند نمی‌تواند به این قدرت عمل کند! چرا که اربعین علیه کفر و شرک پارگیری می‌کند. ولو حالا یک عده‌ای توجه به این نتیجه نداشته باشند. ممکن است کسی که عازم است نداند خودش، زنش، بچه‌اش یک شمشیر بر فرق کفر و شرک است اما این پارگیری همین‌طور ادامه دارد

همین که ۲۵ میلیون نفر - که در دنیا بی‌سابقه است - همه حول یک محور حرکت می‌کنند، آن هم محوری که کمر کفر و شرک را شکست، مسأله مهمی است. یعنی بالاترین اسلحه علیه کفر در حال حاضر اربعین ابی‌عبدالله است

تضمین نیست ولی بقای جامعه تضمین است. من ممکن است از این خیمه بروم اما همه که نمی‌روند. من اگر بروم خودزنی کردم.

ما سال به سال هم حس می‌کنیم هجوم جمعیت به مجالس ابی‌عبدالله بیشتر است، گریه‌ی مردم بیشتر است، پندگیری مردم بیشتر است. لذا خود من اصلاً نسبت به آینده ذره‌ای ناامیدی ندارم. چهار تا اشتباه هم اگر در بدنه‌ها پیدا می‌شود موجب نمی‌شود که بساط را جمع بکند. قرآن مجید نیز از آینده این‌گونه خبر می‌دهد که «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

در برپا کردن اربعین به صورت میلیونی «کفر» کمک داده است. یعنی شیعه و مسلمان‌ها احساس کردند دشمن و در رأسشان آمریکا و اسرائیل موضع گرفتند تا چراغ دین را خاموش کنند. مردم هم مجالس را پر بارتر کردند. هم آمدند و هم خودجوش به طرف اربعین ابی‌عبدالله حرکت کردند و این جمعیت عظیم بی‌نظیر جهانی را



حجت الاسلام محرابیان

اربعین حسینی (منبر آماده)

می‌گذاری؟ این بچه است! فرمود: بابا خدا اراده کرد که این بچه امام شود و من لیاقت نداشتم. این یک درس است که گاهی وقتها نگویند: آقا خفه شو. من چهار تا پیراهن بیشتر از تو پاره کردم. من ریش سفید هستم. چه اشکالی دارد یک کوچولو بفهمد ممکن است پدر بزرگش متوجه نباشد.

خوب چون زیارت اربعین است، زیارت هم یک سلام بدهید زیارت است. اینکه حالا حتماً خودمان را به ضریح بچسبانیم، داد بزیم، بگوییم به دلان چسبید، نجسبید، اینکه من می‌گویم زیارت است. نیت کنید شما هم یواش با من بگویید. از همین جا به کربلا سلام دهیم. «السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک و رحمة الله و برکاته» این یک زیارت است. یک سلام یک زیارت است.

شما وقتی خانه‌ی یک عالم می‌روی، می‌گویی: سلام علیکم، ایشان هم می‌گوید: و علیکم السلام، بیرون آمدی نمی‌گویی: آقا را زیارت کردم! زیارت است دیگر. منتهی بهترین زیارت، زیارت جامع‌ه است. زیارت امین الله است.

دیگر آن حالا، ولی ما اگر خواستیم به بچه‌هایمان چیزی یاد بدهیم، باید فقط مستحب را یاد بدهیم. این را قابل توجه طلابی که پای منبر هستند، پای سخنرانی من هستند، هم طلبه‌ها و هم امور تربیتی و

است. کما اینکه انگشتر عقیق در دست راست کردن علامت شیعه بودن است.

۱- جابر بن عبدالله انصاری، یار وفادار پیامبر در کربلا

جابر بن عبدالله هم که کربلا آمد، یکی از اصحاب پیغمبر بود. نابینا شده بود خدا رحمت کند دوستی داشتیم به نام آقای محمدی اشتهاردی. می‌گفت: تو در تلویزیون یک چیزی گفتم من این را کتابش کردم. گفتم: چه گفتم که کتاب شد؟ آخر من الآن ۳۲ سال است در تلویزیون هستم. آن سال‌های اول من گفتم: چرا می‌گویند: جابر بن عبدالله نابینا شد زیارت اربعین آمد؟ جابر بن عبدالله سوابق نظامی و جنگی و خیلی کمالات دارد ولی از همه کمالاتش همین مانده که روز اربعین زیارت امام حسین آمد. آخر یک کسی بردارد بگوید این جابر که بود. می‌گفت: من همان پای تلویزیون جرقه‌اش به ذهنم خورد، یک کتاب راجع به جابر بن عبدالله انصاری نوشتم.

جابر بن عبدالله انصاری پیغمبر رادک کرد، امیرالمؤمنین را درک کرد. زمان امام حسن بود، زمان امام حسین بود، زمان امام باقر هم بود. امام باقر یک بچه‌ی کوچولو بود. تا آمد مسجد جابر بلند شد. گفتند: بابا تو یک سن بالای داری. حدود هشتاد، نود سالت است. برای بچه احترام

بسم الله الرحمن الرحيم پیغمبرها در چهل سالگی به پیغمبری می‌رسیدند. داریم کسانی که سنشان به چهل رسید، یک توقع بیشتری از آنها هست. این دو تا. در روایات برای اربعین خیلی حدیث داریم، در مسائل اجتماعی گفتند از هر طرف چهل تا خانه همسایه است. در کارهای عرفانی می‌گویند: به چهل مؤمن دعا کنید، دعای خودت هم مستجاب می‌شود. در تغذیه گفتند: اگر چهل روز پول نداشتی گوشت بخری، قرض کن گوشت بخر. یعنی بیش‌تر از چهل روز نگذار بدنت بدون گوشت باشد. در مسائل فرهنگی هرکس چهل حدیث مفید حفظ کند در قیامت با علما محشور می‌شود. با فقیه محشور می‌شود. نمی‌دانم قصه‌ی این اربعین چیست؟

در انقلاب ما پیرها یادشان است، سالمندها یادشان است، نوجوان‌ها یادشان نیست. اصلاً رمز انقلاب ما چهلیم به چهلیم شد. یعنی نوزده دی یک عده قم شهید شدند، چهلیم شهدای قم، تبریز انقلاب شد. چهلیم تبریز، یزد، چهلیم یزد، بابل، آمل. یعنی همینطور این چهلیم به چهلیم یعنی هر استانی چند تا شهید می‌داد، استان دیگر اربعین می‌گرفت. آنوقت این اربعین‌ها به هم وصل شد یک نهری شد شاه را بیرون کرد. زیارت امام حسین در اربعین مهم است، علامت ایمان



دبیرها و همه پدر و مادرها...

۲- آسان گرفتن در انجام مستحبات دینی

اگر خواستید نسلتان را با مستحب آشنا کنید اول با اصل مستحب آشنا کنید. مستحب در مستحب نیاورید. مثلاً اگر خواست نافله بخواند، نافله‌ی شب یازده رکعت است، بی «قل هو الله» هم می‌شود خواند که ده دقیقه تمام شود. اما اگر چهل تا مؤمن و سیصد تا العفو، بگوید اوه اینقدر زیاد شد، یعنی دین را تعاونی حساب کنیم که مشتری‌هایش زیاد شوند.

نماز جماعت با یک تعقیبات حضرت زهرا باشد. بعد از دو نماز صحبت کنیم که اگر کسی می‌خواهد نماز بخواند و نمی‌خواهد سخنرانی گوش بدهد، ما گروگان کسی را نگیریم. ولی در عوض به جماعت عنایت کنیم. خیلی مسأله‌ی مهمی است که توجه به جماعت کنیم. اینکه من آمدم گفتم: کسی مغربش را نخوانده با هم بخوانیم، این را من از امام شنیدم.

آقای رفیق دوست می‌گفت: من رفتم خدمت امام، دیدم امام سر نماز است ولی گاهی هم دستش را چین می‌کند. می‌گوید: «مالک یوم الدین، ایاک نعبد و ایاک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین...» باز چین کرد. من دویدم رفتم، پهلوی آقای صانعی گفتم: امام سر نماز چین می‌کند. چرا چین می‌کند؟ گفت: امام می‌خواهد بگوید نگذارید تنهایی نماز بخوانم. یک نفر بیاید اقتدا کند. چون یکی هم به یکی اقتدا کند، می‌شود ۱۵۰ رکعت! یعنی یک رکعت می‌شود ۱۵۰ تا، دو تا بیشتر، سه تا بیشتر، ده تا که رسید دیگر حساب و کتاب ندارد.

من یک مثل می‌زنم می‌گویم مثل

انگشت، این مثل را هم از وزیر بهداشت و درمان یاد گرفتم. آمده بود در اجلاس نماز صحبت کند، مثل قشنگی زد. وزیر بهداشت و درمان بود ولی این مثل را من از او یاد گرفتم. گفت: کسی یک انگشت داشته باشد، با آن شماره تلفن می‌گیرد. دو تا داشته باشد، سطل ماست بلند می‌کند. سه تا داشته باشد، سیب زمینی و پرتقال برمی‌دارد. چهار تا داشته باشد، سطل آب بلند می‌کند. پنج تا داشته باشد، آمپول می‌زند. یعنی هر انگشتی اضافه شود کارآیی بیشتر می‌شود. به ده تا که رسید دیگر حساب و کتاب ندارد. مثل نماز جماعت! نماز جماعت هم به ده تا رسید حساب و کتاب ندارد. یعنی چه؟ یعنی هیچ‌کس در تاریخ پیدا نشده بگوید: یک کاری بود نیاز به یازده تا انگشت داشت. من چون ده تا انگشت داشتم متأسفانه استخدام نکردند. یعنی به ده تا که رسید دیگر مرز ندارد. نماز جماعت هم همینطور است. این مسأله‌ی مهمی بود که عرض کردم.

پس این مسأله‌ی اربعین که بحث را در آستانه‌ی اربعین گوش می‌کنید.

شیرین‌کاری زینب کبری، سخنرانی‌هایش خیلی شیرین کاری داشت. یکی از مهمترین شیرین‌کاری‌هایش همین، چون بار امام حسین نصف روز تمام شد ولی مسؤولیت زینب کبری در کوفه و شام خیلی سخت بود. خیلی سخت بود. یکی از عزیزان روضه می‌خواند. می‌گفت: زینب کبری وقتی می‌خواست از کربلا بیرون برود، زبان حال است. می‌گفت: به امام حسین گفت: حسین جان من دارم می‌روم. علی اصغر با تو، زباب با من! مادرش را من می‌برم. علی اکبر با تو، مادرش لیلا را من می‌برم. سنگ‌های اینجا با تو، سنگ‌های کوفه و شام با من. می‌گفت: یک تقسیم کاری کردند که آن خیلی مشکل بود. خدایا کسانی که حق اهل بیت را از روز اول ضایع کردند، ظلم کردند، کشتند، تبعید کردند، زندان کردند، تمام کسانی که در طول تاریخ با انبیاء و اوصیاء، با محمد و آل محمد، با لجاجت و عناد ظلم کردند آن به آن بر عذاب همه‌ی آنها بیفزای. و کسانی که در طول تاریخ به عشق اهل بیت نوعی احترام قائل شدند، لباس سیاه پوشیدند، عزاداری کردند، خرج دادند، بی‌خوابی کشیدند، هرکس هر رقم کاری برای اهل بیت کرده که از دنیا رفته خدایا همه را با اهل بیت محشور بفرما. این چند جمله

حاج حسن آقا نوه‌ی حضرت امام، می‌گفت: من اول تکلیفم بود، روزه گرفتم. هوا داغ بود. امام فرمود: وقت افطار تو نماز اول وقت نخوان. اول تکلیف است ممکن است صبح تا حالا تشنگی، گرسنگی اذیت کرده باشد، تو اول افطار کن. گفتم: آقا می‌خواهم با جماعت بخوانم. گفت: خیلی خوب، مغرب را با امام دو نفری خواندیم. امام فرمود: خوب من می‌نشینم دعا می‌خوانم تو برو افطار کن برگرد که اذیت نشوی. می‌گفت: من رفتم افطار کنم یادم رفت که امام منتظر من است. تقریباً یک ساعت و نیم



به مناسبت اربعین.

۳- کافران در آسایش، مؤمنان در سختی، چرا؟

و اما بحث امروز ما، یک سؤالی است می‌گویند: چرا بعضی‌ها گناهکارند و فاسد هستند ولی در رفاه هستند؟ این ممکن است برای دختر و پسر پیش آید. می‌گوید: آقا فلانی بد است، پس چرا اینقدر وضعیتش خوب است؟ این موضوع بحث ما است. موضوع: چرا بعضی خلافکاران در رفاه هستند؟ چون این را می‌پرسند، به خصوص بچه‌ها ممکن است از معلمشان، دبیرشان، استاد دانشگاهشان بپرسند. از فلان معلم می‌پرسند آقا فلانی خلافکار است خدا خفه‌اش کند. چرا اینکه جنایت می‌کند اینقدر خوش است؟ جوابش این است که رفاه در تکنولوژی غیر از رفاه و آرامش روانی است.

پاسخ:

۱- رفاه ظاهری غیر از رفاه واقعی است. نگو ماشینش قیمتی است. خانه اش چند متر است. سرمایه‌اش چقدر است. این رفاهش ظاهری است. آیا در باطن هم رفاه هست؟ خیلی وقت‌ها کسی که روی تشک نرم می‌خوابد، دیگری می‌گوید که: بین چه خوابی، تشک پر قو، چه متکایی! اما اینکه شما نگاه می‌کنی تشک‌اش خوب است، متکایش خوب است، واقعاً خوابش هم راحت است یا الآن خواب وحشتناک می‌بیند. یعنی زود قضاوت نکنیم. زود قضاوت نکنیم. بسیاری از کسانی که در اوج رفاه هستند غصه‌هایی دارند که ما به ذهنمان نمی‌آید. نمونه‌هایش را هم هرکسی در عمرش دیده است. حالا یک سؤال: طلاق در خانواده‌های فقیر بیشتر است، یا در

خانواده‌های اشراف؟ بنده نمی‌توانم جواب بدهم. از چند تا دفتردار هم پرسیدم. در خانواده‌های پولدار هم طلاق هست. اختلافات زن و شوهری در تحصیل کرده‌ها هست یا در بی‌سوادها؟ هم در تحصیل کرده‌ها هست و هم در بی‌سوادها. اینطور نیست که حالا چون هر دو فوق لیسانس هستند زندگی‌شان خوب باشد. گاهی انسان امکانات دارد اما آن رفاه لازم را ندارد.

صدام در رفاه بود، مبارک در رفاه بود، فرعون در رفاه بود، شاه در رفاه بود، این گوشت‌ها یک استخوانی هم دارد. شما گوشتش را می‌بینید، استخوانش را نمی‌بینید. ننگی که مبارک در این مدتی که در قفس بود بر کل سی سال رفاهش می‌ارزید. این یک مورد.

۴- سستی مسلمانان در انجام دستورات دین

۲- بعضی از اینهایی که مسلمان هستند و مؤمن هستند اسم اسلام را دارند و به اسلام عمل نمی‌کنند. مثلاً می‌گوید: چرا من که مسلمان هستم وضع من بد است؟ می‌گوییم: بیا ببینیم تو مسلمان هستی؟ نمازت درست است؟ می‌گوید: نه! حالا نمازت درست است با توجه می‌خوانی؟ نه! چک‌ها را سر وعده می‌دهی؟ چک‌ها برنگشته است؟ چرا. هرچه قول دادی سر قولت عمل می‌کنی؟ اسم اسلام که باعث رفاه نیست. عمل به اسلام باعث رفاه است. پس:

۱- رفاه ظاهری غیر از رفاه واقعی است.
۲- نام دین رفاه آور نیست.
۳- گاهی رفاه نوعی قهر خداست. گاهی دکتر می‌گوید که بگذار هرچه می‌خواهد بخورد، بخورد. این معنایش این نیست که دکتر

مریض را دوست دارد. دکتر می‌بیند این دیگر کارش تمام است هرکس را آزاد گذاشتند معنایش این نیست که دوستش دارند. یک مثال من چند سال پیش زدم اجازه بدهید آن مثال را تکرار کنم. مثال قشنگی است. خیلی مثال قشنگی است.

۵- تمثیلی زیاده نوحه برخورد با زشتی‌ها

شما داری چای می‌خوری عطسه می‌کنی، تا می‌روی عطسه کنی این تکان می‌خورد استکان و نعلبکی یک قطره از این چای به عینکت می‌چکد. یک قطره‌اش به لباست می‌چکد. یک قطره‌اش به فرش می‌چکد. خود شما سه برخورد می‌کنی. اگر عینک بود فوری پاکش می‌کنی. اگر لباس بود می‌گویی: می‌رویم خانه می‌شوئیم. اگر قالی بود، می‌گویی: شب عید می‌شوئیم. یک قطره چای را به سه جا می‌چکد و شما سه تا برخورد می‌کنی. فوری، بعداً، بعداً بعداً بعداً. قرآن هم می‌گوید: من مجرمین را سه طور کیفر می‌کنم. اگر آدم خوبی باشد فوری حالش را می‌گیرم. مثلاً اگر مؤمن خلاف کرده، صبح خلاف کرد، عصری پایش را می‌خورد. شنبه خلاف کرد، یکشنبه. اینها آدم‌های خوبی هستند. آدم‌های خوب که مثل عینک بلوری هستند و شفاف هستند خدا زود گوششان را می‌گیرد که حواسشان جمع باشد. آیه‌ای که می‌گوید: زود گوششان را می‌گیرم، آیه‌اش این است می‌گوید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ إِنْ هِيَ إِلَّا لَكُمْ بِسَبْتٍ مِنْ قَبْلِهَا وَتُنذِرَكُم» (شوری/ ۳۰) این مصیبت‌هایی که به شما می‌رسد، «فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» خلاف کردی گرفتار یک مصیبتی شدی.

بعضی از آدم‌ها بد هستند، قرآن می‌گوید: فوری کارشان



نداریم. «جَعَلْنَا» قرار می‌دهیم، «لِمَهْلِكِهِمْ» برای هلاکت اینها، «مَوْعِدًا» (کهف/۵۹) یک موعدی، بگذار خلاف کند جاوید شاه بگویند، بعداً هم مرگ بر شاه می‌گویند. بعضی مصیبت‌ها را قرآن می‌گوید: اصلاً کاری نداریم. می‌گذاریم برای قیامت. «أَتَمَّا تُمَلَى لَهُمْ» (آل عمران/۱۷۸) یعنی مهلتشان می‌دهیم، تا روز قیامت. یک قطره چای به یک جا می‌چکد خود شما سه نوع عمل می‌کنی. خدا هم همینطور است. پس بعضی‌ها که مجرم هستند خلافکار هستند، در رفاه هستند، ممکن است «مَوْعِدًا»، گذاشتیم جاوید شاه را بگویند تا مرگ بر شاه ۵۷ شود. یا در «جَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا». یا «أَتَمَّا تُمَلَى لَهُمْ». یعنی اصلاً در دنیا کارشان نداریم. صدام را دیدی تا لحظه‌ی آخر هم که می‌خواستند اعدامش کنند همینطور شاخش هم نشکست. گریه کند، بترسد، نه، خیلی قشنگ رفت اعدام شد. «أَتَمَّا تُمَلَى لَهُمْ» خدا عادل است. سؤال: آقایانی که دیر پای تلویزیون آمدند سؤال این است. چرا بعضی از خلافکارها خوش هستند؟ جواب: یکی روی رفاه ظاهری قضاوت نکن. یک بچه که درس می‌خواند، نگو: بین این بچه‌های بازیگوش چه بازی می‌کنند؟! بابا، صبر کن در امتحان‌ها معلوم می‌شود برنده چه کسی است. امام سجاد وقتی اسیر بود، به یزید گفت: صبر کن وقت اذان شود ببینیم مؤذن نام جد تو را روی منار می‌گوید یا جد مرا؟ رفاه ظاهری غیر از رفاه واقعی است. بعضی‌ها برای جهیزیه‌ی دخترشان از همه‌ی بانک‌ها پول می‌گیرند. بعضی‌ها برای عروسی‌شان، می‌گویند: آخر من آبرو دارم. خیلی

وقت‌ها زندگی ساده است عزت هم هست. خیلی وقت‌ها هم از همه بانک‌ها قرض می‌کنند عزت هم نیست. رفاه ظاهری غیر از رفاه واقعی است. دوم اینکه نام دین رفاه آور نیست. بعضی‌ها که دین دارند در رفاه نیستند دین دارد ولی کار نمی‌کند، حال کار ندارد، صرف مسلمانی، اینکه من مسلمان هستم دلیل نیست که حالا تو مسلمان هستی باید در رفاه باشی. مسلمان هستی باید درس هم بخوانی، باید کار هم بکنی، باید مشورت هم بکنی، باید هجرت هم بکنی.

۶- رفاه و آسایش، نشانه‌ی مهر یا قهر الهی؟

سوم: گاهی رفاه نوعی قهر خداست. مثل دکتر، می‌گوید: بگذار هرچه می‌خواهد بخورد، بخورد. این معنایش این است که دکتر دیگر با بیمار خداحافظی کرد. خیلی وقت‌ها رفاه عامل غرور است، عامل غفلت است، من دارم مطالعه می‌کنم نوه‌ی من می‌آید مزاحم من می‌شود مثلاً. من انگشترم را درمی‌آورم می‌گویم: بگیر. هان! اینکه انگشترم را پرت می‌کنم می‌گویم: برو بردار. نه اینکه بخوام انگشتر داشته باشم. می‌خواهم برود مشغول پیدا کردن انگشتر شود من یک ساعت مطالعه کنم. ما در کاشان می‌گوییم نخود سیاه، اینجا هم می‌گویند؟ همه جایی است؟ می‌گویند: گاهی وقت‌ها این رفاه‌ها نخود سیاه است. خداوند گفته حیف است این یاد من باشد. بگذارید سرگرم همان چیزها باشد. مثلاً شما الآن فکر می‌کنید رئیس جمهور آمریکا در رفاه است؟ شما یک نفر را بگو این در رفاه است. اینطور نیست که ما حساب می‌کنیم.

خود تفرقه یکی از عذاب‌هاست. حالا چون یک روزی هم داریم روز شهادت آیت الله مفتوح به نام وحدت حوزه و دانشگاه، من دیروز مراسمی بود یک جایی این حرف را زدم. خداوند سه رقم عذاب دارد. خداوند می‌فرماید: سه رقم عذاب داریم. «عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ» (انعام/۶۵) این آیه‌ی قرآن است. از بالای آسمان عذاب می‌شود. «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» یا از زیر پایتان عذاب می‌شود، از زمین. «أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا» یعنی گروه گروه می‌شوید. سه رقم عذاب داریم. عذاب از بالا، عذاب از آسمان، عذاب از زمین، عذاب از «يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا» همین گروه گروه شدن. خیلی وقت‌ها در رفاه هستند اما...

ما نمی‌توانیم زود قضاوت کنیم. مثال گربه و شیر را فکر می‌کنم شنیده باشید. یک شیر به گربه گفت: خاک بر سرت! من و تو نژادمان یکی است. شکل گربه و شیر مثل هم است. من برگ زرد می‌خورم، شیر هستم. تو خانه‌ی حاجی‌ها جوجه کباب می‌خوری، لاغر و پژمرده هستی. گربه گفت: بله، من جوجه کباب می‌خورم، اما گاهی به من می‌گویند: پیش... هرچه خوردم آب می‌شود! تو برگ زرد می‌خوری اما دیگر کسی پیش به تو نمی‌گوید! یعنی اگر می‌بینی جوجه کباب می‌خورد، مواظب پیش‌اش هم باشید. اختلاس شیرین است. اما به فرار کردنش نمی‌ارزد. باید همه را روی هم حساب کرد.

معنای رفاه چیست؟ معنای رفاه آرامش است. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) آرامش! امام وقتی دوازده بهمن در هواپیما نشست بیاید، خبرنگار در هواپیما



معرفت کاملی به زیارت عتبات برونند. آرامشی که در ایران هست ثابت و مداوم قرار بده. بالاخره بعد از مدتی آمریکا با ذلت رفت و عراق ماند. یزیدی‌ها رفتند، حسینی‌ها ماندند. مرحوم شهید مدرس به رضاشاه گفت: تو هرکجا بمیری، نه آب است و نه آبادی. ولی هرکجا من بمیرم قبر من زیارتگاه می‌شود. شما کاشمیر بروید ببینید چه قبه و چه بارگاه و ضریح و چقدر زوار دارد. رضا شاه دستور داد آیت الله مدرس را شهید کردند. رضاشاه محو شد، رفاه فوری را رویش قضاوت نکنید. چه کسی خوش است؟ نگاه نکنید چه غذایی می‌خورد، ببینید درد و دلهای بعدش و بیماری‌هایی که ناشی از این است خیلی وقت‌ها دیدن یک فیلم، یک ویدئو، یک ماهواره، ممکن است یک رفاه‌های لحظه‌ای جوان لذتی ببرد. اما نگاه کن این با فکر که چه کرد؟ آیا بعد از این فیلم دیگر تمرکز داری درس بخوانی؟ قبلاً کتاب را راحت می‌خواندی، اما الآن چشمت روی کتاب است و دلت جای دیگر است. ضرر علمی به تو زد. توجه به عوارضش هم داشته باشیم.

خدایا تو را به حق محمد و آل محمد ایمان کامل، بدن سالم، بصیرت، تقوا، سلامت، مصونیت، به همی ما مرحمت بفرما. دین ما، دنیای ما، نسل ما، ناموس ما، مرز ما، انقلاب ما، جوان‌های ما، رهبر ما، مسؤولین ما همه را در پناه امام زمان حفظ بفرما.

یعنی تلخی‌ها و شیرینی‌ها همه نزد من زیباست. مثال را فراموش نکنید. مادر که به سفره نگاه می‌کند ظرف ترشی و ظرف مربا هر دو برایش شیرین است. اما بچه از ترشی بدش می‌آید حلوا را می‌خورد. یعنی اگر فلفل سر سفره بود، بچه فلفل را در دهانش گذاشت، پس می‌زند، پیاز را پس می‌زند، ترشی را پس می‌زند، اما حلوا را دوست دارد. بچه‌ها هستند که حلوا را دوست دارند، ترشی را دوست ندارند. اما مادر بچه به سفره نگاه می‌کند، به همان مقدار که ظرف حلوا زیباست، ظرف ترشی هم زیباست. «ما رأیت الا جمیلاً» یعنی نزد من هر دو جمیل است. خدا رحمت کند اموات را، یک روز از پدرم پرسیدم: کدام یک از بچه‌هایت را بیشتر دوست داری؟ دستش را چین کرد. گفت: تو کدام انگشت‌هایت را بیشتر دوست داری؟ نمی‌شود گفت. انسان وقتی صاحب دست شد، همه‌ی انگشت‌هایش یکسان است. حرفم را جمع کنم. امشب چه گفتم؟

۱- گفتم زیارت اربعین از راه دور. یک سلام کامل یک زیارت است. غصه نخورید کربلا هستیم یا نیستیم. شما در نماز هر روز به «عباد الله الصالحین» سلام می‌دهید. می‌گویید: «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین» سلام کردن به اولیای خدا کار الهی است. «سَلَامٌ عَلَی اِبْرَاهِیْمَ» (صافات/۱۰۹)، «سَلَامٌ عَلَی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ» (صافات/۷۹)، «سَلَامٌ عَلَی مُوسَى وَ هَارُونَ» (صافات/۱۲۰) یک دعا می‌کنم باز آمین بگویید. خدایا به محمد و آل محمد یک امنیت کاملی بر عراق حاکم کن که ایرانی‌ها و سایر کشورها با یک آرامش و

پرسید الآن چه احساسی داری؟ چه فرمود؟ هیچی! هواپیما ممکن است سرنگون شود، شد که شد! جمهوری اسلامی تشکیل می‌دهیم. شد الحمدلله، نشد الحمدلله! من باید به وظیفه‌ام عمل کنم. آرامش این است که در هواپیما آرام نشسته، هواپیما را هم ممکن است سرنگون کنند.

امام فرمود: وقتی مرا برای تبعید و زندان بردند، دو تا سرهنگ این طرف و آن طرف من نشسته بودند. من دیدم سرهنگ‌ها می‌ترسند. گفتم: نترسید. یعنی آنها مرا گرفته بودند ولی آنها می‌ترسیدند. سرهنگ است امام را دستگیر کرده اما دل امام آرام است.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر در دستت طلا است، همه شعار بدهند: سفال است، سفال است. شما آرام هستی. بگویند تا خسته شوید. من که می‌دانم طلا است! اگر سفال است، همه‌ی مردم بگویند: طلا است، خودت که می‌دانی. اینکه کسی یقین دارد در دستش طلا است یا نه.

کسی که خدا دارد، کسی که پرونده‌اش پاک است. امام رضا فرمود: همه کارهایتان را طوری تنظیم کنید که بتوانید در نماز جمعه بگویید. هرکاری می‌کنی که رویت نمی‌شود در نماز جمعه بگویی پیداست ناخالص هستی. علامت اخلاص این است که بتوانی در نماز جمعه بگویی و خجالت نکشی. این آرامش‌ها مسأله‌ی مهمی است.

۷- آرامش در اوج بحران و مشکلات

قهرمان آرامش زینب کبری بود. وقتی از او پرسیدند وضع چطور است؟ در آستانه‌ی اربعین بحث را گوش می‌دهید، فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً» جز زیبایی چیزی ندیدم.

روضه مکتوب اربعینی

هر جای دنیا کسی کشته ببینه چه بشناسی و چه نشناسی، یکی می یاد به چیزی روش بندازه، سنته، یهودیام این سنت را دارند، گفت بابای من سه روز بدنش زیر آفتاب ماند، همه ی بدن های دشمن را دفن کردند، بابای من بدنش روی زمین افتاد، من دستهایم بسته بود مثل جدم علی که بابا سر مادرم رسید، دستاش بسته بود، از کنار فاطمه اش عبورش دادند من را هم از کنار بدن بابام عبور دادند ...
 یادم نمی رود آن ساعتی که در دل خاک
 عریان فتاده بود بدن چاک چاک چاک

همه ی مزارها را امام سجاد (علیه السلام) نشان داد، هر کی علاوه بر حسین (علیه السلام) روی مزار عزیزش حساسیت دارد، یکی می گه قبر علی اکبرم کجاست؟ یکی می گه قاسم چی شده؟ ...
 اما رباب حرفی نزد چون همه فکر ارباب حسین است، آخر سر امام سجاد (علیه السلام) یه قبر کوچیک پیدا کردند، شاید رباب گفته باشه، آقا بچه ی من را اینجا آوردید، آخر قبر کوچک بود، ولی نه این قبر عباس (علیه السلام) است .

یاس ها را جوهر نیلی زدند
 دستی گرفت بر گره ی معجزش و گفت
 کودکان را یک به یک سیلی زدند
 راحت بخواب دست به معجزه نخورده است

اومد بالای سر قبر برادر، حسین جان ! یادته می خواستم زیارت جدم برم همه ی اهل خانواده دور من جمع می شدید عباسمون دور و برم بود، جلوجلو عباس (علیه السلام) می رفت، تو و داداشم حسن دور و برم، بابام علی جلو، چراغ را کم می کردید، مبادا چشم کسی به من بیفته، اما کجا بودی، چهل منزل نامحرم ...
 شکسته بال و سیاه و کبود برگشتم
 من از محله ی قوم یهود برگشتم
 از آن دیار که زن های شام خندیدند ...

اومد بالا سر قبر ابا عبدالله (زبانحال) حسین (علیه السلام) جان ! یادته نیمه ی شب بابام سر به دیوار کوبید، گفت دستم به بازوی ورم کرده رسید ... داداش دست از خاک در آر، یه جای سالم تو تنم نمونده، بدن من هم مثل مادر کبود شده . شروع کرد راه افتادن بین خیمه ها و قبرها
 اینجا کفن پوشیده قاسم من
 اینجاست کف پای پدر نهادم
 اینجا به دنبال علی دویده
 اکبر زبان خشک او مکیده
 اینجا کبوتر بچه ها پریدند
 اینجاست عسل نوشیده قاسم من
 اینجاست کف پای پدر نهادم
 اکبر زبان خشک او مکیده
 اینجا سر شش ماهه را پریدند





سیاسی

- آثار سیاسی پیاده روی اربعین حسینی
- فرصت شکوفایی اقتصادی ملی
- طلبه‌ی سیاسی
- حجاب اجباری
- جایگاه مردم در حکومت دینی در اندیشه‌های حجت الاسلام و المسلمین میر باقری
- سفر رئیسی به همدان





رضا بهرامی

آثار سیاسی پیاده روی اربعین حسینی

دیباچه

سیاست، بخش جدایی ناپذیر از منظومه منسجم اندیشه ناب-اسلامی شمرده می‌شود و توجه مسلمانان به آن، ریشه در وحی، سنت و سیره عملی معصومین (علیهم السلام) دارد. یکی از ابعاد برجسته قیام عاشورا بُعد سیاسی آن است و اربعین تجسم عینی آن در دوره معاصر است. میلیون‌ها شیعه و محب و دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) با حضور خود در راهپیمایی میلیونی و بین‌المللی اربعین اعتقاد به ادامه داشتن راه ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) که همان فریاد «هیئات من الذله» و شعار ایجاد حکومت دینی به منظور احیای سنت نبوی و احکام اسلامی و اضمحلال نظام ظالمانه کفر و استبداد، بوده است را به رخ جهانیان می‌کشند. اربعین حسینی (علیه السلام) به عنوان بزرگترین سرمایه اجتماعی که در اختیار شیعه قرار دارد در بردارنده ظرفیت‌های عظیم سیاسی اجتماعی و فرهنگی است که با توجه به حضور میلیون‌ها زائر و ارادتمند به ساحت مقدس امام حسین (علیه السلام) در کانون توجه جهانیان قرار گرفته است.

یکی از الزامات سیاست جهانی اسلام، وحدت، همدلی و همگرایی آحاد مسلمانان در مقابل جبهه کفر و دشمنان اسلام است. از جنبه سیاسی هیچ مساله‌ای به اندازه

همگرایی و همکاری کشورهای اسلامی در جهان امروز پراهمیت نیست، چیزی که بارها در متون اسلامی به آن تاکید شده است و از مسلمانان خواسته شده تا زمینه فراهم شدن آن را ایجاد کنند. اربعین حسینی (علیه السلام) می‌تواند با ایجاد وحدت، همگرایی و اجتماع سیاسی در قالب پیاده روی، باعث عزت و قدرت بیشتر اسلام و تقویت رویکرد سیاسی جهان اسلام در مقابل دشمنان بشود.

یکی دیگر از شاخصه‌های سیاست جهانی اسلام داشتن عزت و اقتدار است. وقتی شیعیان سراسر عالم از جمله از ایران که خود دارای حکومتی عاشورایی و حسینی (علیه السلام) و بسان خاری در چشم دشمنان هستند، همدیگر را می‌بینند، احساس عزت و خودباوری بیشتری برای مقابله با دشمنان اسلام پیدا می‌کنند و این یعنی تقویت اقتداری که در دل صدها آیه و روایت نهفته بود و متأسفانه فرصت عمل به آنها و در نتیجه شکل‌گیری هویت اسلامی در طول تاریخ ایجاد نشده بود. امروز به برکت پیاده‌روی اربعین فرصت بازیابی هویت جهان اسلام در عرصه عزت و اقتدار به عنوان یک از شاخصه‌های رویکرد سیاسی جهان اسلام، فراهم شده است.

در این فصل به آثار سیاسی پیاده‌روی اربعین در زمینه همگرایی، ارتقاء امنیت و عزت و اقتدار بر

یکی دیگر از شاخصه‌های سیاست جهانی اسلام، وجود امنیت در جوامع اسلامی است که باز هم اربعین می‌تواند به سهم خود عهده دار آن باشد. شکل انقلابی و حماسی و امنیت زای پیاده‌روی اربعین در تاریخ معاصر زمانی شکل گرفته است که میلیون‌ها مومن شیعی احساس خطر کردند که جریان‌های تکفیری و گروه‌های سلفی و افراطی متحجر با حمایت امپراطوری رسانه‌ای غرب و سرمایه‌گذاری سعودی و صهیونیستی در حال ایجاد نا امنی در جهان اسلام و تخریب مقدسات و عتبات عالیات بوده و این خطر وجود داشته است تا این گروه مزدور پا را از گلیمش فراتر نهند و به ساحت مقدس مضع نورانی امام حسین (علیه السلام) تعرض کنند.

در این زمان خیزش بزرگ انسانی و اعتقادی و امنیت ساز، گسترش پیدا کرده و به راهپیمایی اربعین شکل حماسی، انقلابی و اعتراضی



بین کشورهای اسلامی و همسایه در کنار زندگی مرفه و عدالت محور، این کشورها را قادر خواهد ساخت تا از موضع قدرتمندتری در مقابل دشمنان برخوردار گردند.

جهان اسلام نیازمند الگویی است که توانایی ایجاد همگرایی را داشته باشد. طبعاً چنین الگویی باید از مبانی نظری نفوذ ناپذیری برخوردار باشد. دین اسلام برای همگرایی، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های فراوانی بهره‌مند است که در این میان، همگونی‌های دینی تاثیر بیشتری خواهند داشت. چنانچه مسلمانان در سایه اتحاد و همگرایی به هویت دینی خود بازگردند قادر خواهند بود تا در پرتو تعالیم آن موانع دشوار ایجاد تمدن نوین اسلامی را از سر راه خود بردارند. راهپیمایی اربعین در قالب انسجامی کم نظیر، نوعی همگرایی و اتحاد را به نمایش می‌گذارد؛ اتحادی که نمونه آن در این هیبت و کیفیت در طول تاریخ، سراغ نداریم. هیبت به این معنا که دوستداران خاندان نبوت (علیهم السلام) اعم از شیعه و سنی و موحدان اهل کتاب از اقصی نقاط عالم خود را به نجف می‌رسانند و کیلومترها مسیر را با پای پیاده با هم همگام و همراه می‌شوند. وجود آیین و کتابی مشترک چون قرآن می‌تواند به مثابه حبل ا... موثر قرار گیرد. «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید.»

بنا بر حدیث ثقلین، حبل ا... همان کتاب خدا و عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که در صورت توسل به آنان سعادت و رستگاری چه در دنیا و چه آخرت قابل دسترسی است. پیامبر مکرم اسلام

اربعین حسینی (علیه السلام) می‌تواند با ایجاد وحدت همگرایی و اجتماع سیاسی در قالب پیاده روی، باعث عزت و قدرت بیشتر اسلام و تقویت رویکرد سیاسی جهان اسلام در مقابل دشمنان شود. در این گفتار ضمن ظرفیت شناسی و سپس با اشاره به آثار بالقوه و بالفعل پیاده‌روی اربعین، پیرامون یکی از آثار سیاسی این همایش بین المللی یعنی همگرایی و آثار آن در جهان اسلام سخن خواهیم گفت. الف) ظرفیت‌های بالقوه جهان اسلام از جمله پیاده‌روی اربعین در ایجاد همگرایی

پتانسیل و ظرفیت مکتب اسلام در ایجاد وحدت فراتر از همگرایی‌های موجود در جهان معاصر مانند اتحادیه اروپا و ... است. اسلام به عنوان یک قدرت بزرگ و زمینه ساز ایجاد یک تمدن نوین اسلامی در سایه عمل به آموزه‌های راهگشای آن می‌تواند با حذف موانع همگرایی، یک بار دیگر کشورهای اسلامی را به یکدیگر پیوند داده و با اتحاد میان نیروهای پراکنده و بالقوه آنان، ائتلاف و اتحاد بزرگی را برای دفاع از حریم سیاسی و جغرافیایی جهان اسلام پدید آورد.

کشورهای اسلامی با جمعیتی در حدود ۱,۵ میلیارد نفر و با بیش از ۳۱ میلیون کیلومتر مربع از امتیازات و پتانسیل‌های متعدد خود به خوبی استفاده نمی‌کند و با وجود تمام انگیزه‌ها و عوامل قوی برای همگرایی و اتحاد، تاکنون نتوانسته‌اند مانند سایر همگرایی‌های بین المللی همچون اتحادیه اروپا و ... به دستاوردهای اقتصادی- سیاسی و فرهنگی و اجتماعی قابل توجهی نایل گردند. حال آنکه پر واضح است همبستگی

بازیابی هویت جهان اسلام در قالب سه گفتار پرداخته خواهد شد و در انتها این گونه نتیجه خواهیم گرفت که پیاده‌روی اربعین با ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان امت اسلامی و ارتقاء امنیت حاصل از آن و ایجاد عزت و اقتدار می‌تواند هویت جهان اسلام را بازسازی و بازیابی کند.

آثار پیاده‌روی اربعین در همگرایی جهان اسلام

اربعین حسینی (علیه السلام) به عنوان بزرگترین سرمایه اجتماعی که در اختیار شیعه قرار دارد در بردارنده ظرفیت‌های عظیم سیاسی اجتماعی و فرهنگی است که با توجه به حضور میلیون‌ها زائر و ارادتمند به ساحت مقدس امام حسین (علیه السلام) در کانون توجه جهانیان قرار گرفته است. آموزه‌های مکتب اسلام خود همه تعالی بخش و انسان‌ساز هستند از جمله مبارزه با ظلم و استکبار، کمک به مظلومان تقویت عزت و اقتدار و ... متاسفانه کشورهای اسلامی با وجود ظرفیت‌های عظیم مادی و معنوی دچار تفرقه و تشطط و چند دستگی شدند.

همان چیزی که دشمن از آن به جهت تضعیف جوامع اسلامی و تسلط و نفوذ بیشتر خود نهایت بهره برداری و سوء استفاده خود را دارد. در این میان همگرایی و وحدت و همدلی باید جز اساسی‌ترین رویکردهای جوامع اسلامی قرار گیرد تا ضمن بازیابی هویت اصیل و از دست رفته اسلامی، پیامی که از سوی مسلمانان و جهان اسلام به دشمنان مخابره می‌شود وحدت و همگرایی یکدلی و اتحاد باشد و در سایه آن عزت و سربلندی جامعه اسلامی حاصل گردد. بدون شک



(صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «ستارگان، مأمّن برای اهل آسمان اند و اهل بیتم نیز مأمّن برای امتم از اختلاف؛ هرگاه با آنان گروهی از عرب مخالفت نمایند بینشان اختلاف می‌افتد و جزء حزب شیطان می‌شوند.»

پس می‌توان گفت یکی از آثار سیاسی پیاده‌روی اربعین حسینی (علیه السلام) فراهم آوری ایدئولوژی مشترکی بمنظور اجماع مسلمانان اعم از شیعه و سنی بر گرد آن است.

آثار پیاده‌روی اربعین حسینی (علیه السلام) در زمینه همگرایی جهان اسلام

۱- شکل‌گیری یک فراجنبش اجتماعی، سیاسی در سطح جهانی در راهپیمایی اربعین

پیاده‌روی اربعین، صحنه‌ای زیبا و جدید از مناسبات و روابط و جوشش انسانهای عاشقی است از ملیت‌ها و قومیت‌های مختلف و حتی معتقدان آیین‌هایی متفاوت از شیعه که واجد زیباترین، خالصانه‌ترین و عاشقانه‌ترین تعاملات بین انسانی است که با هیچ یک از نظریات جامعه‌شناسی قابل تبیین، تحلیل و تطبیق نیست. اجتماع گسترده انسان‌هایی از سراسر جهان با ملیت‌ها و نژادهای مختلف و از اقشار، پایگاه‌ها و

منزله‌ها و اجتماعی گوناگون که در واقع می‌توان آن را به مثابه نمونه‌ای از جامعه بشری دانست، در کنار نمایش جلوه‌های مختلف فضائل اخلاقی

همچون از خود گذشتگی و ایثار، صبر، یاری به هم نوع، محبت و عطوفت و صدها خصلت والای انسانی نشان از شکل‌گیری یک فراجنبش اجتماعی و حتی سیاسی در سطح جهانی است.

راهپیمایی اربعین بیانگر آن است که اشتراکات دینی وحدت‌آفرین است و انسجام و همبستگی می‌آفریند و جمع‌گرایی را به جای فردگرایی و عام‌گرایی را به جای خاص‌گرایی می‌نشانند. وقتی مسیر الهی است و در جهت آن قدم برداشته می‌شود دیگر تفاوت‌ها معنا ندارد و اختلافات و افتراقات رنگ می‌بازند. راهپیمایی اربعین یک حرکت خودجوش مردم بنیان الهی است که خود مردم بر مبنای اعتقادات دینی و مذهبی خود ایجاد و اداره کرده‌اند و به خوبی هم اداره می‌کنند. مهمتر آنکه این امر در شرایط تهدید و خطر و عدم امکانات و با وجود سختی‌های فراوان ولی با عشق و میل درونی و خودجوش مردم انجام می‌شود. حضرت امام (رحمه الله) می‌فرمایند: «قدرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) برای مجتمع کردن افراد و قلوب مردم بی‌نظیر است. شما در کجا سراغ دارید که ملتی این‌طور هماهنگ بشود؟ کی اینها را هماهنگ کرده؟ اینها را سید الشهدا زورگو و پادشاهی.



مطرح در دنیا خواهد داشت. در گزارش یورونیوز آمده است: «از آرامنه ایران که به احترام هموطنان خود در محرم سیاه می‌پوشند تا زرتشتیان که امام سوم شیعیان را داماد ایرانیان می‌دانند (زیرا او همسر شهربانو، دختر یزدگرد بوده)، جوامع مسلمان و غیرمسلمان به غیر از ایران در اقصی نقاط جهان مراسم عاشورا را به شیوه خود برگزار می‌کنند.» هیچ تفاوتی بین مردم در دورترین نقطه غرب آسیا و شمال آفریقا یعنی در مصر با مردمی که در دورترین نقطه شرق آسیا و جنوب آسیا یعنی هند و بنگلادش زندگی می‌کنند وجود ندارد، و حوزه‌های گفتمانی جهان شیعه توانسته خود را در گسترده جغرافیایی توسعه داده و به آن نفوذ کند.

۴- جذب اندیشمندان بزرگ جهان به مکتب عاشوراء

امام حسین (علیه السلام) در فرهنگ بشریت همچون ستون خیمه گاه، فصل مشترک مذاهب و مرام‌های دینی و قومی و فکری بوده است. نور او چون جد و پدر بزرگوارش مرزهای تاریخی و جغرافیایی را در نوردید و انسان‌های دارای زمینه و روشن ضمیر از مهاتما گاندی هندی و توماس کارلایل و ادوارد گیبون انگلیسی، تا واشنگتن ایروینگ آمریکایی، توماس مان و کورت فیشر آلمانی و توماس مازاریک اسلواک و هزاران تن دیگر را متأثر و شیفته ساخت. توماس کارلایل از بزرگترین نویسندگان و فیلسوفان قرن نوزدهم میلادی اروپا، در کتاب مشهور خود به نام قهرمانان، بارها شخصیت بزرگ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام)

در صدر اسلام است که مسلمانان به ویژه شیعیان هر سال در عاشورا و اربعین حسینی (علیه السلام) در سراسر عالم، برای آن حضرت مشغول اقامه عزاداری می‌شوند. در اغلب کشورهای که مراسم روز عاشورا برگزار و تکریم می‌شود، قاطبه جمعیت، سنی نشین هستند. با آن که دشمن امام حسین (علیه السلام) و آمر قتل او، یزید خلیفه اهل سنت بود، ولی برخی از اهل سنت در مناطق مختلف جهان در روز عاشورا سوگواری می‌کنند. خاستگاه سوگواری سنی‌ها برای امام شیعیان معلوم نیست، اما ممکن است تطبیق این واقعه با یک فرهنگ، اسطوره یا مراسم خاص محلی که از قبل وجود داشته، یا مجاورت و همزیستی با جامعه شیعه مذهب، دلیل آن باشد.

در جهان عرب، شمال آفریقا، قفقاز و حتی پاکستان و افغانستان، در استان‌های کاملاً سنی‌نشین، عزاداری روز عاشورا انجام می‌شود به عبارتی تسری فرهنگ عاشورایی یا تکریم شهادت امام سوم شیعیان، محدود به جهان تشیع نشده است و این خود نمایان گر یکی از ابعاد وحدت آفرین ظرفیت عاشورا و راهپیمایی اربعین حسینی (علیه السلام) در همگرایی جهان اسلام است. این یعنی نزدیک شدن دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی در سطح ادیان و مذاهب بدون توجه به اختلافات و ایجاد یک جبهه متحد با محوریت امام سوم شیعیان در مقابل یزیدیان و مستکبران عالم. تقریب سیاسی ادیان و مذاهب با پرچمداری اهل بیت (علیه السلام) نقش موثری در بازیابی هویت جهان اسلام و به چالش کشیدن حکومت‌های فاسد سیاسی موجود و

۲- تبلیغ و انتشار فرهنگ ضد استکباری و ظلم ستیزی شیعی در راهپیمایی اربعین

راهپیمایی اربعین رسانه انتشار فرهنگ ضد استکباری و ظلم ستیزی شیعی است. آنچه نیاز بشریت امروز است، فرهنگ تمدن سازی که در آن زمینه شکوفایی استعداد های انسانی آدمیان برای طی طریق در مسیر رسیدن به هدف غایی خلقتشان فراهم می‌شود. یکی از اهداف غایی خلقت انسان رشد در سایه عبودیت و بندگی حق تعالی است همان گونه که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادتم کنند.»

اما در طول تاریخ آن چیزی که مانع تحقق این هدف بوده وجود حکومت‌های استکباری و استبدادی و جریان‌های منحرف و مشرک بوده است. دوران معاصر ما هم مستثنی از این موضوعات و موانع نمی‌باشد. ابر قدرت‌های فاسد موجود در جهان به دنبال جدا کردن دین از سیاست می‌باشند و از این طریق می‌خواهند ناکارآمدی دین را ثابت کنند در حالی که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از مکتب اسلام ناب و آموزه‌های عاشورا است به خوبی نشان داده که دین افیون جامعه نیست بلکه تعالی بخش آحاد افراد جامعه اسلامی است و این مهم به دست نمی‌آید جزء با رفع موانع و استکبار که این حضور پرشور در حماسه سیاسی اربعین نویدبخش تحقق وعده‌های الهی و سیاسی مکتب اسلام است.

۳- اتحاد بین ادیان و مذاهب در راهپیمایی اربعین

شهادت مظلومانه امام حسین (علیه السلام) یکی از وقایع مهم تاریخی

و امام حسین (علیه السلام) را ستایش می‌کند. جمله مشهور «علی را نمی‌شود دوست نداشت» از اوست.

کارلایل در توصیف امام حسین (علیه السلام) می‌گوید: «حسین (علیه السلام) نماد اعتقاد راسخ بر خداوند، برای همیشه اثبات کرد و به همه آموخت، آنجا که بی‌عدالتی و تفرعن در برابر حقیقت و عدالت صف آرای می‌کنند، تفوق نفرات و مادیات اهمیت خود را می‌بازد! خون حسین (علیه السلام) همچنان می‌جوشد و سفینه نجات بشریت را همچنان پیش می‌برد.»

توجه نخبگان و اندیشمندان مطرح دنیا به فرهنگ عاشورایی و جانفشانی بزرگ در مقابل ظلم و ستم استکبار و این شکوه ایستادگی و صبر و مقاومت باعث تاثیرگذاری بیشتر قیام عاشورا و الگو پذیری مکاتب و دانش‌آموختگان آنها از این حماسه بزرگ و خونین خواهد شد. پیاده‌روی اربعین ظرفیت توجه نخبگان و بزرگان علمی عالم به عمق آموزه‌های عاشورایی و تاثیرگذاری آن را صد چندان می‌کند به طوری که این آموزه‌ها از مرز شنیدن عبور خواهد کرد و نخبگان عالم عمیقاً پیام‌های این قیام الهی و نورانی را درک و لمس خواهند کرد و به دور از تعصب، جایگاه ارزشمند سرور آزارگان عالم را برای شاگردان خود تبیین و تشریح می‌کنند.

۵- همگرایی در پذیرایی و معیشت عادلانه در راهپیمایی اربعین

گروه‌های مختلف از اقشار مختلف مردم با سطح درآمد متفاوت در یک مسیر گرد هم آمده و از محل اسکان مشابه، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های یکسان که بواسطه خادمان و میزبانان فراهم می‌آید

اسلام به موضوع عدالت و رعایت حقوق بشر اسلامی است. این برخورد کریمانه میزبانان، عدالت و حقوق بشر مطرح شده توسط مستکبران خصوصاً آمریکا را به چالش می‌کشد و شرکت‌کنندگان خصوصاً کسانی که از سایر ادیان و کشورهای غربی در این حماسه عظیم حضور پیدا می‌کنند متوجه حقیقت آموزه‌های اسلام مثل اکرام و احترام انسانها و دروغین بودن شعارهای حمایت از حقوق بشر استکبار و در رأس آن آمریکا خواهند شد. این تأثیر شگرفی در تغییر بینش و افکار سیاسی شرکت‌کنندگان نسبت به واقعیت‌ها خواهد شد.

جهان کفر، شیعه و مکتب اسلام را مکتب خشونت آمیز معرفی می‌کند اما وقتی مردم دنیا پیاده‌روی اربعین را با این همه محبت و معیشت عادلانه می‌بینند بی‌اساس بودن این مسئله را به خوبی درک می‌کنند.

پذیرایی می‌شوند و در این میان هیچ تفاوتی میان فقیر و غنی، سیاه و سفید نیست بلکه هر چه هست یک رنگی، صفا و صمیمیت است؛ شیوه‌ای که در رفتارها احساس می‌شود و محبت و صمیمیتی که در صورت‌ها نمایان است تنها از یک واقعیت سخن می‌گوید و آن هم هدف و غایت مقدس انسان‌های گردآمده به دور هم می‌باشد؛ افرادی که گاهاً احساس می‌شود سالیان دراز یکدیگر را می‌شناسند و حال آنکه این نوع رفتار و کنش محبت آمیز حاصل گذر دقایقی کوتاه و یا حتی آنی است که خود مستلزم دقتی جامعه شناسانه در این حماسه عظیم است. این همه صمیمیت و اخلاص تنها به سبب خشنودی و رضای خداوند و صاحبان عزا که همان ائمه اطهار (علیهم السلام) هستند انجام می‌گیرد و چه زیبا امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «به کارگیری عدل و احسان و نیکویی، موجب دوام و باقی ماندن نعمت می‌شود». همین سلوک رفتاری در فضای محبت آمیز پیاده‌روی اربعین است که موجبات محبت بیشتر را فراهم می‌کند و میزبانان که همان مردم شریف عراق هستند با کمال صداقت و صمیمیت تمام بضاعت خویش را به کار می‌گیرند تا همه زائران فارغ از هر گونه تفاوتی چه در رنگ و چه نژاد و چه زبان و نیز فقیر یا غنی بودنشان مورد پذیرایی قرار گیرند. این عدالت در رفتار چه در سطح میزبانان و چه در سطح زائران یا همان میهمانان جاری است و این حقیقتی انکار ناپذیر و لذت بخش است. این عدالت در معیشت بدون توجه به اختلافات، بیانگر توجه فوق العاده مکتب





فرشاد محمد پور

فرصت شکوفایی اقتصاد ملی

نگاهی به ثمرات عملی شدن اقتصاد دانش بنیان برای مردم و کشور

است؟
 ضرورت نیاز کشور به اقتصاد دانش بنیان را می توان در مسائل زیر مورد مطالعه قرار داد:

۱. تقویت خودباوری و خوداتکایی در کشور

آنچه امروزه ملت های مسلمان احتیاج دارند، احساس هویت و شخصیت است، همان گونه که ملت ایران پیش از انقلاب اسلامی سالیان متمادی اسیر تضعیف روحیه خودباوری بود، مسئولان دولتی همواره در مواجهه با پیشرفت های خیره کننده علمی غرب مبهور بودند که به تدریج احساس کمبود، احساس حقارت، احساس خودکم بینی در این کشور و در میان ملت ما ترویج شد. خوشبختانه انقلاب همه چیز را دگرگون کرد؛ از جمله این حالت و این روحیه را دگرگون کرد؛ بنابراین، بنیان گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش، هم موجب تقویت روحیه و شخصیت و هویت ملی است، هم قدرت سیاسی. خود استقلال و خوداتکایی در یک کشور، قدرت سیاسی میدهد؛ علاوه بر قدرت اقتصادی که طبیعتاً به وجود می آید.

بر روی هم از همه بیشتر است کشور جمهوری اسلامی ایران است. نظام سلطه بر این مسئله پای می فشرد که با سرنگونی جمهوری اسلامی مناسبات پیش از انقلابش را مجدداً بازسازی نماید. بدین خاطر دشمنان بر روی اقتصاد متمرکز شدند تا به رشد ملی، اشتغال، رفاه ملی لطمه وارد نمایند؛ بنابراین، دولت باید منابع ایران را با اقتصاد دانش بنیان پیوند بزند و بتواند از منابع غنی تولید ثروت نماید، زیرا رشد شتابان اقتصاد به وسیله اقتصاد دانش بنیان ممکن خواهد بود، چرا به اقتصاد دانش بنیان نیاز

با شکل گیری نظام اسلامی در ایران، عناد غربی ها با ایران حتی در عرصه اقتصاد نیز فزونی یافت. یک سؤال مهم این است که چرا دشمنان این دشمنی ها را می کنند؟ چون کشورهای غربی از لحاظ منابع نفتی دچار مشکل شده اند و روزه روز مشکل آنها بیشتر خواهد شد. آن زمان که نفت کشورهای غربی تمام شود، دنیا آن روز متکی خواهد شد به سه منبع عمده نفتی در منطقه ما و در خلیج فارس که البته یکی از آن سه منبع ایران است. در بین همه کشورهای دنیا آن کشوری که موجودی نفت و گازش





۲. استفاده از قدرت درونزای علمی برای اقتصاد ملی

امروزه در عرصه جهانی کشورهای که داعیه و رسالت جهانی برای خویش ترسیم ساخته اند از علم و دانش بهره وافی برده اند. انقلاب اسلامی نیز که برای خویش رسالت احیا و دستیابی به تمدن نوین اسلامی را متصور ساخته است، لاجرم، باید در این مسیر استقلال و اتکای بر خویش داشته باشد، زیرا علم و دانش سرمایه ای جوشان و تمام ناشدنی برای کشور محسوب می شود که به مثابه پیشران در اقتصاد، فرهنگ، ارتقای هویت ملی در گستره جهانی، پویایی قدرت سیاسی و ... محسوب می شود. اگر چرخه تولید علم در یک کشوری به راه افتاد، اگر استعدادی وجود داشت و به جریان افتاد، اگر ظرفیتها شروع کرد به بروز و ظهور، آن وقت این دیگر منبع تمام نشدنی است. علم یک پدیده درون زاست؛ چیزی نیست که انسان برای آن ناچار و ناگزیر باشد وابسته شود.

۳. نجات از اقتصاد نفتی

با توجه به اینکه منابع زیرزمینی همچون نفت تمام شدنی است، اتکای مدیریت کشور به درآمد نفت نوعی خودفربیی محسوب می شود؛ از این رو، دولت باید برای چرخه کشور و تولید ثروت به سمت دانش و علم سوق یابد تا کشور به شکوفایی اقتصادی نائل گردد. اگر بخواهیم به رشد اقتصادی حقیقی نائل شویم، راهش تکیه به علم است اگر ما انشالله بتوانیم بنیان گذاری

جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند در برابر این بحرانها مقاوم باشد، ضرورت دارد به سمت اقتصاد مقاومتی با اتکا بر دانش بنیان گام بردارد. اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون زا است؛ اقتصادی است که در داخل پایه های مستحکمی دارد که تکانه های بین المللی و جهانی به آن لطمه وارد نمی سازد.

۵. اشتغال افزایی در کشور

از جمله مسائل حائز اهمیت در حوزه اقتصاد کشور، مسئله اشتغال است. یکی از بهترین راه های اشتغال، همین پارک های علم و فناوری و همین واردکردن دانشجویان به فناوری های قابل تبدیل به ثروت است. مسلماً مشاغلی که ناشی از فعالیت علمی هستند بی پایان خواهند بود.

ثمرات اقتصاد دانش بنیان شکل گیری اقتصاد بر پایه شرکت های دانش بنیان از مهمترین شاخص های شکل گیری اقتصادی مقاوم و با ثبات است. اگر در مواجهه با انباشت چالش های اقتصادی، با تدبیر

کارهای اقتصادی بر پایه دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی و قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی کشوری احساس کرد که با علم و دانش خود می تواند زندگی و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند، احساس هویت و شخصیت میکند بنابراین، اگر پیشرفت علمی دنبال شود آن وقت اقتصاد دانش پایه که سرمایه گذاریاش اندک است اما فرآورده و محصولش بسیار زیاد است- در اختیار ما قرار خواهد گرفت. از این طریق میتوان وابستگی به نفت را که میراث شوم صدساله ماست کنار بگذاریم و با فعالیت های اقتصادی جایگزین، بزرگترین تحول اقتصادی را رقم زد. بی تردید صنایع دانش بنیان می تواند این خلا را جبران نماید.

۴. استقامت در مواجهه با تکانه ها و فشارهای بیرونی به اقتصاد

در عصر کنونی که جهان مواجه است با آشفتگی اقتصادی،

ایران را در گام دوم انقلاب در عرصه بین المللی به عنوان پیشبران علم و دانش معرفی نمود و بستر تحقق تمدن نوین اسامی را فراهم کرد. این تعالی موردنظر و پیشرفت به هیچ وجه خیال پردازانه نیست؛ واقع گرایانه است. تجربه این چند سال هم همین را نشان می دهد پیشرفت کشور در بخش های مهم و دانش های نو و مؤثر در زندگی، بافاصله چند سال، پیشرفت چشمگیری بوده است؛ این نشان دهنده این است که استعداد و ظرفیت و آمادگی هست.

و استقلال اقتصادی پیش خواهد برد.

پیشرفت ها و دستاوردها در حوزه اقتصاد دانش بنیان

با وجود تحریم هایی که در سالهای اخیر کشور را دربرگرفت که تاکنون بی سابقه بوده اند، کشور پیشرفتهای زیادی را در حوزه اقتصاد مبتنی بر دانش به دست آورده است که نشان از تاب آوری اقتصاد ایران در بحرانی ترین شرایط را دارد؛ تولید واکسن در شرایط تحریم، پیشرفت علمی، صنعتی و فناوری در دوره فشارهای گوناگون المللی و به دست آوردن دانش در حوزه سلول های بنیادین پیشرفتهای عظیمی بودند که برای کشور حاصل گشته است. از دیگر دستاوردها، پیشرفت های فناوری نانو است که می توان بیان داشت که نانو یکی از مسائل مهم پیشرفت علمی و فنی کشور است. با تمرکز دولت بر اقتصاد دانش بنیان می توان جهشی در ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور ایجاد نمود که

درست اقدام شود، حاصل آن آسایش مردم و پیشرفت کشور خواهد بود. اگر ما دانش را پایه و زمینه اقتصاد کشور قرار دادیم منافع زیادی برای کشور و برای اقتصاد کشور خواهد داشت؛ هزینه ها را کاهش می دهد بهره وری را افزایش می دهد کیفیت محصول را افزایش می دهد در بازارهای جهانی، ما می توانیم از این محصولات به عنوان محصولات رقابت پذیر استفاده کنیم وقتی محصول داخلی کیفیت بهتری داشت، قیمت ارزانتری داشت، مردم طبعاً به آن اقبال میکنند؛ یک چنین خصوصیتی در تولید دانش بنیان وجود دارد.

اقتصاد دانش بنیان، ظرفیت های کشور را توسعه می دهد و منجر به جذب حداکثری نخبگان شده و دانش آموختگان کشور را در حوزه های مختلف جذب و دانش این قشر را با اشتغالشان پیوند خواهد داد و در نتیجه نخبگان را از اشتغال در مشاغل خدماتی کم ارزش، دور خواهد کرد. اقتصاد دانش بنیان و استفاده از فناوری ها و دانش روز در صنعت و رونق فضای کسب و کار افزون بر آنکه شکوفایی اقتصاد کشور و رشد شتابان اقتصاد را به همراه خواهد داشت، به پیشرفت عادلانه و حل معضل فقر کمک شایانی خواهد نمود. اقتصاد دانش بنیان به دلیل اتکا بر دانش بومی، موانع را دور زده و تهدیدها را به فرصت تبدیل خواهد کرد و با در دست گرفتن ابتکار عمل، موانع ناشی از تحریم های ظالمانه را مرتفع خواهد کرد و کشور را به سمت خودکفایی





وحید ترکاشوند

طلبه‌ی سیاسی، خیلی دور، خیلی نزدیک

ها و افراد در صحنه سیاست بسیار مهم است و به خاطر مختلف بودن افراد و صحنه‌ها باید صحنه‌های سیاسی را پیچیده تحلیل کرد و اگر کسی در جزئیات ورود نداشته باشد و افراد و جریان‌ها و پیوندها و نضج گرفتن گروهها و دگرذیسی‌های آنها را نشناسد، دچار اشتباهات فاحش می‌شود و مورد بهره‌برداری و سوءاستفاده واقع می‌شود.

۳. بدترین موضع‌گیری‌ها

شناخت اقتضائات عالم سیاست بسیار مهم است. گاهی بهترین و برجسته‌ترین علمای ما به حسب ظاهر وقتی به مسائل سیاست ورود پیدا می‌کنند، بدترین موضع‌گیری‌ها را دارند. به عنوان مثال تقابلی که بین شیخ فضل‌الله نوری و آخوند خراسانی و نائینی و ... در زمان مشروطه به وجود آمده است، قابل تأمل است. اشتباهات برخی علما و آسیب‌هایی که در اثر آن به وجود آمد، جای بررسی فراوان دارد. آیت‌الله بهجت در درس فرموده بودند یکی از علمای مشروطه گفته بود ۲۰ سال مبارزه کردیم تا استبداد را از سر مردم کوتاه کنیم در صورتی که بعدها فهمیدیم این نقشه‌ای بود برای خروج ایران از استعمار روسیه و آمدن تحت استعمار

افراد باصلاحیت در صحنه سیاست بسیار حساس است بنابراین باید به‌گزینش دقیق پرداخت و کسی را معرفی کرد که امتحان خود را پس داده باشد. درواقع باید افرادی را معرفی کرد، منتها از افراد به لحاظ ملاک‌ها دفاع کرد نه از اشخاص بما هو اشخاص و احزاب.

۲. شناخت زمین بازی

طلبه باید در صحنه سیاست عرصه کلی را ترسیم کند و دوست و دشمن و خطوط و احزاب را برای مردم روشن کرده و جریان کلی تاریخ و مقطعی را که ما در آن قرارگرفته ایم، روشن نموده و وظایف مردم و افراد آن صحنه را به همگان معرفی کند. حتی رد کردن افراد هم باید بااحتیاط باشد چراکه تأیید و یا رد کردن، گاهی فرعی و یا انحرافی است و موجب می‌شود از اصل مسیر بازمانیم. نمونه این نوع ورود به مسائل سیاسی را در مسئله دکتر شریعتی و کتاب شهید جاوید می‌بینیم. نوع برخورد امام با این دو مسئله نسبت به دیگران کاملاً متفاوت است لذا همانطور که ورود در بعضی مباحث واجب و قطعی است، ورود به برخی دیگر قطعاً اشتباه بوده و موجب می‌شود اصلی و فرعی و اولویت‌ها ملاحظه نشود. ورود به مسائل اختلافی گاهی موجب می‌شود مصلحت‌های بزرگتر فدا شود. شناخت زمینه

حدود و ثغور حضور سیاسی طلبه چه مقدار باید باشد؟ آیا صرف شنیدن اخبار و یا بررسی سایت‌های خبری کافی است؟ آیا باید سعی کند در ساختار قدرت دخیل باشد؟ آیا صرف شرکت در راهپیمایی و نماز جمعه کافی است؟ یا باید در مسائل ریز و جزئی و دقیق سیاست وارد شد؟ در چه حیطه‌هایی مجاز نیست؟ اولویتهای عالم سیاست کدام است؟ حد افراط و تفریط‌های ورود به سیاست چه مقدار است؟ آیا طلبه باید فرا حزبی باشد یا حزبی؟ آسیب‌های حضور علما در سیاست چیست؟ ملاک‌ها و اصول ورود در سیاست و تصمیم‌گیری در عرصه سیاست چیست؟ پاسخ به تمامی این سؤالات در این نوشته مقدور نیست لکن بیان چند نکته مهم خالی از لطف نیست.

۱. افراد یا ملاک‌ها؟

وقتی طلبه رهبر حرکت سیاسی و اجتماعی است، به راحتی نمی‌تواند به تأیید افراد مختلف بپردازد و یا به راحتی نمی‌تواند در هر گروهی وارد شود چراکه ممکن است مورد به‌ره‌برداری و سوءاستفاده افراد مختلف واقع شود. نوع حرکت طلبه نباید به دفاع از حزب و شخص منتهی شود بلکه باید دفاع از دین و در راستای رسالت دینی خود باشد. مردم به حرف علماء اعتماد دارند و آن را حجت بین خود و خدا می‌دانند. این وظیفه خطیر در معرفی



انگلیس. سیاست به خاطر ورود در جزئیات، تربیت و فهم و ملاک های خاص خود را می طلبد و اگر کسی این زیرکی را کسب نکرده باشد، قطعاً زمین میخورد. هم شناخت دوستان، هم شناخت دشمنان، هم شناخت افراد و احزاب و جریانات و هم شناخت زمانه و مصالح و اولویت ها بسیار مهم است. در سیاست همواره سیر تطمیع و تهدید را برای انحراف افراد به کار می گیرند و اگر تطمیع کارگر نباشد، با تهدید. اگر با اینها نتوانند کاری انجام دهند، سعی می کنند با فریب صحنه مقابل را غیر از آنچه هست وانمود کنند و مصلحت ها را به هم بزنند و دوست و دشمن را بالعکس جلوه بدهند و اصلی و فرعی با هم عوض شود. اینها در تعیین حدود و ثغور ورود طلبه بسیار مؤثر است.

۶. لحظه لحظه دینداری

سیاست در حقیقت لحظه به لحظه امتداد دینداری طلبه است. انگیزه و ورود اجتماعی طلبه باید امتداد دینداری و معنویت گرایی طلبه باشد. گاهی حتی در امتداد دین مداری وارد صحنه سیاست می شوند ولی با استدراج به سپاه دشمن می پیوندند، لذا لحظه به لحظه باید حق و باطل را در صحنه سیاست ملاک قرار داد و با تهذیب فوق العاده می توان در این مسیر مستدام و پابرجا ماند. اگر حد بالایی معنویت نباشد به خاطر مصلحت سنجی ها و ترس ها و فرسایش ها و... ریزش ها زیاد می شود.

۷. به آدمها نگاه کن

در صحنه سیاست شناخت آدم ها بسیار مهم است. یکی از علمای اهل سیاست می فرماید در همه جا به حرفها نگاه کن نه به آدمها ولی در صحنه سیاست اول نگاه کن چه کسی می گوید نه چه می گوید. اگر فرد را شناخته باشی، حرف او را و مقصود او را درست در می یابی. برای رسیدن به این توانایی و تشخیص صحیح باید از جزئیات مطلع بود و آنها را تحلیل کرد تا عقبه اشخاص و جریانات شناخته شود و مقصود حرفها و آدمها شناخته شود.

۴. حق یا مصلحت؟
 فضایی سیاست علاوه بر «حق» مقول هایی به نام «مصلحت» دارد که شناخت این که باید مصلحت سنجی کرد یا به مَرِّ حق عمل نمود، شناخت زمان و مکان و سیاست را می طلبد. عاقل آن نیست که خیر را از شر تشخیص دهد بلکه عاقل آن است که از میان دو شر آن که شر کمتری دارد را تشخیص دهد و ما بارها دیده ایم که بعضی به خاطر تن ندادن به یک شر به ورطه شر بزرگتری در صحنه سیاست می افتند. در صورت شناخت این مسائل حدود ورود طلبه به مسائل سیاست روشن میشود.

۵. حزبی شدن

از آنجاکه سیاست، صحنه ی تصمیم گیری های جزئی است و شیاطین جن و انس تا می توانند سعی در شبهه افکنی و غبارآلود کردن فضا دارند و صحنه ها را به نفع خود



مهدی درفش
حجت الاسلام و المسلمین
محمد رضا جوان آراسته

حجاب اجباری ، ترکیب دشمن پیروز کن

طراحی شده ، اساسا بستری برای دوقطبی سازی مخرب در جامعه است ، راهی برای دشمن سازی دوستان و درگیر کردن آشنایان با هم . این کلیدواژه فقط برای یک گروه ، کلیدواژه برنده است . فقط آن هایی که اساسا با مساله حجاب مخالف هستند . کسانی که اجباری یا اختیاری بودن و کامل یا ناقص بودن حجاب برای شان مهم نیست ، برای شان ضدیت با حجاب و نفی و حذف اصل حجاب مهم است . من به عنوان یک نویسنده از قدرت کلمه ها با خبرم ، می دانم واژه ها چقد می توانند پیام مخابره کنند ، می دانم عمق اثرگذاری کلمه ها در ناخودآگاه است و برای همین می گویم اساسا این ترکیب یک ترکیب دشمن پیروز کن است .

بیا بید این واژه را از ادبیات مان حذف کنیم . فعلا نمی گویم به جای کلمه (اجباری) که بار منفی دارد ، کلمه ای با بار منای مثبت بگذاریم ، من حتی به کلمه های خنثی هم راضی ام . بیا بید بگویم (حجاب قانونی) . خیلی وقت ها حرف های درست ما پشت سد کلمه های خراب ، خراب می شوند . کلمه ها را دست کم نگیرید .

که با جبرها لج می کنیم و خلاف شان را انجام می دهیم . درست و غلط بودن دیگر برایمان مهم نیست ، مهم این است که کسی می خواسته ما را مجبور به فلان کار کند ، ما از لج او ، درست نقطه مقابلش ایستاده ایم و کار خلاف میلش را انجام داده ایم . حالا دیگر معلوم است . وقتی جبر این طور برای آدم ها ناپسند است ، فقط کافی است کلمه (اجباری) را بگذارید کنار کلمه ای که می خواهید تبدیل به (ضد ارزش) بشود یا تبدیل بشود به یک امر (ناپسند) . (حجاب اجباری) این طور ترکیبی است .

مساله اش اصلا تلاش برای ترویج حجاب اختیاری نیست ، مساله زدن ریشه حجاب است ، ایجاد یک حس منفی در ناخودآگاه مخاطب و رقم زدن حس نفرت از شنیدن کلمه حجاب ، چون در کنار کلمه ای منفور آمده . ترکیب (حجاب اجباری) یک ترکیب بازنده است ، هر چه بیشتر تکرارش کنیم ، بیشتر باخته ایم . این ترکیب از یک جهت دیگر هم ترکیب خطرناکی است . از آن جهت که سریع آدم ها را به دو دسته کلیشه ای تقسیم می کند . دو دسته ای که حکم هر کدام از پیش معلوم است : آدم های عاقل و بشر دوست و متجدد همه مخالف حجاب اجباری هستند و آدم های خرافی و عقب مانده و امل همه موافق حجاب اجباری . این تقسیم بندی علاوه بر این که کاملا مغرضانه و هدفمند

من و شما چه موافق حجاب اجباری باشیم و چه مخالف ، بازنده ایم . بازنده ایم چون بازی را اصلا درست شروع نکرده ایم . ترکیب اشتباه (حجاب اجباری) هر جا که بیاید ، نه باید به نفعش شعار داد و نه علیه اش موضع گرفت . بهترین کار ندیدن این کلید واژه است ، رها کردنش ، بهترین مبارزه استفاده نکردن از این کد است .

اما مشکل ترکیب (حجاب اجباری) در چه چیزی است؟
من فعلا به اتفاق های میدانی کار ندارم ، فعلا فقط با کلمه ها کار دارم ، کلمه ها و منطق پنهانی که پشت شان نشسته و تاثیر ناخودآگاهی که بر مخاطب می گذارند .

ترکیب حجاب اجباری

بیا بید فعلا حجاب اجباری را نه یک رفتار حاکمیتی ، نه یک قانون ، نه یک اتفاق خیابانی ، بلکه یک واژه ببینیم . ترکیب حجاب اجباری ، ترکیب خیلی هوشمندانه ای است ، ترکیبی که حتی واژگانش هم آرایش جنگی دارند .

ما آدم ها معمولا با اجبار میانه خوبی نداریم ، حس می کنیم کرامت و انسانیت مان خدشه دار شده و اختیار را از ما گرفته اند . ما حتی خیلی وقت ها اگر بخواهیم کسی را مجبور به چیزی هم بکنیم ، ظاهر قضیه را طوری سامان می دهیم ، انگار که جبری در کار نیست . از طرف دیگر بعضی از ما گاهی رگ جبر ستیزی مان طوری بالا می زند

آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف

حجاب و پوشش در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهمترین فواید آن عبارتند از:

الف) فایده حجاب در بعد فردی:

یکی از فواید مهم حجاب در بعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است. در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرتهای بی بند و باز میان زن و مرد، هیجانها و التهابهای جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را بصورت عطش روحی و یک خواسته اشباع نشدنی در می آورد.

ب) فایده حجاب در بعد خانوادگی:

یکی از فواید مهم حجاب در بعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قویتر زن و شوهر، و در نتیجه استحکام بیشتر کانون خانواده می گردد، و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. (مسئله حجاب استاد مطهری)

یکی از نویسندگان تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، اینگونه بیان کرده است: در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است، مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد، و آنچه ریشه خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زن که بیست یا سی سالی در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوانتری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نا مناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد، و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است!

(غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۹-۷۰)

ج) فایده حجاب در بعد اجتماعی:

یکی از فواید مهم حجاب در بعد اجتماعی، حفظ استیغای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل بدحجابی و بی حجابی باعث کشاندن لذتهای جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می گردد. بدون تردید، فردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و... همواره با قیافه های محرک و مهیج زنان بدحجاب آرایش کرده مواجه باشد تمرکز نیروی کار او کاهش می یابد. اسلام می خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذتها پاک شده، و لذتهای جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود. (مسئله حجاب، استاد مطهری)

د) فایده حجاب در بعد اقتصادی:

استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه تیره در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می تواند از بعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد، البته به شرط اینکه خود چادر مشکی دستخوش این تقاضاها نگردد.



امیر محمد غلامی

جایگاه مردم در حکومت دینی در اندیشه حجت الاسلام و المسلمین میرباقری



در این جامعه‌ی انسان‌مدار، حق در روابط اجتماعی همان چیزی است که جامعه می‌پسندد و به تصویب و امضای اکثریت می‌رسد و حقیقت دیگری تعریف نمی‌شود که به عنوان منشور رأی پذیرفته شود. به تعبیر دیگر، منشوری که نظام رأی بر اساس آن شکل می‌گیرد حقوقی است که اکثریت آن را به رسمیت شناخته‌اند و لذا حق ولایت هم از قبل، برای کسی تعریف نمی‌شود، بلکه آنچه واقع می‌شود نوعی وکالت است؛ شخصی از طرف مردم وکیل می‌شود تا در آن مواردی که با رأی به او واگذار کرده‌اند اعمال تصرف و اعمال قدرت کند.

اساساً اولین مطلبی که در ساختار سیاسی جامعه و در فلسفه سیاسی خود باید تعیین کنیم و موضع قطعی و روشن خود را نسبت به آن اعلام نماییم، همین نکته است که آیا نظام سیاسی بر مدار عبودیت استوار است یا انانیت؟ فرض سومی هم وجود ندارد؛ یا انسان از بندگی خدای متعال آزاد است و بر این اساس، نظام اجتماعی را خودش معماری می‌کند، یا در معماری نظام اجتماعی، مقید به بندگی خدای متعال است.

برای شکل‌گیری قدرت و توسعه خلافت الهی، به لایق‌ترین شخص در سرپرستی جامعه دینی اعلام وفاداری کنند. این اعلام وفاداری به این معناست که توانایی و اختیار خود را در جامعه‌ای بر حول این ولی عادل به مشارکت می‌گذارند و حاضرند در هر مسیری که او تنظیم می‌کند، توانایی خویش را اعمال کنند.

تفاوت نظام بیعت و نظام رأی

در جامعه‌ای که بر اساس رأی شکل می‌گیرد منشور آن رأی، دین خدا نیست، بلکه حداکثر، یک قانون مردمی مثل قانون اساسی و حقوق اساسی است که با تصویب اکثریت، اعتبار پیدا کرده است. مردم بر اساس آن قانون اساسی به کسی رأی می‌دهند و او را وکیل می‌کنند که در محدوده‌ای که این قانون اساسی به او اختیار می‌دهد، از ناحیه مردم حق تصرف داشته باشد؛ چون اصل حق تصرف و ولایت در این نظام، به خود مردم بر می‌گردد. نظام و جامعه‌ای که در آن، حق بر مدار خود انسان‌ها تعریف می‌شود و هیچ حقی ورای انسان تعریف نمی‌شود تکلیفی ندارد و هر چه هست حق خود انسان‌ها است.

یکی از مباحث مهم در نظام مردم‌سالاری دینی این است که جایگاه مردم یا ملت، یا به تعبیر بهتر امت، که دارای هویتی دینی و الهی است، در حکومت دینی چیست؟ تردیدی نیست که بیعت امت در شکل‌گیری قدرت دینی مؤثر است و بدون آن، قدرت دینی، تحقق اجتماعی پیدا نمی‌کند؛ یعنی تشکل و پیدایش یک جامعه دینی، منوط به بیعت امت است، ولی سؤال این است که آیا مشروعیت قدرت و ولایت و تصرف هم به بیعت برمی‌گردد؟

جایگاه «بیعت» در حاکمیت دینی

نقش امت در شکل‌گیری حکومت دینی از طریق بیعت است نه رأی. اگر به صورت انتزاعی نگاه کنیم، ممکن است بیعت و رأی، تشابهاتی با هم داشته باشند ولی فرقی اساسی بین آن‌ها وجود دارد. تفاوت جوهری رأی با بیعت در این است که رأی، عموماً بر اساس میل و پسند و هوی شکل می‌گیرد که در نظام سیاسی دیگری قابل تعریف است؛ اما بیعت، اعلام وفاداری است که بر اساس تکلیف و وظیفه عبودیت نسبت به خدای متعال انجام می‌گیرد. مؤمنین مکلف‌اند

تصرفات او مشروع نبوده است و تبعیت از او هم مشروع نخواهد بود. روشن است که مشروعیت در اینجا به معنای مشروعیت فقهی است نه مشروعیت سیاسی؛ زیرا مشروعیت سیاسی با آراء اکثریت درست می‌شود که این همان مبنای دموکراسی است. بحث حاضر، در دموکراسی و مشروعیت سیاسی نیست، بلکه در مشروعیت فقهی در جامعه دینی است که می‌خواهد بر مدار تکلیف شکل گیرد؛ و چنانکه گفته شد در این رویکرد، مشروعیت فقهی به رأی محقق نمی‌شود و رأی، شرط کافی برای آن نیست. برخی از بزرگان گفته‌اند چنانچه در جامعه‌ای، حکومت دینی شکل گرفته باشد و انسان‌های متعددی با ضوابط حق حاکمیت وجود داشته باشند، ولی بر اساس ساختار و قوانین اجتماعی، جامعه با یکی از این‌ها بیعت کند؛ او بر مدار قدرت می‌نشیند و این مجرای قانونی، مجرای دینی است. به نظر می‌رسد در اینجا تعبیر به «رأی»، باز مسامحه است. درست است که در این نگاه، جامعه و امت با فردی بیعت می‌کند اما این بیعت هم در مشروعیت فقهی دخالت ندارد؛ یعنی قبل از بیعت، حق حاکمیت برای این فرد جعل نشده بود اما خدای متعال حق حاکمیت را برای آن انسانی جعل می‌کند که مورد بیعت باشد و جامعه با او بیعت کرده باشد.

در واقع، بدون بیعت، حق حاکمیت جعل نمی‌شود اما خود بیعت هم شرط کافی برای مشروعیت نیست. بیعت، موضوع جعل حق حاکمیت را درست می‌کند؛ مشروط به اینکه بر مدار ضوابط بیعت، جامعه به یک شخص قابل و شایسته و صالح

قدرت در جامعه، به امت قوام دارد و بدون حضور امت، قدرتی شکل نمی‌گیرد. امت اگر بیعت نکند یا بیعت خود را بردارد، یا قدرت شکل نمی‌گیرد و یا دوام پیدا نمی‌کند. اما یک نکته دیگر هم در این فرهنگ، مسلم و قطعی است و آن اینکه اساس مشروعیت به مفهوم فقهی (نه به مفهوم سیاسی) به بیعت بر نمی‌گردد، یعنی این گونه نیست که چون مردم با کسی بیعت می‌کنند، این بیعت، شرط کافی برای حقانیت او باشد و تبعیت از او را وظیفه شرعی قرار دهد و مقتضای تکلیف، تبعیت از او باشد. اگر مدار حقانیت، خدای متعال است نه خود امت، در این صورت نه ولی، مدار حقانیت است نه امت، بلکه مدار حقانیت، خدای متعال است و لذا مشروعیت به بیعت تمام نمی‌شود؛ یعنی صرف بیعت کردن، تنفیذ حکم نمی‌آورد. بلکه در نهایت آنچه تنفیذ می‌آورد، امضای خدای متعال یا به تعبیر بهتر، حق تصرفی است که خدای متعال به ولی می‌دهد و چون خدای متعال به او حق حاکمیت و حق تصرف داده است، تصرفات او مشروع می‌شود.

به عبارت دیگر، چون مدار حکومت دینی و اساس قدرت در چنین جامعه‌ای، به عبودیت بر می‌گردد و بناست جامعه در انجام وظایف خود بر اساس تکلیف عمل کند، مشروعیت این حق حاکمیت، به جعل حاکمیت از طرف خدای متعال است و اوست که حق حاکمیت را جعل می‌کند و الا در پایان کار، اگر یک بیعت صد درصد تام و تمام هم اتفاق بیفتد ولی جعل حق سرپرستی از طرف خدای متعال در کار نباشد و خدای متعال او را ولی اجتماعی قرار ندهد،

بنابراین، اولین تقسیم‌بندی نظامات سیاسی همین است و تقسیم‌بندی‌های بعدی مثل استبدادی و غیراستبدادی و دیگر تقسیم‌بندی‌هایی که منجر به تعریف ده‌ها نوع حکومت شده است، همه بر مدار و در امتداد همین تقسیم اولی قرار دارند. جامعه‌ای، خود را بنده خدا می‌داند و در همه شئون خود از جمله در رویکرد به رفتار سیاسی و تصمیم‌گیری برای نظام اجتماعی، عبودیت را مبنا قرار می‌دهد و جامعه‌ای دیگر، در رویکرد به نظام سیاسی از عبودیت فارغ است و کاری با خدای متعال ندارد و خودش را مدار تصمیم‌گیری در حوزه نظام سیاسی جامعه می‌پندارد.

بنابراین، بیعت در زیربنای خود تفاوت اساسی با رأی دارد و طبیعتاً ساختارها و نظام‌های آن هم با رأی متفاوت می‌شود؛ نحوه تجسد و تبلور بیعت هم با تبلور رأی متفاوت است. در حقیقت، رأی تبلور هوای اجتماعی است ولی بیعت، تجسد انجام وظیفه در حوزه تصمیم‌گیری سیاسی است و به معنی وفاداری نسبت به شایسته‌ترین انسان‌ها در سرپرستی جامعه بر مدار توسعه عبودیت است؛ یعنی با او بیعت می‌کنند که او عبودیت را توسعه دهد؛ چون سرپرستی توسعه اجتماعی باید در خدمت توسعه عبودیت باشد.

بیعت مردم و جعل حق الهی، شروط لازم تحقق حاکمیت دینی این بیعت، در پیدایش جامعه دینی سهیم است. تا وقتی مردمی چنین احساس تکلیفی نکنند و بر اساس تکلیف و با تکیه بر ضوابط تعریف شده و معین، با شایسته‌ترین فرد بیعت نکنند جامعه دینی شکل نمی‌گیرد. تردیدی نیست که تحقق

رو کند وگرنه اگر جامعه اسلامی از ضوابط بیعت عدول کرد، مثلاً از بیعت با فقیه عادل عدول کرد و رأی به شخصی داد که نه فقاقت دارد و نه عدالت، در این صورت بیعت موضوع جعل حق حاکمیت هم درست نمی‌کند. به هر حال، هم در شکل‌گیری قدرت، هم در بقاء و دوام قدرت، بیعت مردم سهیم است. مردم بیعت می‌کنند، اما از یک مجرای خاص مشخص و مدون، مکلف به بیعت با شایسته‌ترین انسان‌ها هستند و بعد هم مکلف‌اند در صورتی که ولی اجتماعی از ضوابطی که منشور بیعت بوده است، عدول کرد، بیعت خود را بردارند. تشخیص و تعیین این هم بر اساس ضوابط مدون و مشخصی است که هماهنگ با فقه و وحی باشد؛ چون هم فقیه و هم امت، بنده خدای متعال هستند؛ یعنی در صبغه عبودیت، فقهی که مدار حکومت اجتماعی است با مردمی که با او بیعت می‌کنند یکی هستند.

هم او بر اساس تکلیف بیعت را می‌پذیرد و هم مردم و امت بر اساس تکلیف با او بیعت می‌کنند. هم قبول سرپرستی و هم اعلام پذیرش سرپرستی، هر دو بر اساس تکلیف است. امام خمینی (رض) که مبتکر ولایت فقیه در شکل قدرت اجتماعی بودند، تأکید می‌فرمودند که ولایت مطلقه فقیه، نه وکالت است و نه مقید. همچنین می‌فرمودند که مردم، ولی نعمت ما هستند و ما خادم آن‌ها هستیم؛ یعنی مردم را بنده خدای متعال می‌دانستند و این‌گونه نبود که این دو رکن در تئوری ایشان متناقض باشد. وقتی ولی فقیه بیعت را می‌پذیرد بر اساس عبودیت، بیعت را می‌پذیرد نه بر اساس

انانیت؛ و او برای سرپرستی جامعه و خدمتگزاری، تکلیف پیدا می‌کند و مکلف است که به بهترین شکل جامعه را به صلاح آن نزدیک کند و این‌گونه نیست که حاکم دینی از توجه مردم به خودش ارتزاق کند و مبتهج باشد؛ چون این امر، خلاف مراحل تکامل تقواست.

تفاوت جمهوریت اسلامی و جمهوریت مدرن

برخی در گذشته اشکال کردند که ولایت فقیه به معنی حق حاکمیت فقیه است که او حق تصمیم‌گیری در همه حوزه‌ها را دارد، به عکس جمهوریت که به معنی حق حاکمیت مردم است و طبیعی است که این دو با هم جمع نمی‌شوند؛ پس جمهوری اسلامی که جمهوریت در آن اصل شناخته شده است، با ولایت فقیه که به معنی حاکمیت فقیه است، قابل جمع نیست. گفته شده است که این تناقض موجب عدم معقولیت و عدم مشروعیت این نظام است؛ یعنی تناقض در محتوای این نظام موجب می‌شود که نه معقولیت سیاسی داشته باشد و نه مشروعیت اجتماعی و نه مشروعیت دینی! به دنبال آن هم اظهار نظر کردند که اگر دنیا هم این نظام را به رسمیت شناخته است به خاطر این است که متوجه عدم معقولیت و مشروعیت آن نیست. باید یادآوری کرد که حکومت دینی اگر بخواهد به مفهوم واقعی تحقق پیدا کند، می‌بایست ساختارهای سیاسی متناسب با خود را تولید کند. حضور مردم در این نظام سیاسی بر پایه عبودیت است و طبیعتاً مفهوم آن، حضور در بیعت است نه حضور به معنی حق حاکمیتی که در غرب گفته می‌شود. در جمهوریت مدرن هیچ حقی در روابط اجتماعی حاکم

نیست مگر حقی که مردم بپسندند. پسند مردم مبنای حقانیت در روابط اجتماعی است.

آن‌ها خدا را هم العیاذ بالله ساخته و مخلوق پندار انسان می‌دانند نه اینکه انسان را مخلوق خدای متعال بدانند؛ و طبیعی است در شیوه مدرن که بر پایه حق آحاد است این حق طبیعی با یک قرارداد اجتماعی، شکل اجتماعی پیدا می‌کند و حکومت بر پایه این قرارداد اجتماعی تحقق پیدا می‌کند و مبنای حقانیت می‌شود. لکن در حکومت دینی، هرگز قرارداد اجتماعی مبنای حقانیت نیست؛ چون عبودیت اصل است و حقانیت حکومت به تبعیت از خدای متعال و تعبد به وحی باز می‌گردد. البته مردم در اینکه اصل حکومت دینی - و اساس پیوند زدن بین سعادت و معیشت - را بپذیرند، آزاد هستند. آن‌ها آزادند که در پی تشکیل یک حکومت باشند که آن نظام، بسترهای اجتماعی را در مسیر توسعه تعبد خدای متعال قرار دهد. این آزادی تکوینی، محفوظ است اما این به این معنا نیست که اگر مردم اشتباه انتخاب کردند، ربطی به سعادت اخروی آنان ندارد و به شقاوت اخروی منتهی نمی‌شود. بر اساس بینش کلامی، آزادی در انتخاب وجود دارد و این آزادی، به آزادی در انتخاب سعادت و شقاوت بر می‌گردد و اگر مردم در حیات اجتماعی خودشان مسیر سعادت را که مسیر پرستش خدای متعال است انتخاب کردند، معنایش این است که حکومت دینی را پذیرفته‌اند و باید با ساختار حکومت دینی هماهنگ شوند. این حضور به معنای بیعت و به معنای حضور در شکل‌گیری نظام سیاسی بر مبنای وحی است، نه به معنای جمهوریت غربی که با ولایت فقیه ناسازگار باشد.



علیرضا زوراه ای

گزارشی اجمالی از دستاوردهای سی امین سفر استانی رئیس جمهور و هیئت دولت به پایتخت تاریخ و تمدن ایران

پرتو شخصیت ارزشمند آنها همواره فیض برده و حضورشان در مقاطع مختلف تاریخی تاثیرگذار بوده است.

همچنین ایشان اظهار داشتند: همدان استانی تاریخی و تمدنی است و یادآور رشادت هشت هزار شهید استان همدان و بیش از ۲۷ هزار جانباز و ایثارگر بوده و برای بنده و دولت باعث افتخار است که به خانواده معزز شهدا و ایثارگران استان عرض ادب و احترام کنیم.

بعد از مصاحبه در فرودگاه رئیس جمهور به شهرستان کبودرآهنگ رفتند و در پایگاه شکاری شهید نوژه نیروی هوایی ارتش حضور

یافتند و ضمن بازدید از بخش‌های مختلف در جمع کارکنان و خانواده پرسنل نیروی هوایی پایگاه نیز سخنرانی کردند. ایشان در این سخنرانی بیان کردند: همه باید بدانند که کوچکترین تعرض به ایران اسلامی با پاسخ شدید و پشیمان کننده ما مواجه خواهد شد. در مسیر حرکت به سوی شهرستان

و جمعی از مدیران دستگاه‌های اجرایی وارد فرودگاه همدان شدند. استان همدان با جمعیتی حدود یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر و مساحتی به وسعت ۱۹۵۰ هزار هکتار که دارای ده شهرستان تابعه و ۱۱۰۰ روستا می باشد. استان همدان دارای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های رشد و توسعه از جمله



در صنعت گردشگری، کشاورزی، معدن، نیروی انسانی، علمی و آموزشی و فرهنگی است. ریاست جمهوری در بدو ورود به فرودگاه همدان در مصاحبه با خبرنگاران بیان کرد: استان همدان مهد حکیمان، عالمان، شاعران و فرزندان بسیاری است و نه فقط استان بلکه کشور و جهان اسلام در

رئیس جمهور در چندماهه اخیر و از ابتدای فعالیت دولت سیزدهم ضمن یک سفر به شهرستان‌های استان تهران، به ترتیب به استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، فارس، اردبیل، سمنان، زنجان، لرستان، یزد، قم، هرمزگان، گیلان، گلستان، مازندران، خراسان رضوی، البرز، قزوین، آذربایجان غربی، خوزستان (سفر سرزده به آبادان / متروپل)، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، خراسان شمالی، کردستان، کرمانشاه و مرکزی سفر کرده است.

استان همدان

سی امین مقصد سفرهای استانی رئیس جمهور و هیات دولت بود. رئیس جمهوری اسلامی ایران صبح روز پنج شنبه ششم مرداد سال ۱۴۰۱ با استقبال رسمی نماینده ولی فقیه در استان حبیب الله شعبانی، استاندار همدان علیرضا قاسمی فرزند و فرماندهان نظامی و انتظامی، اعضای شورای تامین

نقش آفرین هستند.

رئیس دولت سیزدهم در انتقاد به مشکلات و نابسامانی ها در جلسه شورای اداری در استان همدان تشکیل شد بیان کردند: صنایع نظامی کشور در این سالها به دلیل وجود توانایی، انگیزه، اندیشه و کار انقلابی و بهرغم اعمال تحریم های ظالمانه دشمنان، پیشرفت بسیار چشمگیری داشته و این

درحالی است که در خودرو سازی موفق نبوده ایم. برش استانی سند ملی نقشه مهندسی فرهنگی استان همدان در شورای اداری استان با حضور رئیس جمهور، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و جمعی از اعضای هیئت دولت برگزار شد نیز رونمایی گردید. رئیس جمهور در جریان سی و یکمین سفر استانی هیئت دولت به استان همدان تأمین اعتبار و اجرای



دکتر رئیسی در ادامه سفر استانی همدان پس از شهرستان کبودرآهنگ سالن ورزشی شش هزار نفری شهید سلیمانی شهر همدان وارد شدند که مردم پرشور با حضور گسترده و باشکوه از ساعتها قبل منتظر حضور رئیس جمهور بودند. رئیس جمهور در سخنرانی در بین مردم همدان بیان کردند: تعهد اشتغال استان همدان در سال جاری ۲۷ هزار شغل است که از مدیران

کبودرآهنگ رئیس جمهور متوجه حضور مردم و ابراز احساسات آنها شدند و بلافاصله از راننده خواستند که برای حضور در جمع مردم توقف کند. ایشان پس از حضور در پایگاه نوژه وارد شهرستان کبودرآهنگ شدند و در سخنانی در این شهرستان گفتند: با توجه به اینکه مهمترین مولفه قدرت در کشور ما مردم هستند، هر کس برای توانمند تر کردن کشور حرکت کند تولید قدرت کرده است.

در ادامه بازدید از شهرستان کبودرآهنگ توسط رییس دولت سیزدهم کیشان به صورت سرزده وارد روستای کردآباد شهرستان کبودرآهنگ شدند که اهالی روستا به محض اطلاع از حضور ایشان با شور و اشتیاق و استقبالشان آمدند و با سر دادن شعارهای انقلابی نسبت به وی و دولت مردمی سیزدهم ابراز احساسات کردند. آیت الله رئیسی در جمع مردم روستای کردآباد مطرح کردند: مبنای دولت حمایت از تولید و تولیدکنندگان است و توجه ویژه به این بخش داریم.



۱۷۹ طرح و پروژه در حوزه های مختلف عمرانی و اقتصادی در استان همدان را تصویب کرد. ریاست جمهوری اسلامی ایران در پایان سفر استانی خود در پنجشنبه شب در نشست خبری پایان برنامه های سفر یک روزه خود به استان همدان افزود: طرح های مصوب در سفر استانی به همدان شامل ۳۵ طرح زیربنایی، سه پروژه حوزه آب، خاک و کشاورزی، ۲۵ طرح بهداشتی و درمانی، ۷۹ طرح فرهنگی، ورزشی و گردشگری، ۳۳ طرح مرتبط با اشتغالزایی و ۲ طرح صنعتی و معدنی است.

همچنین ایشان بیان کردند: طرح آبرسانی به شهر همدان (انتقال از سد تالوار)، بازسازی و اجرای ۳۲ رشته قنات، تکمیل شبکه های فاضلاب شهرهای همدان، ملایر نهاوند، بهار تویسرکان و اسدآباد، تکمیل تصفیه خانه های همدان و شهرک های صنعتی، پروژه آبرسانی به شهرهای ملایر، تویسرکان و دیگر مناطق، تکمیل سد خرم رود و تکمیل مجتمع های آبرسانی روستایی مناطق مختلف استان نیز از دیگر طرح های مصوب سفر هیات دولت به استان همدان است.

و در نهایت سفر استانی رئیس جمهور پنجشنبه شب به اتمام رسید و ایشان همدان را ترک نمودند. در جریان سفر ریاست جمهوری و هیئت همراه ایشان وزرا و معاونین مختلف رئیس جمهور به بازدید، سخنرانی، افتتاح پروژه و حل مشکلات مربوط به دستگاه های اجرایی خود پرداختند.





سوی کانال پشرو هش

- چکیده مقالات برتر سیزدهمین جشنواره علامه حلی
- معرفیس کتاب با موضوع اربعین حسینی
- معرفی تازه های کتاب اساتید و طلاب



چکیده مقالات برتر سیزدهمین جشنواره علامه حلی (ره)



رابطه امر به معروف و نهی از منکر با تغییر نظام سیاسی از دیدگاه تفاسیر برگزیده فریقین

علیرضا یوسفی راستگو

چکیده:

امر به معروف و نهی از منکر از مهم-ترین فرایض دینی است که در آیات متعددی از قرآن کریم و روایات فراوانی از پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین (ع) به اهمیت و جایگاه رفیع آن پرداخته شده است. این فریضه الهی اگر اجرایی شده و در صحنه اجتماع وارد شود؛ ضامن اجرای همه خوبیها(معروفات) و مانعی برای شکل گیری بدی ها(منکرات) در جامعه خواهد بود. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و با رویکرد تطبیقی به مسأله امر به معروف و نهی از منکر نگریسته و از طریق مطالعه منابع و متون، آیات قرآنی مورد نظر را استقصاء نموده و سپس با مراجعه به تفاسیر شیعه و سنی آن-ها را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار می دهد. سئوالات اصلی این مقاله عبارتند از:

۱- تغییر و براندازی نظام سیاسی به عنوان یکی از مراتب نهی از منکر در نگاه مفسران شیعه و اهل سنت چه جایگاهی دارد؟ ۲- آیا در بین مفسرین اسلامی با مشرب های مختلف فکری، نگرش اجتماعی- سیاسی به این فریضه متحد به چالش کشیدن نظام سیاسی مستقر، وجود دارد؟

با توجه به بررسی صورت گرفته برخی از فرق اسلامی با اتکاء به این فریضه می توانند حاکمیت مستقر را به چالش کشیده و به تغییر نظام سیاسی اقدام نمایند. و در دیدگاه تفسیری برخی از علمای جهان اسلام، نگرشی اجتماعی- سیاسی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، متحد به چالش کشیدن نظام سیاسی مستقر، وجود دارد. کلیدواژه ها: امر به معروف، نهی از منکر، تغییر، نظام سیاسی، تفاسیر برگزیده، فریقین.



بایسته های اخلاقی پوشش از نگاه دین اسلام

حمید رضا مهربانی

چکیده

حجاب، اصطلاحی دینی به معنای پوشاندن برخی از نقاط بدن زنان و مردان در شریعت اسلامی میباشد. حجاب در ادیان و اقوام پیش از اسلام وجود داشته و آیاتی در قرآن و احادیثی از ائمه(ع)، از وجوب و اهمیت آن سخن گفته اند. واژه حجاب در قرآن کریم هفت بار تکرار شده است. پوشش، بر مبنای طبیعت نخستین آدمی استوار است و افزون بر آن، در دین ها و فرهنگ های مختلف اجتماعی نیز به آن بسیار توجه شده است. اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی، برای تأمین سعادت انسان، بر مسئله حجاب تأکید فراوان دارد و آن را در سعادت فردی و اجتماعی مؤثر می داند. رعایت پوشش در محیط خانه و خانواده، نقش مهمی را در شکل گیری باورهای فرد درباره پوشش ایفا می کند. مقصود از پوشش، تنها حجاب برای زن نیست، بلکه تمام اعضای خانواده باید پوشش مناسب و اسلامی داشته باشند و از این راه حرمت یکدیگر را پاس بدارند. هم اکنون این سوال مطرح می شود که بایسته های اخلاقی حجاب و پوشش از نگاه دین اسلام چیست؟ مسئله پوشش و حجاب در علوم و رشته های مختلفی بررسی شده اما نگارنده در این تحقیق قصد دارد مسئله حجاب را از منظر علم اخلاق مورد بررسی قرار دهد. روش این تحقیق به صورت تحلیلی میباشد که به صورت کتاب خانه-ای جمع آوری شده است. امید است این تحقیق در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تاثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: بایسته ها، اخلاق، پوشش، دین، اسلام، عفاف، حیا



بررسی راه های عملی تهذیب در قرآن و نهج البلاغه

فرشاد محمد پور

چکیده

یکی از مقاصد و اهداف قرآن فراخواندن به تهذیب نفس است، که رستگاری انسان در دنیا و آخرت جز به وسیله آن ممکن نیست. نفس انسان مستعد آن است که دنبال فسق و فجور برود و خود را پلید و آلوده گرداند. در عین حال، استعداد تقوا و پرهیزکاری را نیز دارد و می‌تواند که آن-را تهذیب کند و پاکیزه گرداند. این مسئولیت انسان است که با استفاده از عقل و اراده خویش یکی از آن دو راه را انتخاب کند: یا راه پاکی و رشد و تعالی، یا بیراهه آلودگی و رکود و عقب‌ماندگی. باید دانست که تهذیب جز به فضل و توفیق خداوند میسر نمی‌شود؛ اما در عین حال، به تلاش انسان احتیاج دارد؛ تحقق این هدف مشروط به جهاد و کوشش فراوان است؛ برای همین در پژوهش حاضر به بیان راهکارهای عملی تهذیب نفس از منظر قرآن و نهج البلاغه پرداخته شده است. پژوهش حاضر به بیان راهکارهایی برای تهذیب نفس در دو منبع مهم دینی یعنی قرآن و نهج البلاغه می‌پردازد. هدف این بوده که با بیان این موارد از این دو کتاب ارزشمند باعث خودسازی بهتر انسان شود. از مهمترین نتایجی که از این پژوهش به دست آمده این است که برای قدم گذاشتن در این راه ابتدا انسان باید در خود مقدماتی را فراهم کند و مراحل را طی کند، از جمله تخلیه، تجلیه، و ... عواملی نیز بر این راه تأثیر دارد مانند: توفیق الهی، رهبران شایسته. در قرآن به راهکارهای بسیاری برای تهذیب اشاره شده که مهمترین آن‌ها تقوی، نماز، شب زنده‌داری، ذکر و ... می‌باشند. در کنار قرآن از نهج‌البلاغه نیز در این پژوهش استفاده شده که مهم‌ترین این راهکارها عبارتند از تذکر، توکل، صبر، مجاهدت و ریاضت و ... ، در کنار این موارد بهترین نتیجه‌ای که می‌توان به دست آورد این است که مسلمانان از عمل به دستورات این دو کتاب آسمانی غافل نباشند و در مسئله مهم تهذیب نفس و خودسازی از دستورات این کتب استفاده نمایند. واژگان کلیدی: تهذیب و تزکیه نفس، قرآن، نهج البلاغه



بررسی هدف شناسی فضای نزول و تناسب آیات سوره مبارکه احزاب

امیرمحمد غلامی / طلبه پایه دوم حوزه علمیه سفیران هدایت علویون همدان.

چکیده

قرآن کریم ، مجموعه ای گرانبها است که آیاتش در زمانی خاص و مناسب و شان نزول خاص ، نازل و به دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با نظم ویژه-ای کنار هم چیده شده است. از این رو هر کدام از آیات آن، تناسب سور موجود آن، هدف و غرض خاصی را دنبال می-کنند که مد نظر شارع مقدس از نزول این آیات بوده است. در این نوشتار که با روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه نقلی تفسیری سامان پذیرفته است، به این سوال جواب داده است که اهداف و اغراض محتوایی سوره مبارکه احزاب و با نگاهی به تفاسیر مطرح شیعه، همچنین نظرات قرآن پژوهان معاصر چیست؟ از یافته های پژوهش حاضر چنین استدلال می شود که مهمترین اغراض و اهداف محتوایی سوره احزاب به مقوله ولایت پذیری و پیروی صادقانه از رهبر الهی اشاره کرد. به نوعی که می-توان مقوله اطاعت بی قید و شرط از رهبر الهی را روح حاکم بر فضای نزول این سوره قلمداد کرد.

کلیدواژه : سوره احزاب، تناسب آیات، اهداف محتوایی، رهبر الهی، ولایت پذیری



تحلیل آموزه های اخلاقی و اعتقادی قرآن مجید با نکیه بر سوره های قیامت و انسان

علی گروسی / طلبه سطح ۳ حوزه علمیه آخوند (ره)

چکیده:

حقیقت انسان ترکیبی از باورها و رفتارهاست که باورها سازنده حقیقت و جهت دهنده رفتارهای اوست. هر انسانی با نکیه بر باورها و اعتقادات مسیر زندگی خویش را تعیین کرده و به رفتارهای خود جهت می‌دهد. باور حق زمینه‌ساز سعادت انسان و باور باطل زمینه‌ساز انحراف و تباهی آدمی خواهد بود. از این‌روست که در همه ادیان آسمانی و حتی غیر آسمانی به مسئله اعتقادات اهمیت ویژه‌ای داده شده و آن را رکن آیین خویش قرار داده‌اند. در اسلام نیز از اعتقادات با عنوان اصول دین یاد می‌شود که هر فرد مسلمان پیش از پرداختن به فروع دین باید به بررسی و تحلیل اصول دین پرداخته و از روی دلیل و استدلال آن‌ها را بپذیرد. در آیات بسیاری از قرآن کریم به ویژه سوره های مکی به آموزه های اعتقادی و اخلاقی مهم دینی از جمله توحید، نبوت، امامت، معاد اشاره شده است. تحلیل صحیح این آیات راهی مطمئن برای شناخت درست آن اصول خواهد بود. نگارنده آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی سوره های مکی «قیامت و انسان» را استخراج و مورد تحلیل و بررسی قرار داده است و با مراجعه به تفاسیر و روایات، آموزه ها و اعتقادات فردی و خانوادگی و اجتماعی از جمله بحث وجدان آدمی، باور به رستاخیز، مسئله امامت، معنای زهد، بایستگی وفای به نذر، چرایی و چگونگی برپایی قیامت، وفای به پیمان، مفهوم ایثار، اهمیت صبر را بررسی کرده است. البته منظور نگارنده از مباحث اعتقادی در این نوشتار فقط اصول و فروع دین نبوده، بلکه همه باورهای یک مسلمان اعم از اصول و فروع و کلیه مباحثی را که یک مسلمان به آن معتقد است را مورد بررسی قرار داده است. در سوره «قیامت» بیشتر به مسئله معاد و در سوره «انسان» به مسئله امامت پرداخته شده است. بر این اساس این رساله با روش نقلی-حیاتی سامان یافته که روش داده پردازی آن- توصیفی- تحلیلی است و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، نرم افزارهای علوم اسلامی و سامانه های اینترنتی در چهار فصل و چندین نوشتار تدوین شده است. فصل یکم درباره کلیات مفاهیم است؛ و فصل دوم، سوم و چهارم به ترتیب به بررسی آموزه های اخلاقی و اعتقادی فردی، خانوادگی، اجتماعی در سوره های قیامت و انسان پرداخته است. خواننده با مطالعه این رساله باورهای اعتقادی خود مخصوصاً مساله معاد و امامت را مستحکم نماید.

کلید واژگان: آموزه های اخلاقی و اعتقادی قرآن کریم، سوره های قیامت و انسان، باور به رستاخیز، وجدان آدمی، صبر، ایثار، زهد.



مقایسه مفهوم منفعت ملی در گفتمان های سیاسی پس از انقلاب اسلامی در ایران

رضا بهرامی فرزانه / ۱. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه آخوند (ره) و دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی تهران

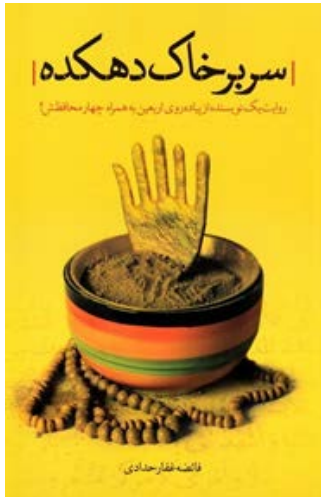
چکیده:

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و روی کار آمدن دولت های پس از انقلاب، شاهد شکل گیری جهت گیریهای مختلفی در حوزه سیاست خارجی هستیم که این امر متأثر از عوامل مختلفی است. منفعت ملی یکی از اساسی ترین مفاهیمی است که سیاست خارجی هر کشور بر اساس آن پایه ریزی می شود و تعریف از این مفهوم در جهت گیری های سیاست خارجی و در نتیجه ای که در این حوزه گرفته می شود تاثیرگذار است. در این زمینه سئوالی که مطرح می شود این است که چه فرآیندی از ثبات و تحول و چه رابطه ای از همگرایی و واگرایی در گفتمان های سیاسی پس از انقلاب حول مفهوم منفعت ملی حاکم بوده است؟ نگارندگان بر این باورند که تعریف مفهوم منفعت ملی به مثابه اصلی ترین اولویت های مطرح در سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی دارای رویه ثابتی در گفتمان های پس از انقلاب اسلامی نبوده و بالتبع با تغییر گفتمان ها اولویت بندی خارجی نیز دستخوش تحولات و تغییرات شده است.

واژگان کلیدی: گفتمان سیاسی، منفعت ملی، اولویت خارجی، انقلاب اسلامی، سیاست خارجی



معرفی ۵ کتاب با موضوع (اربعین حسینی)



۲- سر بر خاک دهکده

سر بر خاک دهکده؛ روایت سفر فائزه غفار حدادی (نویسنده کتابهای خط مقدم، یک محسن عزیز و دهکده خاک برسر) از پیاده روی اربعین است که در قطع رقعی و ۱۶۸ صفحه به رشته تحریر در آمده و توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار نشر شده است. کتاب سر بر خاک دهکده روایت سفر یک بانوی نویسنده با چهار بادیگارد قذبلندش از پیاده روی اربعین است. زنی که روزی به دهکده خاک بر سر سفر کرده حالا دوست دارد سر بر خاکش بگذارد. دهکده ای که شهردارش همان علمدار کربلا است. از سفری می نویسد که سراسر رحمت است و جذبه، رحمتی واسعه از سفره ارباب که در عالم پهن شده و جاذبه ای مغناطیسی که کل عالم را به خود مجذوب کرده است. این کتاب روایتی است جذاب و

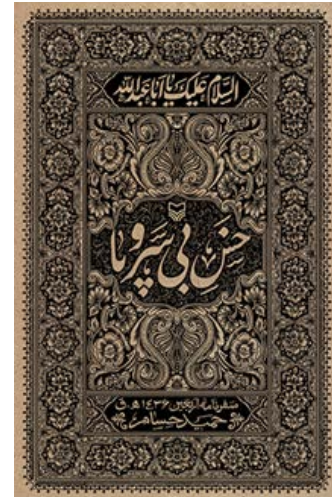
در سنگرها و خاکریزها به تحلیل این بیت می‌پرداختند به شهادت برسند و ما بمانیم و روزگاری را ببینیم که سیل جمعیت مشتاقانه به دریا روانه هستند و به کانون معنویت که همان کربلا معلی است، خود را برسانند.

در بخشی از این سفرنامه معنوی آمده است:

کنار موکب، دقایقی درنگ می‌کنم و گلیبی تر؛ و هنگام سوار شدن به اتوبوس، صاحب موکب برگه‌ای را با یک خرما به من می‌دهد که روی برگه این حدیث نوشته شده است:

«قال الصادق (ع): لوقتل اهل الارض به الحسین ماکان اسرافا». یعنی اگر تمام اهل زمان به خاطر امام حسین (ع) کشته شوند، اسراف نیست!

سوار اتوبوس می‌شوم و در دفترم می‌نویسم: «اینجا هیچ‌کس مالک و متعلق به هیچ‌چیز نیست. اینجا همان آرمان‌شهری است که در هیاهوی عصر مدرنیسم، غریب و ناشناخته مانده است. دین در اینجا دکان دنیاخواهی نیست. مردم این سرزمین فریاد علی (ع) را از اعماق تاریخ شنیده‌اند. دین را، چون پوستین وارونه نپوشیده‌اند. ریا و تملق را کشته‌اند. مال و جان را برای معامله با خدا می‌خواهند. برایشان عروس هزاررنگ دنیا، نقاب از صورت کنار زده است و سیمای حقیقی این عجزوی سست نهاد را می‌بینند. با حسین زندگی می‌کنند و با شوق دیدار او راه می‌روند»



۱- «خس بی سر و پا»

روایتی از شور و حال پیاده‌روی اربعین کتاب «خس بی سر و پا» شامل سفرنامه این هنرمند در سال ۹۳ به کربلا است که به بیان شور و حال مردم برای شرکت در اربعین حسینی پرداخته است و در آن تصاویری از پیاده‌روی شهید همدانی در اربعین حسینی منتشر شده است.

حمید حسام، نویسنده کتاب درباره این اثر گفت: عنوان «خس بی سر و پا» برگرفته از غزلی است که علامه محمد حسین طباطبایی در سال ۱۳۶۳ سروده است و شاه بیت آن این است: «من خسی بی سر و پایم که به سیل افتادم/ او که می رفت من را هم به دل دریا برد»، تفسیر من، او، سیل و دریا در این بیت در ذائقه من در سال‌های دفاع مقدس تفسیر عاشورایی و اربعینی داشت که در آن سال‌ها با دوستان به تحلیل این بیت می‌پرداختیم و قسمت این بود که دوستانی مانند شهید اسماعیل اکبری و شهید جلیل شرفی که همراه بنده

اربعین هستند، به همین جهت نام کتاب «قدم عاشقی» گذاشته شده است.

در بخشی از این کتاب آمده است: محور جریان اربعین حرکت به سوی امام با مرکب محبت امام است. این وحدتی که در کنگره اربعین ایجاد می‌شود، حول محور امام حسین (ع) شکل گرفته است. در واقع فرایند ظهور توحید والایی در جریان اربعین در حال وقوع است. همه چیز با مغناطیس محبت امام محک می‌خورد و سنجیده می‌شود. وقتی همه جاذبه‌ها به یک سمت باشد، اصطکاک برداشته می‌شود و همه در یک راستا قرار می‌گیرند؛ از این رو سرعت سیر انسان به مراتب افزایش می‌یابد و این یکی از عظیم‌ترین ظرفیت‌های اربعین است که می‌تواند سیر انسان را اولاً واحد و توحیدی کرده و ثانیاً سرعت دهد و انسان را در حرکت‌ها و تصرفات عادی نیز همسو کرده و او را از اصطکاک‌ها، تعارض‌ها و آشوب‌ها نجات داده، وحدت ببخشد



۴- پادشاهان پیاده

خرده روایت‌های از زیارت اربعین بهزاد دانشگر و محمدعلی جعفری، همراه با مترجمان عربی و انگلیسی، در سفر زیارت اربعین عازم نجف

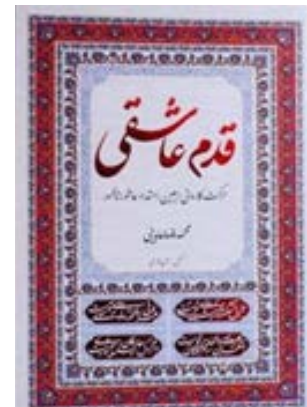
کتاب «قدم‌های عاشقی»، که به مناسبت اربعین حسینی تدوین شده، حاصل سخنرانی‌های محمدرضا عابدینی در چند سال اخیر است که در سه گفتار با عناوین «اربعین و ظهور حق در طول تاریخ»، «اربعین امتداد عاشورا تا ظهور» و «شرح زیارت‌نامه اربعین» تنظیم شده است و به همت دفتر نشر معارف روانه بازار نشر شده است.

گفتار اول دربردارنده نگاه تاریخی - تمدنی به جریان نبرد حق و باطل و نقش انبیا الهی در تاریخ انسانی و تبیین جایگاه حماسه عاشورا و توجه انبیا و اولی الهی به آن، به عنوان گلوگاه تاریخ در این سیر و نسبت یابی اربعین به عنوان فعلیت و امتداد ظرفیت‌های عاشورا برای مقدمه سازی ظهور است. گفتار دوم این مبنا را با نگاهی عینی و مصداقی و با تدبر و تجربه اندیشی در متن حماسه پیاده‌روی اربعین همراه می‌کند و تلاش می‌کند با نگاهی تحلیلی و مصداقی به نهضت اربعین ظرفیت آن را به عنوان یک الگوی اجتماعی و تمدنی تحلیل کرده و در نهایت به آسیب‌شناسی اربعین بپردازد. در گفتار سوم تلاش شده است، به زیارت اربعین به عنوان فصل اخیر و کمالی غایی زائر نگاه شده و شرحی هر چند مختصر بر متن زیارت‌نامه اربعین، با این مبنا ارائه شود.

نویسنده درباره عنوان کتاب در مقدمه آورده است: مخاطبان این اثر همه عاشقان اهل بیت (ع) هستند که در عصر سردی روابط انسانی و ایمانی، عاشقانه و با گرمی محبت حسین (ع) قدم در وادی عشق گذاشته‌اند و در پی احیای جمعی نشانه پنجم اهل ایمان در پیاده‌روی

خواندنی از پیاده روی اربعین، کتابی ملازم با اشک و خنده ی توامان. در بخشی از این کتاب آمده است: مگر یک شهر چقدر ظرفیت دارد؟ نکند این سیل جمعیت که لابد از صبح همین شکلی بوده، از این طرف شهر وارد می‌شود و به همین حالت از آن طرف شهر خارج می‌شود؟ شاید هم این چند روز شهر گشاد می‌شود و جا باز می‌کند؟ بعید هم نیست! شاید این ایام، امام حسین کربلا را می‌سپارد به علمدارش. شهردار که او باشد، دیگر همه چیز ممکن است. شهر اندازه یک کشور، کش می‌آید و بعد که همه را بغل کرد، فشارشان می‌دهد. آن قدر به هم نزدیک شان می‌کند که دل هایشان به هم گیر کند. اخبار و احوال شان در هم گره بخورد. از غریبگی مسافت‌های دور و دراز دربیایند و مثل مردم یک دهکده به هم نزدیک شوند. دهکده ای که انگار زادگاهشان بوده و خانه پدری را هنوز هم دلشان نیامده بفروشند و هر سال اربعین می‌عادگاهی است که همه رفته‌ها و هویت گم کرده‌ها برمی‌گردند به وطنشان. به هویتشان. به خاکشان. خاکی که برایشان مقدس است. آن

قد



۳- «قدم عاشقی»

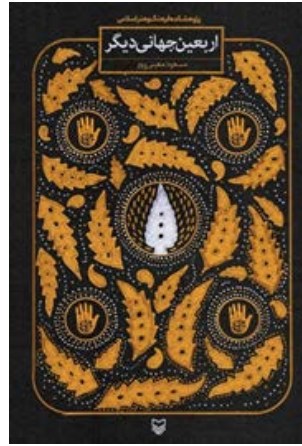
شرح حماسه پیاده‌روی اربعین در امتداد عاشورا

و کربلا شده‌اند. آنان در این سفر سراغ نسبت افراد و زائران امام حسین(ع) رفته‌اند و حرف‌ها و خاطرات‌شان از این زیارت پرشکوه و نحوه پیوند خوردن‌شان با اباعبدالله(ع) را پرس‌وجو کرده‌اند. همه اقشار را می‌توان در این کتاب دید و خواند: ایرانی، عراقی، اروپایی، مسلمان، غیرمسلمان، شیعه یا سنی، زن و مرد و کوچک و بزرگ حتی موبک‌دارها، پلیس، نویسنده، روزنامه‌نگار، عکاس، مجری، پزشک. این کتاب داستان دلدادگی این آدم‌هاست به اباعبدالله(ع). داستان‌های بسیار جذاب و خواندنی از کشتش کربلا و پویش جاده‌ی نجف تا کربلا و پاهای تاول‌زده و دل‌های لک زده برای رسیدن به نینوا.

در تدوین و نگارش مصاحبه‌ها سعی بر این بوده که کمترین دخل و تصرفی در روایت‌ها صورت نگیرد و فقط بازنویسی شود، زبان هر راوی حفظ شده و با لحن خودش روایت شده. و همین است که این کتاب را خواندنی کرده است. خواندن خاطره با زبان جنوب شهر تهرانی و اصفهانی و شیرازی و یزدی، یا با لحن عرب لبنانی و فارسی دست و پا شکسته‌ی تایلندی مقیم ایران، این کتاب را خواندنی و جذاب کرده است.

در بخشی از این کتاب آمده است: «هر مسافر قصه‌ای داشت و گاه رازی یا ارادت‌ی. آغاز قصه مسافرها با هم متفاوت بود. گاه از ایران بود، گاه عراق، از شهرهای کوچک و بزرگ، از شرق و غرب عالم... اما پایان همه قصه‌ها به یک جا ختم می‌شد؛ به سرزمینی در کرانه فرات و یادگاری که از دل بهشت بر این سرزمین باقی مانده؛ به کربلا، به تربت سیدالشهدا علیه السلام.

هر قصه روایتی بود از نیرویی که مسافر را برمی‌خیزاند و می‌کشاندش تا نینوا...»



۵- اربعین؛ جهانی دیگر

اربعین و کربلا زمانی و مکانی است برای حرکت به سمت خدا و تجدید تجربه متعالی و قدسی در برهوت قدسی زدایی از ایمان دینی. در اربعین، امکان تجربه یک جهان دیگر فراهم می‌شود و با کنش‌هایی در اجتماع دینی مواجه می‌شویم که به فراهم سازی امکان تجربه ای متعالی منجر می‌شود. تجربه ای که در اربعین اتفاق می‌افتد گویی پای خدا را در تاریخ باز می‌کند. بعد از مدتها، که خداوند از این عالم رخت بر بسته و امکان ظهور او در این عالم به مکان‌ها و زمان‌های خاصی محدود شده است، با موج جدیدی از این ظهور و بروز مواجهیم و آنچه در اعمال و افعال انسان‌ها می‌بینیم نشانه ای از چنین بروز و ظهوری است.

«اربعین، جهانی دیگر» دستاورد برگزاری دومین همایش ملی ظرفیت‌های فرهنگی- تمدنی اهل بیت(ع) است که در سال ۱۳۹۵ به همت پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و همکاری پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه باقرالعلوم(ع) و مؤسسه علمی- فرهنگی آفاق حکمت برگزار شد.

در واقع این اثر جلد دوم کتاب «مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین» است که سه فصل دارد؛ در فصل اول سه نشست تخصصی درباره حماسه بزرگ اجتماعی، مذهبی و سیاسی اربعین را بررسی کرده است. اربعین؛ الهیات اجتماعی و تمدن‌زایی اسلامی، ظرفیت‌های اربعین در تحقق جامعه منتظر مهدوی و اربعین و ارتباطات فرهنگی. در فصل دوم یازده گفتار درباره ابعاد گسترده اربعین ارائه شده است مانند جایگاه قیام حسینی در حرکت تاریخ، فهم اربعین در چارچوب مفهوم اجتماعی، ظرفیت‌های سیاسی- اجتماعی اربعین و... .

فصل سوم کتاب نیز به مقالات مرتبط با این واقعه عظیم پرداخته است. مقالاتی همچون ظرفیت‌های تمدنی اربعین، نشانه‌هایی به رهایی؛ خرده‌روایت‌هایی از راهپیمایی اربعین، ابرویداد اربعین جلوه‌ای از گردشگری دینی.

کتاب اربعین جهانی دیگر به کوشش مسعود معینی پور و همکاری پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی به همت انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

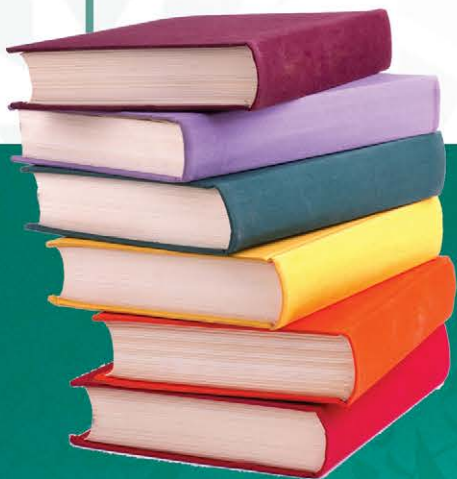
تبدیل نام کتاب

پوشش سراسر هر طلبه و استاد یک کتاب

صفر تا صد چاپ کتابان را به ما بسپارید

قابل توجه طلاب، دانشجویان، پژوهشگران و اساتید در سراسر کشور

چاپ پایان نامه، تحقیق، پژوهش، مقاله و دستنوشته های شما به صورت کتاب با مجوز رسمی از وزارت ارشاد و ثبت در کتابخانه ملی چاپ کتاب به تعداد مورد نیاز شما با کمترین هزینه (قیمت طلبگی، نصف هزینه انتشاراتی های کشور) و امکان پرداخت در دو مرحله مناسب جهت تکمیل رزومه، افزایش امتیاز مصاحبه دکتری، استخدام و ارتقاء شغلی، پیوستن رسمی به جرگه نویسندگان کشور و... مشاوره و راهنمایی جهت تبدیل متن دستنوشته و تحقیق (ولو کوتاه) مقاله، پایان نامه و... به کتاب به صورت رایگان با همکاری انتشارات صدراء و فراگیر سینا و فراگیران هگمتانه

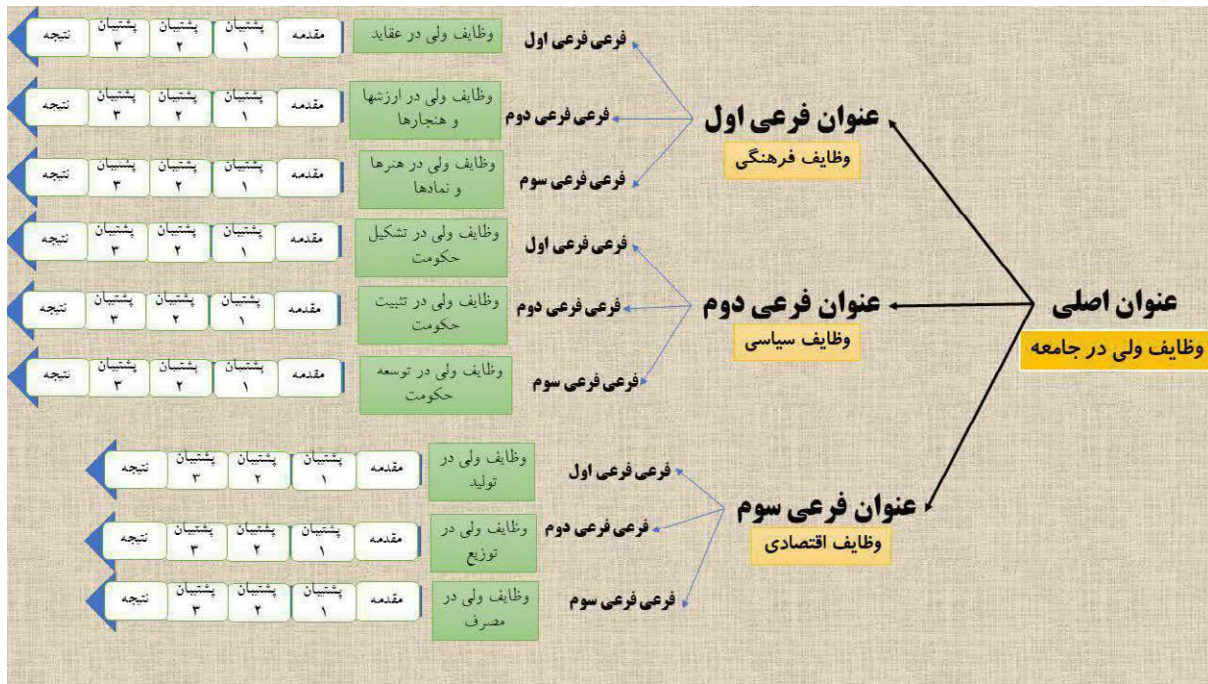


تلفن: ۰۹۱۸۷۱۲۰۱۲۷

معاونت پژوهشی حوزه علمیه سفیران علویون

.....(رضا بهرامی فرزانه).....

شماره ایتا و واتساپ : ۰۹۱۸۷۱۲۰۱۲۷



محققین گرامی

حضرت حجت الاسلام رسول سلیمانی و آقایان هادی تحریری و محمد غلامی کسب مقام برگزیدگی و برتر پژوهشی در هشتمین دوره استانی جشنواره علامه حلی را خدمت شما دانش پژوهان گرامی تبریک عرض می کنیم

مقالات برگزیده



جناب آقای محمد غلامی
با عنوان:
تحلیلی بر بسترهای نفوذ استکبار در جامعه اسلامی (مطالعه موردی انقلاب اسلامی)

کسب منتشر شده

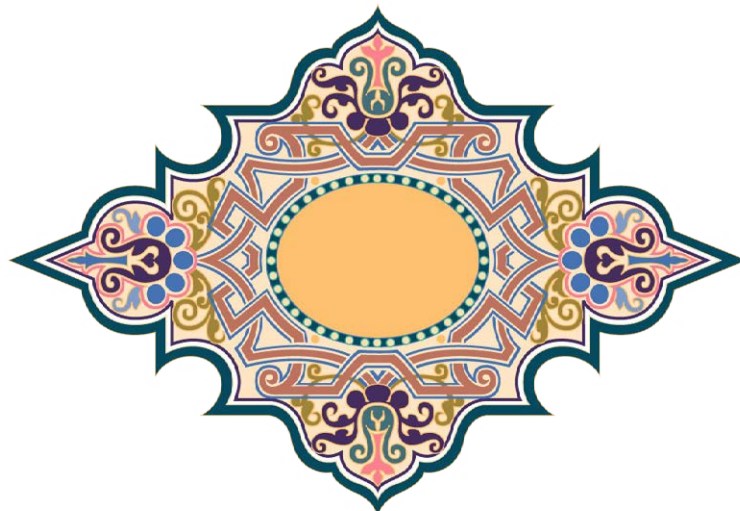


جناب آقای هادی تحریری
با عنوان:
اسرائیل اسرائیل



حجت الاسلام رسول سلیمانی
با عنوان:
شبهات کلامی معرّم

از طرف: کادر و اساتید و طلاب مدرسه علمیه سفیران علویون همدان



معرفی تازه های نشر کتب اساتید و طلاب حوزه علمیه همدان (سال تحصیلی ۱۴۰۱)

الف - بخش طلاب

۱. حجت الاسلام جواد مرادی



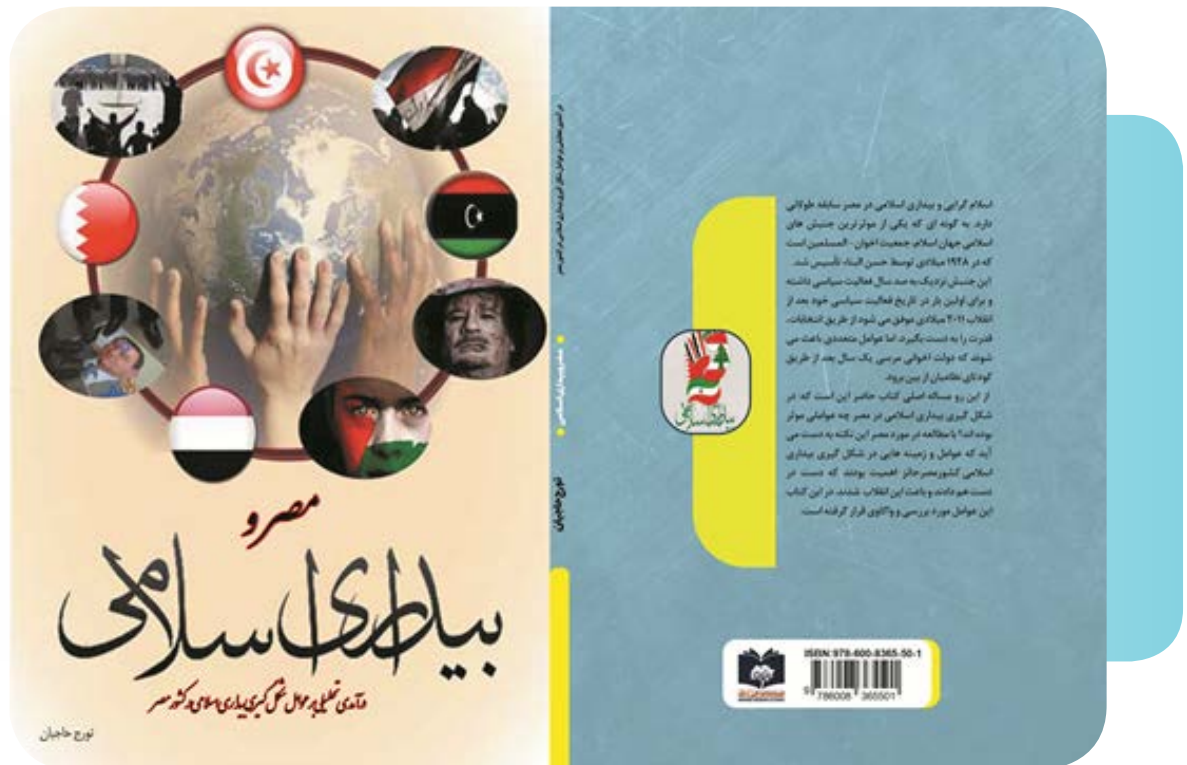
۲- آقای حامد سلگی



۳- آقای سیاوش زرینی



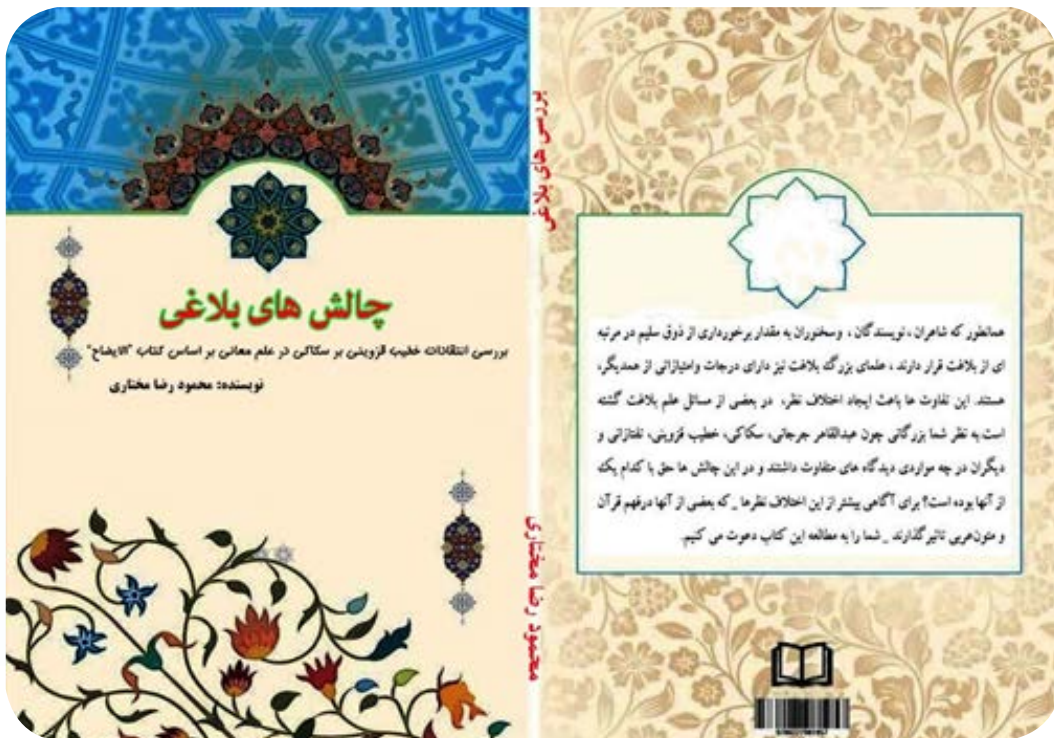
۴- حجت الاسلام تورج حاجیان



۳- حجت الاسلام میثم فرجی



۴- حجت الاسلام محمود رضا مختاری



۵- حجت الاسلام مصطفی مهدوی پور



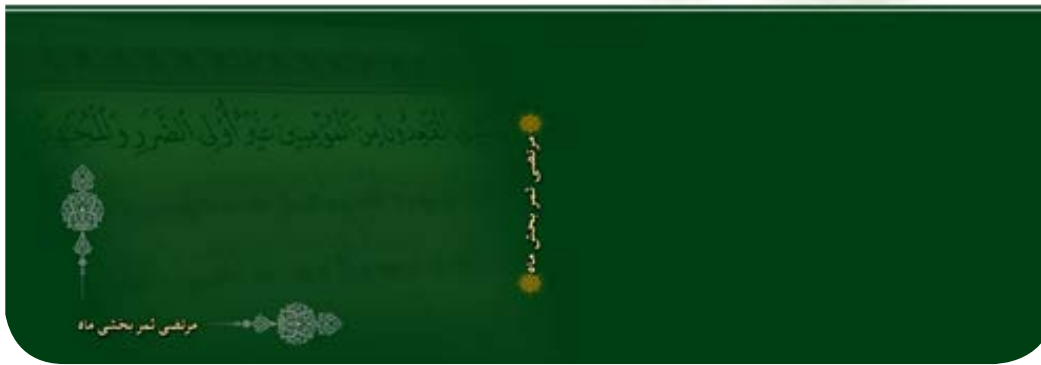
۶- حضرت حجت الاسلام کمال الدین نارنج



۷- مرتضی ثمر بخشی ماه



کتاب پیش رو گرفته ای از معارف و آموزه های اعتقادی دین اسلام می باشد که بر محوریت سوره اعراف گردآوری شده و با تطبیق این آیات با روایات در صدد آن برآمده که انواع توحید را تعریف کرده و مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. نویسنده در کتاب حاضر تلاش کرده توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی را با آیاتی که مورد این سه توحید بوده و آموزه های که از آن ها برداشت می شود را بر محوریت سوره اعراف که اعراف در قالب سه بخش مورد تحلیل قرار دهد. حال با این مقدمه شما را به مطالعه این کتاب دعوت می نمایم



۸- مرتضی حضرتی



در کتاب حاضر با بهره گیری از معارف قرآن کریم زمینه ها، شاخصه ها و مبنا و سنن جاهلیت عرب، و تطبیق آن با جاهلیت مدرن امروزی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. جنگ ها و ستیزها، عرافان و ستم های بیچ گزیده، بی نظمی های ساختاری و عدالت ناپسندگانه در عرصه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... از مهم ترین شاخصه ها و ویژگی های عرب جاهلی پیش از اسلام محسوب می گردد و به عبارتی کتاب پیش رو نشاننامه کامل جاهلیت عرب قبل از اسلام را نمایان می کند. حال با این درجه شما را به مطالعه این کتاب دعوت می نمایم

۹- مهدی بابایی



۱۰- محمد زارعی





بسم الله الرحمن الرحيم

هر آن کس خدمت جانان بر جان کرد به کیتی نام خود را جاودان کرد



همکاران ارجمند: حضرات حجج اسلام علی گروسی و مصطفی مهدوی پور (زید عزهما)

سالها خدمت صادقانه شما عزیزان را در معاونت تهذیب و آموزش مدرسه علمیه سفیران علویون، در جهت تعلیم و تربیت طلاب ارج نموده، و ضمن آرزوی سلامتی و تندرستی جنابتان، از سالها تلاش و همکاری مجدانه، دلسوزانه، خالصانه و متعهدانه شما عزیزان تشکر و قدر دانی می کنیم. اکنون که در عرصه دیگری به انجام خدمت به سربازان امام عصر (عج) هستید آرزوی موفقیت و سربلندی برایتان داریم. تنها رضایت معبود، شایسته ترین پاداش است و چه پاداشی سزاوار تر و زیبنده تر از این. امید که گلستان جانتان همواره شاداب و معطر از لطف حق باشد.

از طرف: مدیریت، اساتید، معاونین و طلاب مدرسه علمیه سفیران علویون



اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل های بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد.

درسی که اربعین به ما میدهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطر هی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگاهداشت.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

اربعین پای سیاده کربلا می‌بری؟

تادلم پر میزند سمت حرم؛ گویم حسین

